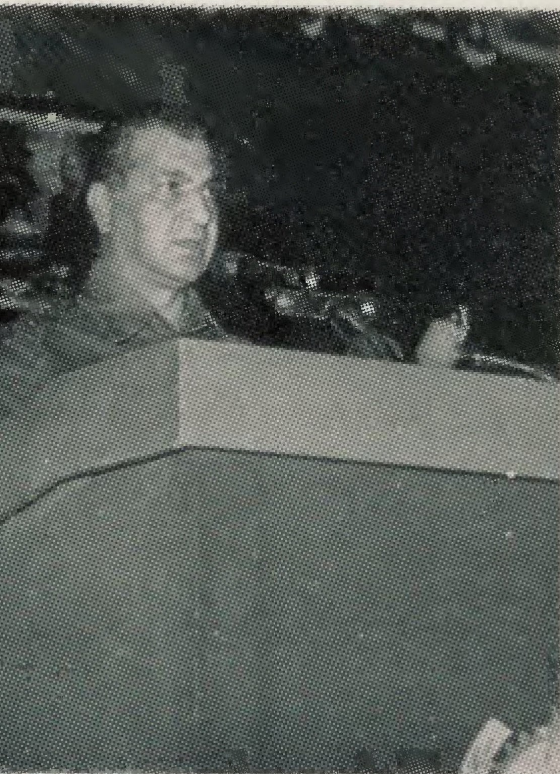
ژوندون





ستان دخلك دموکراتيك‌گوند دمرکزی‌کمیتی عمومی منشی، دانقلابی شورا رئیس اوصدراعظم ببرك کارمل په هغه پرتمین‌میتنگ‌کی ویناکوی چی دخواجه رواش په‌گارنیزیون کی چی د هــوایی او مدافع هـوایی قـراودقوماندانی او دکابل گــارنیزیون دقطعاتو دافسرانو ورو ضابطانواوسربازانوله خوا جوړشوی ؤ .



...ختصار وقایه مهم

ر یاست ببرك کار مل منشی عمومی
... کزی حزب د مو کرا تیك خــلق
...ن رئیس شورای ا نقلابی‌وصدراعظم
... دمو کراتیك افغانستان شو ر ا ی

وزیران روز چهار شنبه ۲۳ ثور درمقرشورای انقلابی ارگ جلسه نمود .

در آ غاز جلسه ببرك كار مل ا عضا ی شورای و زیران را به مسئولیت های‌سنگین شان در قبال جا معه و مردم و تبــد یـل دستگاه اداره دولتــی بیــك دستگــاه واقعــا خدمت گذار برای مردم وپیشرفت اجتماعی واقتصادی کشور متو جه سا ختند .

* * *

سلام های گرم و تمنیات نیك ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق‌افغانستان ر ئیس شورای ا نقــلا بی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك ا فغا نستان را بارق شفیعی عضو علی البدل‌کمیته‌مرکزی حزب و عضو شورای ا نقلابی روز ۲٤ ثــور طی محفلی بمردم ز حمتکش ولسوالــی

شیندند ولایــت هــرات رسانید که ...
صد ها نفر از مردم آنجــا با شور ...
انقلابی ا ستقبال گردید .

* * *

دافغانستان د خلك د مو کراتیك ...
دمر کزی کمیتی د عمو می منشی د ...
د د موکراتیك جمهوریت دانقلابی ...
رئیس او صدراعظم ببرك کارمل لــ...

فرانسی د جمهور ر ئیس په تو گه ...
فرانسوا میتران د ټاکلی کیدو له‌ا...
ته د ده په نامه د مبارکی تیلگرام ...
شوی‌دی .

* * *

بجواب تلگرام های تبریکیه ببر...
منشی عمومی کمیته مر کزی حزب...
خلــق افغــانستان ، رئیس شــورای ...



ن دخلك د مو كراتيك گـوند
يتي عمومي منشي دانقلابي شورا
سدر اعظم ببرك كار مل د ثـور
غرمې مخکی د خواجه ر و ا ش
ن کی د افغانستان د ديموکرا ـ
بت د و سله وال پوځ د وسلی
تجهيزاتو نندار تون وکوتاوور
مغه غونډه کی گډون وکړ چې د
وايي مدافعي پوځ دافسرانوسر ـ
سو بينو او دکابل گارنيز بـوند
وسسو داستازو له خوا شـوی

* * *

دخپل هيواد ملي ورځ دميلمستيا پـه تـرڅ
کی و نمانځله .

په د غه ميلمستيا کی چې د چکوسلواکيا
د سفير په کورکی شوی وه دافغانستـان
غړو دانقلابي شورا د رئيسه هيات، ځيـنو
او دصدراعظم مرستيال سلطانعلی کشتمنـد
غړو دانقلابي شورا او د وزيرانو د شـورا
يوشمير غړو ځينو گوندي کدرو نودوسلهوال

دافغانستان د خلك دمو كراتيك گـ
دمرکزي کميټې د سياسي بيرو دغړی
او پيوستون د ساز مان او له بهر نيو
سره دافغانستان ددوستي دټولنو دات



دسياسي بيرو غړی دانقلابي شورا مرستيال او دصدراعظم مرستيال سلطانعلی کشتمند کله چې دچکوسلواکيا کی دملي ورځی په منا
دهغه هيواد لوی سفير ته مبارکـی وايي . په عکس کی دگوند دمرکزي کميټې دسياسي بيرو غړی دستگير پنجشيري هم ليدل کې

رك كار منشي عمومي كميـته
د مو كراتيك خلق افغـانستان
ى انقلابي و صدر اعظم جمهوري
فغانستان تلگرام تبر يكيه بـه
مين سالگرد انقلاب شكو همند
صدام حسين ر ئيس جمهـور
وا صلت كرده است .

هور عراق طی ايـن تلگـرام
و صميمانه مردم عراق را بمردم
ـيم نموده صحت و سلا مـت
كار مل را باپيروزي هاي مزيد
تان تمنا كرده است .

* * *

ی د چکو سلواکيادسوسياليستی
ى سفارت دثور ۱۹ نيټه غـرمه
دخلك د يمو کراتيك گوند د مر کزي کميټې
دسياسي بيرو غړی دانقلابي شورا مرستيال
دگوند د سياسي بيرو او مرکزي کميټې ځينو
پوځ سترو افسرانو دو لتی لوړ ر تـبه
کار کو و نکو او په کابل کی د دو ستـو
هيوادو سفيرانو او پو ځی آ تشو گـون
کړی وو .

د رئيس ډاکتری ا نا هيتا راتبزاد له
پرهټلری فـشيزم باند د بر ياليتوب‌دش
ديرشمی كاليزی له امله له بهرنيو هيـ
سره د شوروی اتحاد دوستي او كلتو
اړيكو دټولنو داتحاديي د رئيس اودشو
اتحاد او افغانستان د دو ستي د ټو لن
رئيس ا نتو نوف په نامه مسكو ته‌دمب
تيلگرام مخابره شويدی .

* * *



پیک ثور

واقعیت اینست که امپریالیست ها ی امریکایی با ارتجاع داخلی منطقه و رهبران چین سخت درزدو بند اند تادرراه انقلاب ملی‌ودموکراتیك ضد فیودالی وضد امپریالیستی خلق افغانستان سنگ اندازی کنند ، شهر دهات، مکاتب ومساجد رادر آتش بکشد، زنان اطفال وپیرمردان مانرا وحشیانه بـه قتل‌برسانند ودست آورد های انقلاب ثور را از میان بردارند .
«ببرك کارمل»

شنبه ٢٦ ثور ١٣٦٠-١٦ می ١٩٨١

ی وششمین سالگرد
پیروزی برفاشیزم

ی به مثابه بزرگترین پیروزی
ن وانسانیت ، برفاشیزم هتلری
ب سرمایداری امپریالیستی ست،

روز فتح و غلبه نهایی برفاشیزم
ملعون زاییدهٔ نظام استبداد وستم
ی انسان میباشد .

اشیزم نتیجه تلاش ومبارزه‌مشترك
ی ضدفاشیستی است امانیرو های
، انسان دوست ومترقی درین
فاطع داشتند که سهم اتحاد -
ین زمینه خیلی برجسته وبرازنده

ـــن روز با خون رشید ترین
ن فرزندان اتحاد شوروی رنگین
که همه جهان بشریت مرهـون
فداکاری ارتش سرخ شوروی این
زادی ، انسان وانسانیت می‌باشد.

٢ جون ١٩٤١ فاشیست های‌آلمانی
ناشده یی را علیه کشور شوراها
د وباپنج میلیون سرباز و نیروی

به اتحاد شوروی حمله ورشدند

میهنی بیش ازبیست میلیون پیروبرنا وکودك خودرا ازدست داده بودند اندکی‌آرامی‌بخشید.

مگر تاهنوز هیولای فاشیزم را مردم جهان از یاد نبرده اند و هنوز کوره ها ی‌آدمسوزی واردو گاه های مرگ آفرین فاشیستان مانند آشویتس وجدان هرانسان با احساس را می‌آزارد ، وآنها با تمام گوشت‌وپوست خویش احساس نموده‌اندکه فاشیزم باصلح ودوستی وترقی‌وتحول‌دشمن آشتی ناپذیر بوده و هر جا که مشعلی از نهضت وتحول روشن میشود فاشیست های هتلری به «استریك» وحشتناك دچارشده وبانام هیله ونیرنگ و بکار بردن اعمال غیر انسانی متوصل می‌شوند ازکشت وکشتارفجیعانه گرفته تاآتش سوزی وغیره اعمال تروریستی رو گردان نیستند.

فاشیزم با منافع انسانی و حیاتی توده های مردم وخلق های سراسر جهان دشمنی عمیق وبنیادی دارد در آن عده از کشور های جهان که‌این نظام اختناق وترور و آدمکشی ولو برای مـــدت محـد و د هـــم مستقـــر بـــوده بدترین وفجیع ترین شکنجه های روحی و

صلح ودوستی وعاشق نهضت و تحـول اند درامراءده صلح ودموکراسی وتامین‌دیتانت از هیچ گونه مبارزه دست نمی‌گیرند .

اگر کشور های مترقی و صلح دوست‌جهان از روزنهم ماه می تجلیل وبزرگداشت بعمل می‌آورند ازین جهت نیست که آتش انتقام جویی را در نزد انسان ها شعله و رسازند.

بلکه از سبب آنست که جراحات خونین ووحشیگری های فاشیزم هتلری در خاطره‌ها محو نشود وبشریت انسان دوست وعقل‌های سلیم اجازه ندهد که فاشیزم جهان خوار که نظام های ترور و اختناق و ظلم واستبداد زاینده آنست به شکل‌نیوفاشیزم ویا باتغییر قیافه بشریت را بار دیگر سو گوار سازد .

زیرا جنگ دوم جهانی که‌فاشیزم‌این طفل نااهل سر مایداری آنرا براه انداخت ویك عده زیاد انسان ها را برای همیشه داغدار و ماتم دار ساخت به یقین کـه نسل های بعـدی نیز خاطرات جان گای آنرا از یادنمی بردو تاجهان است قصه های از قصه های این کشتار بی رحمانه و غیر انسانی فاشیزم نقل مجالس و

در این شما



سره میاشت از شما و برا

گئورگی دیمتروف فرزند قهر

زنده باد صلح ، مر گ
افروزان .

چهره وا قعی زن در آ ئین
اندیشه پرو لتری

کار گران جهان روز اول می
خاصی تجلیل می نما یند

اعتیاد با ادویه مخدره ، بح
اجتماعی

تبصره

کسال از پیشنهادات صلح ۱۴ ماه می گذشت

گذشته ا علامیه و زارت‌اهور
د مو کراتیك ا فغانستا ن
شدن يك سال از ا را ئـه
سهور صلح آمیز مو رخه ۱٤
ج.د.ا. را به‌نشر سپردیــم
وزارت ا مور خارجـــه ج.د.!
و صادقانه روی اصل‌جستجوی
سالمت آ میز او ضاع ا یجاد
کشور ما یکبار د یگر کشور
را که در برابر راه حــــل
و ضع کنونی منطقه بخصوص
ضاع کشور ما سنگ اندازی

درین جهت از هیچگونه تلاش لازم د ر یغ نورزیده ا ست . و لی هستند نیرو هــــایی در منطقه ما که واقعیت انقلاب ا فغانستان و پیامد های اجتناب ناپذیر دو جــونب آنرا به نفع توده های ملیونی ز حمتکش نمی ـ پذیرند واز هیچگونه ا مکانی جهت افزایش تشنج تحریك و تفتین و تو طئه علیه مادست بردار نیستند .

تمام پیچیدگی های و ضع کنونی و تمام ضایعاتی که ازان بر می خیزد ناشی‌ازهمین نیات ما جراجو یانه وانتقام جویانه‌وسیاست غیر واقعبینانه همین محافل و نیرو هــــای ار تجاعی منطقه ما می باشد .

ما بتاریخ ١٤ ماه می ١٩٨٥ به صراحت اعـــلام داشتیــم کــــه حــاضـر هستیم تمام معضلات عمده کنونی را کـــه باعث‌ کشیدگی او ضاع پیرا مون ا فغا نســتان گردیده ا ست در پشت میز مذا کره‌بادولت

های کشور های همجوار حل نماییم .

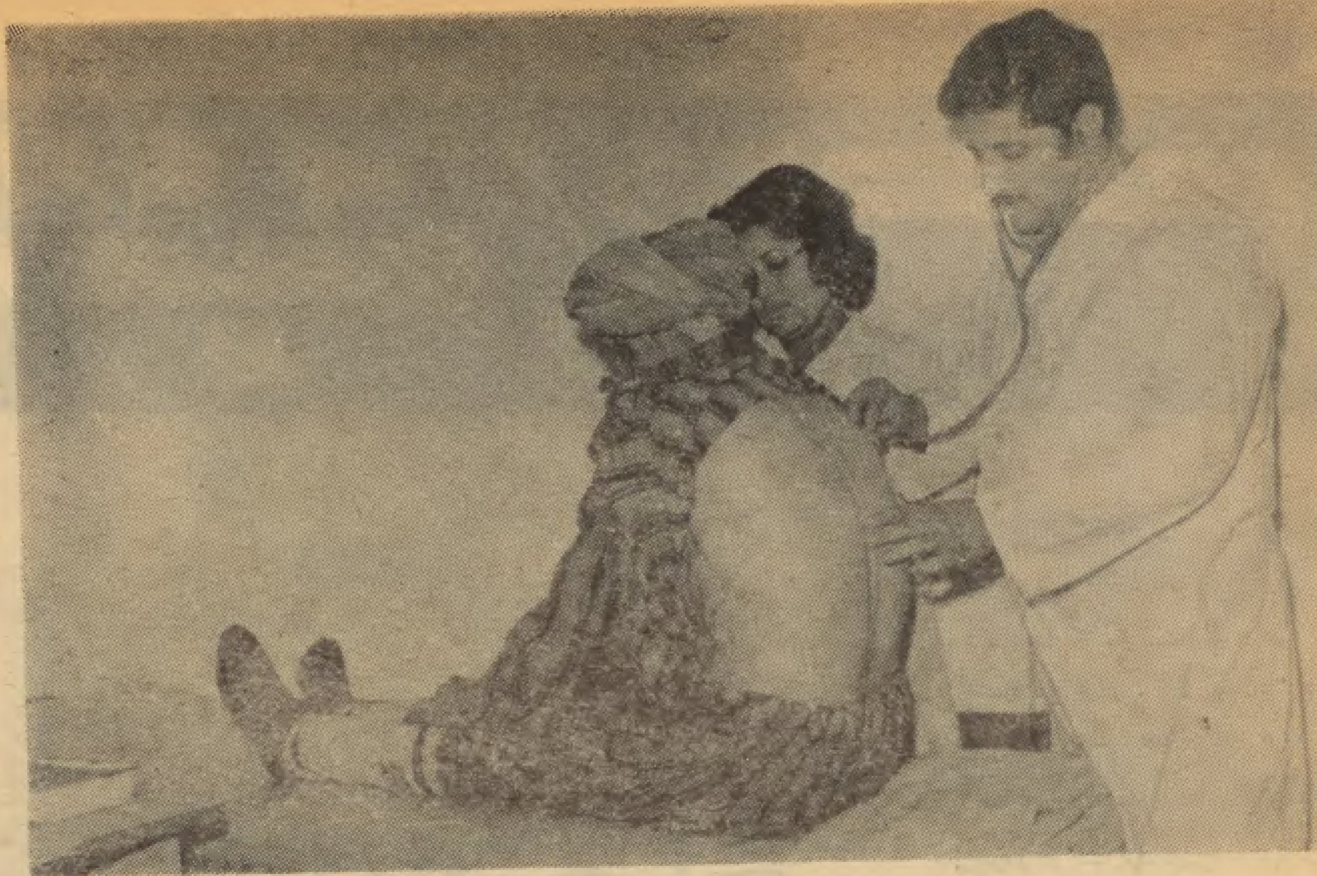
ما به صراحت مطرح سا ختیم که طی‌این مذاکرات درصورت ارائه تضمین قابل اعتبار در جهت ختم تجا وزات از ین سر ز میــن ها علیه کشور ما و عدم تکرار مجدد آ نها مسأله برگشت نیرو های محــدود نظــامــی اتحادشوروی که‌بنا به در خواست مقا مــات قانونی و صلاحیتدار کشور ما بخاطر طــرد ودفع تجاوز خارجی به کمك مردم ما شتافته اند حل خوا هد گردید .

بعدا این پیشنهادات در مواقع مختلـــف

ایفا نموده است . طرح این پیشنهادات
روحیه صر فا تاکتیکی و عوامفریبانه
واز سرشت عمیــــق سیاست دولت ا
ما منشاء می گیرد . مادر جهت بکــ
نشاندن این پیشنها دات که ظا هراهیچ
آنرا صریحا رد ننموده است بارهاکوشید
یکی دوبار دو لت پاکستان با ا ظهارات
وسردرگم که بعد ها معلوم شد ر یاک
بوده است اظهار آ مادگی خود را در
انجام مذاکرات اعلام داشته ولی متا س
هیچ گام عملی یی در جهت آ غاز مذا
ویاکوشش در راه تهیه مقد مات آن، بـ
نداشته و کو ر کو رانه بدر گاه قصر
چشم دو خته و سیاست ما جرا جو یانه
تعقیب نمود .

هر بار یکه پاکستان با همین ا ظها
مبهم و مغشوش هم تمایل خــود را در
جهت تبارز داده است ، مقا مات ذیصـ
قصر سفید با د ستپا چگی د ست بک
شد ه اند تا درین ز مینه موانع را
نمایند .

ما آنچه را می بایست ا نجام د هیم ا
دادیم اگر دو لت های همجوار واقعا خو
حل مسالمت آ میز معضلات کنو نی پیرا
او ضاع افغانستان هستند بایست‌پیشنها
مشخص معقول و واقعبینانه ما را که
تحمیل قید و شرط قبلی مطرح گر دیده ا
بپذیر ند در غیر آن نخوا هند توانست‌تما



دکتوران موظف سره‌میاشت همیشه در خدمت هموطنان کم بضاعت ما هستند .

ته : س . ر . ها شمیار

سره‌میاشت ازشماوبرای‌شما

* درسال گذشته بیش از یک ملیونو هشتصدو هزار هموطن
یض ما از طریق کلینیک هاوشفاخانه های سره میاشت زیر
تداوی قرار گرفته اند.

• • •

شتم مـی کـه مصادف است با
ـده هـم ثـو ر روز جهانی سره -
ت هاهمه‌ساله زیرعنوان وشعاری جداگانه
سیله همه کشور های عضولیگ جهانی‌ودر
همه ملت های گیتی تجلیل وبزرگداشت
دد ویک‌بار دیگر دراین روزازیکسـوبه
مات فراموش نشـدنی ابرمرد بزرگ با
ه تاریخ هانری دونانت بنیان‌گذار موسسات
ب سرخ، هلال احمروسره‌میاشت ها ارج
ته میشود واز سوی‌دیگر وسـایل‌ارتباط
ی میکـوشند بانشا ندهی شرایط وبــر-
از وا قعات و حوادث طبیعی و غــیر

سره میاشت ها از آ غاز تا سیس خـود
تاکنون بر اساس مشی بشر خوا ها نه‌وصلح
طلبانه یی که دارند در سطح جهانی نقش
عمده‌یی در جبران نا بسامانیهای ناشی‌ازجنگ
ها، قحطی ، گرسنگی ، زلـزله ، سیلاب و
حوادث د یگر از این مانند داشته و دارند .
این ساز مان ها که در پر نسیپ هـــای
جهان شمول خود ، بشر دو ستی ، عــدم
تعلق ، بیطرفی ، ا ستقلال ، شفقت ووحدت
را پذیرفته و بر اساس آن کار می کنند
هدف عمده آ نان را خدمت گذاری وا قعـــی

است بلکه هر روز ساحهٔ کار و خد ما ت
اجتماعی خودرا گستر ش بیشتر داده وتوانسته
است اعتماد مردم را به خود جلب و ساحهٔ
امداد آ نان را و سعت بخشد .
چنانکه این مو سسه‌در جریان سال۱۳۵۹
نزدیك به یکصد میلیون افغانی رااز طریق
مرکـز جمعیت ، کـلینیك هــای صحی ،
مرستونها و نمایندگی های سره میا شت

محدود می باشد در نزده کلی
شفا خانه مر بوط به این ساز
به گونه داو طلب در آن فعا
بیش از یك میلیون و هشتصد
نفر از همو طنان ما به مصرف
پنج میلیون و دو صدو هفتاد
تداوی ، پانسمان ، پیچکاری
نیز برای شان تو زیع شده ا



در و لایات و هم از راه لا
رسیدگان و محتا جان کمك نق
داده است که این ا مداد شا
هفتاد و نه میلیون افغانی ،
هزار و ششصد تن گندم ،
تن آرد ، بیست و پنج تن بر
سه‌صد و بیست وهشت تن ر
سه‌تن شیر پودری ، شصت
تن چای و هشتاد وچهار تن
می گردد .
در بخش خدمات لاتری بیشر
ونیم ملیون افغانی برای بیش
نه هزار نفر بر ندگان جوایز
رسانی شده و در ساحه مسای
به پائین بودن سطح آ گا هی و
فقر مسلط در جا معه عدم ش
فردی و محیطی که در مجموع
بروز انواع بیماری های مسری
در میان جامعه می گردد و نظر
نکته که ا مکا نات و زارت ص
برای ر سیدگی به همه این نا

جمعیت افغانی سره میاشت در سال گذشته معادل بیش از نود و هفت میلیون افغانی کمک نقدی و جنسی به هموطنان نیاز مند ما داده است

باشت در ساحه خد مات ا جتماعی
رد که جمعاً شامل بیش از هشتا د
یون افغانی می شود در جریان
دشته تلاش به عمل آ ورد تانحوۀ
ات خـود را مثمـرتر ساخته و
کار سازی کند که در زود ترین
کن حد اکثر کمك لازم را برا ی
و محتا جان و نیاز مندان درسطح

کشور انجام شده بتواند کـه بـه همیـز اساس در پهلوی و زارت صحت عا مه نقش عمده در جهت ر سا ندن خد مات صحی بـه مردم داشته است هر ستون های چهار گا نه کابل ، ننگر هار ، هرات و قند هار نیـز باپیروی از مشی انسان خوا هانه جمعیت افغانی سره میاشت خدمات شان با تحول و دگرگونی چشمگیـری به همراه بوده و نه‌ـ



صحنه‌یی از قرعه کشی تکت‌لاتری سره‌میاشت



تنها برای بیش از چهار هزار نفر که دراین کانون ها جمع آ وری و ا باته و ا عا شه می گردند شرایط کا ملا انسانی مهیا آمده بلکه با زمینه سازی های تازه تر بیوی و تعلیمی و انکشاف روز افزون شعب صناعتی آن تلاش گردیده تا این جمع بی خانواده‌که در اثر حوادث کانون های پر مهر فا میل خودرا از دست داده اند در فضای پر مهرو عطو فت ز ندگی کرده کمبود های شان رفع وبرای تامین ز ندگی آ ینده شان ا قداماتی سود مند به عمل آ ید .

باتو جه به همه این خد مات و آ ر ما ن های وا لای ا نسانی افغانی سره میا شت‌و همه سره میاشت های جهان ا ست که در

ویاجنگی صد ها زخمی ومصدوم را
به جای می گذا رد و یا قحطی و
تهدید تازه‌یی برای مرگ عده‌یی نا
فراهم مـی آورد ، دست کمك از آ
میکشد و به داد همه این محتا جا
وزندگی ساز دو باره آ نها می گرد
همین اساس ا ست که باید این
هارا مورد حمایت مادی و معنوی خ
دهیم تا به این تر تیب آ نها تو
گسترده ساختـن هر چـه بیشتـر
خدمات ا نسانی را بیا بند و گر نه
کـه ما در برابر آنها بی تفاوت بم
طبیعی است که قدرت کمك ر سانی
دهی آ نها نیز در اثر کمی بود جه

الله فرهمند

گئورگی دیمتروف فرزند قهرمان مردم بلغاریا

۱۹۱۸ مصادف به‌یك هزاروسه صد مین سالگرد ایجاد دولت بلغاریا و نودمین
تاسیس‌حزب‌کمونست بلغاریا وبیست‌وششمین سالگرد قیام توده یی ضد فاشیستی
وبیست وپنجمین سالگرد عظیم ترین پلینوم ۱۶ اپریل۱۹۵۶حزب‌کمونست بلغاریا
در کشور محبوب مابنابه‌رهنمایی حزب‌دموکراتیك خلق افغا نستان وتجویز دولت
ملی انسجام بر گزاری جشن یك‌هزاروسه صدمین سالگرد تاسیس دولت بلغاریا در
ستان ایجاد گردیدتا مراسم برپا داشتن‌جشن ملی زحمتکشان بلغاریا رادر افغانستان
ی ، سازمان بدهد •
این مقاله بدین مناسبت فرزند قهرمان‌خلق بلغاریا گئورگی دیمتروف بانی جبهه
پدر وطن بلغاریا معرفی میشود •

ـــم جون سال ۱۹۱۸ در روستای
ی «رادومیر»شمال‌غربی بلغاریا.کودکی
دریك‌خانواده‌فقیر وتهیدست‌به جهان
مدا در دورهٔ زندگی اش در سرنوشت
رد و جنبش کار گری جهان ، نقش
یفاء نمود پدرش پیشه ور کوچکی
در گیر ودار زندگی ، سرمایه ناچیز
از دست داده بحیث یك کارگر ساده
ه ها، زحمت ورنج میکشید وآخرهم
، مصارف زندگی‌خانواده اش راتکافو
این وضع ناگوارزندگی و فشار روز

نویسنده و قلمزن توانا گردید و بحیث یك
انقلابی بر جسته و دور اندیش دارای جهان
بین مترقی شناخته شد •

مادردیمتروف ، میرمن پاراشکه وادیمتروا
یکی از زنان بر جسته روز گار خود بود درآن
زمان که کابوس فقر و محرومیت و هم‌سایهٔ
مخوف ترور پولیسی وفشار و اختناق کــه
طبقات زحمتکش و اکثریت خلق بلغاریا را
تهدید بمرگ می‌کرد و خانواده ها بچشم سر
می دیدند که چگونه شیره‌جان‌شان به‌یغمابرده
میشود ، این مادر قهرمان با روحیه انقلابی

ماند . باید بخاطر داشت که این مادرقهرمان
این زن مبارز و د لیر به هنگام نو شتـــن
این نا مه به گئورگی سه تن از جگرگوشهٔ
خود را از دست داده بود . «کنسا نتین »
جوان فعال و مبارز که بحیث مدیر اتحادیه
کارگران چا پخانه کار می کرد در اثرتوطئه
و شانتاژ ، بخد مت ز یر بیرق ا حضار و
بعدا در جبهه جنگ بالکان سالهای ۱۹۱۲ـ
۱۹۱۳ فرستاده شد و در آنجا ، سر به
نیست شد ودیگر خانم پاراشکدوا دیمتروا
فرزند د لبندش را ندید و حتی نمی دانست
که درکدام نقطه‌درکدام‌قتلگاه جان‌داده است.

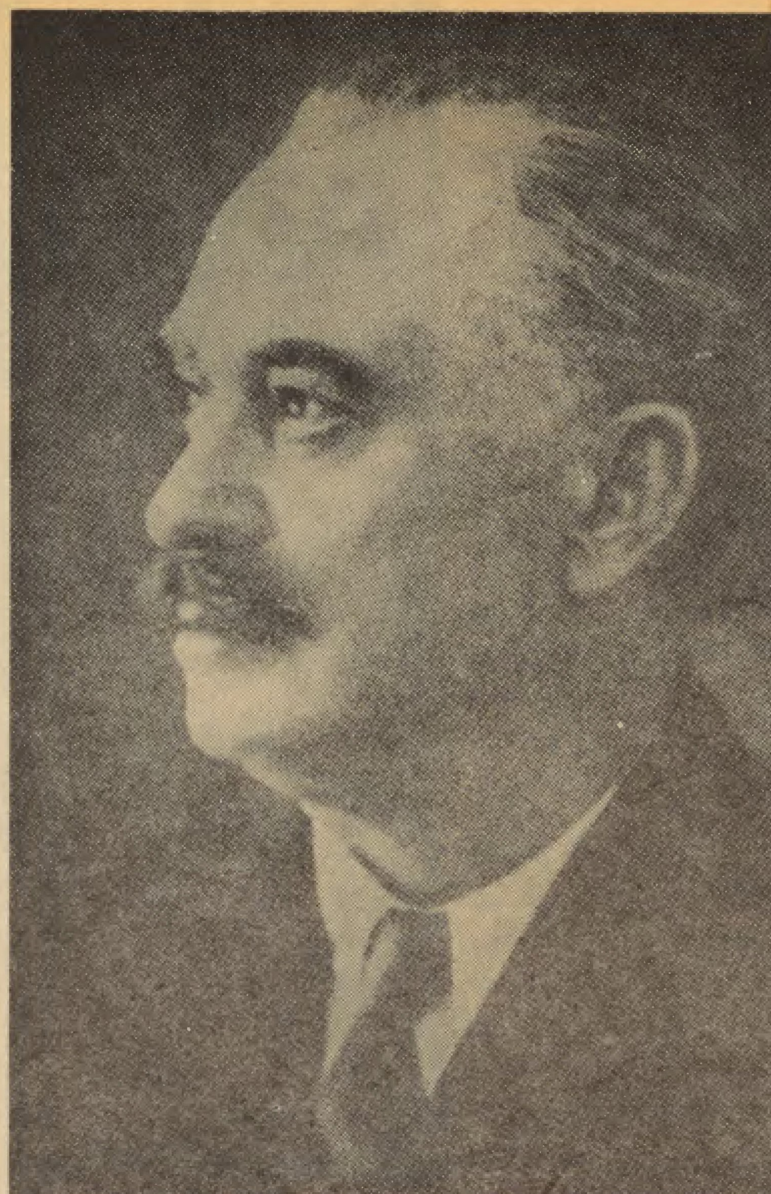
نیکلای ، یکی از برا دران گئور گـــی
دیـمتروف ، مقارن با انقلاب ۱۹۰۵ به روسیه
رفت و به عضویت حزب سو سیال د مو ـ
کرات در آمد ، سه سال بعد ، پـــو لیس
تزاری او را دستگیر و بسر زمین سرد و،
یخبندان سایبریا فرستاد ا ما در ا ثرضعف
روز افزون مزاج ، سر مای شدید و عدم
موجودیت و سایل لازم معیشت در آن سر
زمین دور افتاده وافسانوی پدرود حـــیات
گفت .

سرنوشت «تودور» برادر دیگر دیمتروف
از این هم درد ناکتر ا ست ، « تو دور »
عضو فعال حزب کمو نیست بلغاریا، بجرم
داشتن جهان بینی علمی و فعا لیت‌انقلابی،
از طرف دژخیمان دستگیـــر و تحت شکنجه
غیر انسانی قـــرار گرفت تا مگروی رفقـــای
مبارز اش را معرفی نماید ، ا مااین انقلابی
کلیه درد و رنج و شکنجه را متحمل‌گردید
اما احدی از همقطا ران رز منده اش‌را بگیر
محافل ددمنش حا کمه نداد ،تو دور بشکل
بربرمنشانه بقتل ر سید و جسد او را بجای
نا معلو می ، مد فون سا ختند . ز مانیکه
مادرداغدیده به‌سراغ پسرش رفت و جویای
احوال د لبندش گردید ، پو لیس گفـــت
«تو محل و مخفی گاه د خترت « لنا» را بما
روشن کن و ما هم گور پسرت را نشا ن
می د هیم . » مادر د لیر ، مادر فر زندان
صدیق و مبارز خلق بلغاریا با جرات صدا
زد، هر جنایت از دست شما ساخته است
حتی خیانت به بلغاریا ، تو دور کجاست ؟
چراوی را بدون محاکمه، شکنجه دادیـــد ؟
شما چه اصراری در کشتن و نابود کـــردن
فرزندان صدیق وطن روامی دارید ؟، شما

آگاه بود ، کتاب مطالعه می کرد
نویسندگی پی برد و بزودی درص
گان انقلابی بلغاریا قرار گرفت
بمطالعه تاریخ و طن خود و این
کشورش ا سیر پنجهٔ ظلم و تعدی
عثمانی قرار گرفت و چگونه ،
شجیع عمو طنش بخاطر ر هایی
امپراتوری عثمانی پیکار نمودند
زیادی داشت و خو د را از تاری
میهن اش آ گاه سا خت ، وی خ
زحمتکشان بلغاریامی دا نست و ب
آبایی اش ، عشـــق ودل بستـگی
داشت و در هر جا با غرور وافتخا
از ا نتساب به چنین مردم پیکار
سخن می داد . سلطهٔ پنجصد سا
عثمانی عقب گرا ، جلو انکشاف
واجتماعی بلغاریا را سد نمود و
بیك کشور عقب مانده با قی گذا

هنگامیکه گئودگی هنوزهفده به
ندیده بود بحیث مدیر سند یکای
مطبعه انتخاب شد و سه سال بع
حزب سو سیال د مو کرات در آ
این حزب ا نشعاب کرد و به جنا
واپورتونیستی ، تقسیم گردید
گئورگی راه جناح ا نقلابی حزب
رهبری د یمتر بلا گویف ، ا نقل
بلغاریا در پیش گرفت . با پیش
اصول تر قی ، رهبری آگاه و
دیمتر بلاگویف و همرز مان وی
راست که از ا صو لیت ا نقلابی
نموده بود به انزوا کشانیده شد
زحمتکشان بلغاریا ، از آن تنفر
در اینگونه فعالیت های خلاق ،
بحیث عضو فعال جناح ا نقلابی
نقش برازنده و تاثیر زیادی داش
همین کار و پیکار ا نقلابی بود ک
بعضویت کمیته مر کزی حزب س
دمو کرات که پسانتر به حزب
بلغاریا تکا مل یافت ، ا نتخاب
روز تاروز در جمع غفیری از پیک
شهرت می یافت و محبو بیت بی
می کرد .

در سال ۱۹۱۴ و هم در سال
صوفیه گئورگـــی را بصفت نماینده
پارلمان بلغاریا ، ا نتخاب نمـــ
همچنان در انجمن شهر صو فیه



گئورگی دیمتروف فرزندقهرمان مردم بلغاریا

... و نا را می های کار گران ر ا
...ی مو رد بر رسی قرار داد و
...گرا نبهای کسب کرد و باشاره
...به تشکیل زحمتکشان بلغاریا
...یه های صنفی سرا سری بلغاریا،
... وخودش در راس این اتحادیه
...گران و ز حمتکشان قرار گرفت.
...۱۹۲ که کنگره دوم کمنتر ن ،
... یافت ، د یمتروف به همرا هی
...لاروف و سایر ر هبران انقلابی
...سورت مخفی ، عازم کشور شورا
... ا ما در نزدیکی سواحل رومانیا،
... بو سیله مو ظفین ا منیتی آن
... یافت و سر نشینان کشتی به
...سی ، بزندان ا ندا خته شدند.

گردید ، از همان و قت ، سا حه فعا لیت ومبارزه این قهرمان ازمرزهای بلغاریاخارج شد وخاصیت جهانی یافت و بحیث یکی ازرهبران برجسته کمنترن ، معر فی گردید .

هنگا میکه در سال ۱۹۲۳ بورژوازی بزرگ بلغاریا بکمك ار تش بکو د تای فا شیستی دست زد و دو لت ملی ا لکساندر ا سلا ـ بولیسکی ، رئیس اتحادیه کشاورزان بلغاریا را که از سال ۱۹۲۰ حکو مت را در دست داشت ، واژگون ساخت . این دوران بلغاریا ، می تواند برای بسیاری از احزاب یك درس آ موزنده و تجربه گرا نبها باشد. حزب کشاور زان بلغاریا که بسر کر د گی اسلا بو لیسکی قدرت را بدست گر فت ، فکر می کرد که بورژوازی ، سر کوب شده و

کمو نیست ها را صادر نموده بود و به آن عده از کمو نیستان که با اعضای ا تحا دیه توده ای کشاور زان بلغاریا در تعرض به حکومت فاشیستی همکاری می کردند دستور داده شد که به مبارزه مسلحانه پایان دهند. کودتا موفق شد ، قصا بان فا شیست ، اسلا بو لیسکی را مثل گو سفند سربریدند وحکومت ا ختناق و استبداد و فا شیستی را برقرار کردند . نیرو های سالم و انقلابی حزب بکمك کمنترن به اشتباه خود پی برد واشتباه را تصحیح نمودند . کمیته مر کزی در جلسهٔ تاریخی ا گست ۱۹۲۳ مشی تدارك عصیان مسلح را اتخاذ کرد ، نقشه طرزعمل وتکتیك عصیان هم تهیه شد وهم کمیته عالی نظامی انقلابی تحت ر هبری حــزب کمونیست بلغاریا ، تشکیل شد . تلا ش و سیع د رراه تشکل مردم در جبهه وسیع واحد ضد فاشیستی مبذول گردید. گئورگی ـ دیمتروف ، در این مو رد مساعی فرا وان بخرج داد و مقا لات متعدد بر شتهٔ تحر یر آورد که هنوز هم ا ین مقا لات اعتبار خودرا از دست نداده است .

حزب کمو نیست بلغاریا قیام را بــــه فاشیستان اعلام کرد. حزب در جلب اتحادیه کشاورزان پرداخت وتااندازهٔ موفق شددرسال ۲۳ ستامبر ۱۹۲۳ حزب کمونیست بلغاریا قیام را ساز مان ، ر هبری و آغاز کرد ا ما این قیام با خشو نت و بیر حمی از طر ف دشمن ، سر کوب شد ، حزب کمو نیست درسهای از قیام گرفت و از جمله ضعف امور نظا می ، مورد تجزیه و تحلیل قــرار داده شد و تجارب و نتایج از آن بد ست آمد . در آن و قت اتحاد بین کار گران و دهقا نان تحکیم نیا فته بود ، عملـــیا ت بصورت نا هم آ هنگ صورت می گرفت ، کمبود اسلحه ا حساس می شد و تدا رکات



گئورگی دیمتروف ، در سال ۹٤۷...

نظا می هم بقدر کا فی بد سترس ...
دو لت فاشیستی پس از سر کوب...
به اعمال د د منشانه و کشتار های ...
دست زد ، تلفات سنگینی به جبهه خ...
کرد . گئورگی د یمتروف و عده ازهمک...
ناگزیر ، جلای وطن اختیار کردند . ...
عده‌ای کثیری از زحمتکشان ، عناصر ...
ومترقی ، در شکنجه گاه ها، بقتل ر...
زندانها پـر از وطنپرستان شـــد و ...
کثیـری از انقـلابیـون بـدست دژ...
فاشیست شر بت مرگ چشیدند .

پیکار قهر ما نانه با فاشیزم :

شرایط ناگوار ز ندگی خلق‌های ب...
مرگ فا جعه آ میز برا دران وی ، ...
استبداد و فشاربر گردهٔ زحمتکشان ...
همـه و همـه دیمتـروف را بـا اهـ...

بقیه در صف...





چند صحنه ازنبرد دلیرانه سربـازان شوروی برفاشیزم .

الف ـ میهن فدا

...وششمین سالگردپیروزی برفاشیزم !

زنده باد صلح ، مرگ بر جنگ وجنگ افروزان

جنگ جهانی دوم کمی به عقب
وتاریخ دهۀ دوم و سوم و چار
را بخصوص در مورد ارو پا و
پس از جنگ جها نی اول (
که طی آن آلمـان ومتحدیـن
خوردند فصل نوینی در تاریخ
یافت . کنفرانس صلح پا ریس
جهان را تقسیم نمود ، این مو
تقسیم مجدد جهان علت وهدف
برای آغاز جنگ جهانی اول و
سرزمین های تحت استعمار آ
از سه ملیون کیلو متر مساحت
کشور های فاتح چون انگلستان
جاپان ، بلجیم و دیگر ان تقسی
جنگ یعنی جنگ جهانی اول خ
تلفات زیادی ببارآوردوبحران ج
داری را عمیق تر سا خت وا
دو رانساز د یگر که طی جنگ
بوقوع پیوست همانا پیروزی ا
اکتوبر بود که در اکتوبر سال
دربحبوحۀ جنگ جهانی اول به
رسید و این پیروزی نخستین
کشان را در جهان بمیان آ ورد
حـادثه در پهلـوی آنکـه ره
کامل ز حمتکشان جهان ا ست
بر پیکر ا مپر یالیز ما ست و
رهگشای رهـائی خلـق های در
نیز شد .

عقد معا هدۀ صلح پاریس
کشور های ا مپر یالیستی را
نوینی نمود . این تضاد بین ف
ومغلوب جنگ یعنی انگلستان
ایالات متحده و جا پان از یک
ازطرف د یگر را تشدید نمود
قبلا گفتیم ا نقلاب سو سیا ل
دشمن شماره یك ا مپر یالیزم
تضاد میان کشور های ا مپر
صورت مو قتی فرو کش کند

حملۀ آ لمان نازی او لین
های ا مپر یالیستی بر اتحاد
بلکه پس از پیروزی ا نقلاب
و۱۹۲۰ چهار ده دو لت ا مپر
فرانسه ، انگلستان ، جا پان
صف مقدم قرار داشتند برکشو

آن کار گران ، د هقا نان ودیگر ز حمتکشان
باشد چون کوه پا یدار و چـون صخره
استوار ا ست و اتحاد جما هیر شو ر وی

...لیکه نیرو های ز مینی و هوائی وبحری
...هتلری تحت پلا ن ((بـار باروس))
... های فاشیزم هتلری به‌هر کشوری تحت

ـدند . پلان آنها این بودتانخستین
سیالیستی را خفه و نا بـــود
ـ این پلان آ نها به پا یمر د ی
ر شو ر وی‌وتائید معنوی هـــمه
جهان به نا کا می ا نجا مید. پس
د هٔ سوم ا سا سات‌سوسیالیزم
ـوروی روز تا روز مستحکمـــتر
ـلـی در مقابل، امپریالیزم نیز با
ران می کوشید تا کشور کـــبیر
بهر و سیله ای که با شد از پا
لی چون باطل هر گز حق‌رامغلوب
واند ا مپر یالیزم نیز نتوا نست
د بر سد . با و جود آ نهـــم
مریکا با کمك های ز یاد بـــه
ت خورده می خواست ا ز یـــن
ـلیه اتحاد شوروی غیر مستقیم
ـد . چون در پـــر تو پـــیروزی
ـر اتحاد شوروی روز تا ر وز
شد ومواضع صلح و سوسیاـ
سراسر جهان رو به تکا مـــل
امپر یالیزم برای مقا بله به‌آن
ـیزم در آ لمان پر دا خت .
۳ جنوری سال ۱۹۳۳ به کمك
ـصا رات بزرگ داخلی وخارجی
آلمان هتلری بد ست گر فت و
ـرهٔ سیاه و هو لناك تاریخ‌آلمان
گر دید . از همان اولین روز
ـ ر سیدن نازیزم در آ لمـــان
جنگ طلبی و تجاوز کاری د ر
ـو لت هویدا بود تا آنکه بـــه
ـی خویش در ایتالیا (موسیو ـ
ـر به هسپانیا حمله ور شد واز
ـر ی بنام فرانکو دفا ع بعمـــل
متحد و فا دار آ لمان نازی‌یعنی
ـال ۱۹۳۵ به ایتوپی حمله ور
ـور را تصرف نمود . در مـــاه
اتحاد بین آلمان و ا یـــتا لیا
روم و بر لین) بمیان آ مد و
ـر همان سال جاپان نیز به آنها
ـور (بر لین ، روم ، تو کیو)
در سال ۱۹۳۸ ار دوی آ لمان
اشغال کرد . ا مپر یالیزم‌جهانی
دار متو جه عملی شدن نقشهٔ
ـ یعنی سوق فا شیزم‌ونازیزم
ـر اتحاد شوروی بود . کشور
ـالیستی غر بی نه تنها علیـــه



زمانیکه بیرق شوروی به فراز یکی از عمارات دولتی برافراشته میشود .

بردن واز پا در آوردن کشور سو سیالیستی
واحد جهان یعنی اتحـــادجماهیر شوروی بود
هتلر این فر زند سر کش ودیوانهٔامپریالیزم
فکر سیادت بر جهان را داشـــت و به شکل
هستریك به این کار دیوانه وار پرداخـــت
ونقشهٔ شر کای خود (ایالات متـــحده و

وحشیانه صبح ۲۲ جون ۱۹۴۱به دژشکست
ناپذیر صلح و سو سیا لیزم یعنی ا تحاد
جما هیر شوروی حمله ور شد . خلق اتحاد
شوروی در آن ایام مصروف سا خـــتما ن
سوسیالیزم بودند و لی در هر ز مان‌آمادهٔ
حراست از مرز های میهن سو سیا لیستی

پرستان مدافع ر نگین می سا خت . آ
هتلری جهت حمله به خاك شوروی وسـ
تدارك دیده بود . آ وا نیکه حمله به‌شو

را آ غاز کرد دارای ار دوی در حدود
ونیم ملیون نفر مجهز با مدرن ترین سـ

ستراتیژی حرب دوم طوری بود که هیچ نیروئی در مقابل آ لمان مقا ومت کــرده نمی‌توانست ز یرا ار دوی نازی ها عــلاوه از طرز حمله و غیره از زراد خانه عظیمی با جمعیت ۲۹۰ ملیون نفر (بشمول‌متصر فات ومتحدین اش) بر خوردار بود . انگلستان که قدرتمند ترین کشور ا مپر یا لیستی آن زمان بود در محاصره آ لمان نازی قــرار داشت و ایالات متحدۀ امریکا د ست ز یــر زنخ ناظر مبارزۀ حر یفان بود . درین کارو درین پیکار تنها اتحاد شوروی قادر بــود علیه این طاعون یعنی نازیزم و فــاشیــزم دلیرانه برزمد . باید یك مو ضوع د یگررا نیز در نظر داشت و آن تهدید جاپان ا ز طرف شرق علیه اتحاد شوروی بود . لــذا شوروی علاوه از د فع تجاوز آ لمان مجبــور بود یك مقدار نیروی نظا می خو یش ر ا برای مبارزه با تهدید جا پان در شرق‌نگــه دارد . جنگ کبیر میهن که با حملۀ بــرق آسای آلمان آغــاز گشت و تا نابودی و قلع

وقمع کــامل فاشیزم ونازیزم درگهواره اش (نهم می ۱۹٤٥) خاتمه پذیرفت برای خلــق شوروی میهن سو سیالیستی شان و سو - سیالیزم یك آ ز مون مشکل و بزرگ بود . هکـــــذ ا ا یـــن جنــگ ا تحــــا د خلق شوروی واتحاد میان ملیت‌های‌مختلف را در زمان خطر بوجه عالی آن نشان داد. دشمن می خواست با ایجاد دشمنی و تفرقه میان ملیت های مختلف از یکطــرف و میان خلق وار دو از جانب د یگر به آ مال پلید خویش د ست یابد . و لی این محا سبــه دشمن ابلهانه بود . تمام مردم شو روی‌از تمام ملیت ها یکصدا و یکدل و متحــد بمقابل د شمن متجاوز شو ر یدند . بــرای

مثال در نبرد ماسکو هر روز مقدار
مواد خوراکه ، ا سلحه و مهمات و
توسط د همــا قطــار آهــن از آسـ
وقزاقستان و دیگر جمهوریت ها بـ
مرکز کشور شو را ها به ماسکو
شد . هکذا در نبرد ستا لینگراد
وطن پرست از ملیت های مختلـف
دادن رشادت بی نظیر در راه دفاع
سوسیالیستی خو یش جان سپر
اتحاد خلل ناپذیر میان ار دو مرد
شد . که در نتیجه همه قوای مهاج
عقب نشینی و تسلیم وا دار نمود
های باطل هتلر و دو ستان آ شکا
را که محو اتحاد شوروی را حدس
همه نقش بر آب ساخت چنانچه
عمومی ار دوی ا مریکا در ماه ج
۱۹٤۱ (بقــرار نوشتــۀ ویلیام شا
رایش سوم) به مدیران مسئول
های ا مریکائی ا طلاع داد که دو
بیشتر به سقوط ا تحاد شوروی نـ
است . لذا به گفتۀ همین مو لف
انگلستان وامریکا در مورد شکسـ
عجولانه تر از هتلر بود ، خلق
در پر تو نظام عدل و داد سو
علاوه از نشان دادن رشــادت و
وطن پرستی ، سجیه عالی ا نسـ
خود تبارز دادند ، نیرو های ناز
تسخیر سر زمینی علاوه از بدسـ
قدرت به انواع ظلم و جبر که
آوری اش شرم دارد نیز د ست
ولی آ وانیکه لشکر سرخ فا تـ
برلین شد بجز موا ر د ی که د
لجوجانه می نمود همه ر فتار و
انسانی و حتی غیر کینه توزانه
اکتوبر سال ۱۹٤٤ ار تش سر
را کا ملا از سر زمین خویش
وحالت قبل از حملۀ آلمان (بـ
ویرانی ها و تلفات) اعاده شد
روز ما موریت بزرگ و انسانی
اردوی سرخ به عهده گرفت و آ
سر زمین های دیگر ا شغالی
خونریز فاشیزم بود .
صبحگا هــان روز اول مــا
اردوی فاتح شوروی بیرق سرخ
رایشتاك (قصر صدارت آ لمان
در آورد و در نیمه شب هشتم
نازی بلاقید و شرط تسلیم شد



لبخند پیروزی درسیمای سربازان دیــده‌میشود .



نگ دوم جهانی و ا تحاد شوروی
خوانندۀ محترم حدس ز ده می -
واقعا طاعونی بابه قدرت ر سیدن
ریك د یگر نیرو های امپریالیستی

آلمان در ظرف چار سال بیست ملیون‌انسان خودرا از دست داد یکهزار و هفتصد و ده شهر ویران شده بجا ماند . هفتاد هـــز ار روستا در شوروی غارت و ویران شدشش

ویران گردید . چهل و سه هزار کتا بخانه منهدم گردید ، سی و یکهزار و هشتصد و پنجاه واحد صنعتی ٦٥٠٠٠ کیلو متر‌راه‌آهن، ((٤١٠٠)) ایستگاه راه آ هن و هفتا د یك

دارند باشور و شعف و فر ستادن نفر
بی پایان بر جنگ افرو زان نهم می ا
نجات بشریت از طاعون جنگ و فا ش
را جشن بگیرند .

نباید ناگفته بگذریم که در شکست
وقمع نازیزم و فاشیزم مردمان‌نقاط
جهان بخصوص نیرو های چریکی سر
های اشغال شده و دیگر مو تلفین
فاشیستی سهم بسزائی ادا کرده اند .
سهم‌اتحاد شوروی د رین نبرد ضد د
بشریت قاطع و تعین کننده بود .

اینـك کـــه سی وشش سال از ش
نازیزم و فاشیزم سپری شده است س
یکبار د یگر باجنگ ا حتمالی کـــه
وآتش ا فروز آن همانا همان ا مپر یا
وفا شیزم عصر حاضر خوا هد بود ،
می شود . مشاوران سیاسی ا مپر یال
بدون اینکه پند های ناشی از نتائـج
جهانی دوم را در نظر گیرند ، سخت
تلاش اند تا در نقاط مختلف جهان بر
ارادۀ خلق های آ ن مناطق ، مناطق ن
برای خود تدارك ببند وباجا بجا سا
انواع اسلحه منجمله سلاح کشتار د س
جمعی به سر نوشت بشر یت بازی می
مثال زندۀ رو حیۀ جنگ طلبانۀ ا مپر
در قدم اول تشکیل پیمان تجا و ز کا
ناتو (٤ اپریل ١٩٤٩) می باشد . بیشتر
اینکه منابع و محافل ا مپر یالیستی‌در
اعمال تحریك آ میز و تجاوز کا رانه
نقاط مختلف گیتی مر تکب می شود ا
بدون چسپ وغیر حقیقی خطـر شورو
را برای اعمال تجاوز کارا نه خود رو
قرار می د هند ولی آ نانیکه جر یا
سیاسی جهان را تعقیب می کنند بخو
می دانند که بر خلاف اد عا ی‌پوچ امپر
این امپر یالیزم ایالات متحدۀ ا مریکا
که بر خلاف ارادۀ و خواست مردمان س
در منطقۀ خلیج فارس قوت های نظا م
اصطلاح نیرو ی تمر کز سریع و غی
در آن منطقه متمر کز می سازد و خلق
منطقه را مورد تهدید و تجاوز قرار
دهد . آری خطر ی که خلق های آ
افریقا وامریکای لاتین را تهدید می ک
طر شوروی نیست ایجاد و تو سعۀ
های نظامی و جا بجا کردن نیرو های
وانواع ا سلحه در نقاط مختلف‌جهان
که از طرف ا مپر یالیز مدر راس امپر



نیم نگاهی بر :

تتبع و نگارش ع.م. اسکندری

چهرهٔ واقعی زن در آیینه تمام‌نمای اندیشه پرولتری

..وبا گسیختن مرا حل ا و لین
اشتراکی ا و لیه و ا نقــرا ض
ساد کو چك خا نوادگی ، آ ن
ی راکه ما در درفائیل دا شت
بر حق شایستهٔ مقام ار جمندزن
برر واق فرا موشی سپرده شد.
یت شخصی‌بنابرپیشرفت وسایل
د بمیان می آید ، که‌این مالکیت
صی در قبضه مرد است . مـرد
سالار می سازد و ادارهٔ امــور
از شکل د سته جمعــی آ ن
یده شده و به یك مشغو لیــت
وصی و کسل کنندهٔ برا ی ز ن
می گردد . تا آنکه زن‌ازپروسه
اعی تو لید بدر زده می‌شود .
دیگر سر آ غا زیست بــرای
و میت کامل زن . با و جودآنکه
از مادر سالاری به پدر سالاری
هٔ رشد نیرو های مو لده‌وانقلابی
ت بخاطر بر قرار توازن میــان
سبات تو لیدی با نیرو های مولده
ه . ولی این خود شکستی است
بزرگ برای زن . ف . ا نگلس
باره چنین می نویسد کــــه
گونی حقوق ما دری شکســت
خی جهانی زن‌بود. شو هر زمام
مائی خا نه را غصب کرد و ز ن
نام پر افتخار خود محروم‌گردیده
اسارت و فرمانبرداری شوهر
و سیلهٔ و لادت گردید .
اخت ا قتصادی ، ا جتما عــی
گی نیز «بردگی‌درخانه‌را برای‌زن
رمغان‌آورد ، چون‌اوعملا بــرده
ست که خود اسیر د یگری‌بود

تاآنکه زن را به مالکیت خصوصی
مرد تبدیل می کنند . بــر اساس
«عقاید نظام » فیودالی‌زن‌موجودیست
ناقص‌العقل ، نابخردوناتــوان. اواز
سرشت دیگریست... ودرنهایت‌او
«موجودیست دارای گیسوان د را ز
وعقل کوتاه » لذا او باید درانحصار
مرد باشد .از مرد اطاعت کند .

اقتصاد کالایی نیزاز او کــا لای
دیگری ساخت . نظام سر ما یداری
باوجود آنکه تااندازهٔ توانست زن‌را
از چهار دیوار منزل بیرون کشــد



یکی از زنان قهر مان اتحــــاد
شو روی که در موارد مختلف بــه

ایدئولوگ های بورژوازی (جهان
سرمایداری) فقط به همین‌دلیل که
شاید زن جهان سر مایداری همگام
بامردان درپرو سه تولید سهیــــم
است از برابری حقوق زنان بامردان
دم می ز نند . باید درینجا د رنگ
نمود تا بدانیم که این به ا صطلاح
«برابری» چه مصا ئبی را برای زن
وخانواده به بار آورده ومی آورد :
اگر چه معلوم است که پیشرفــت
ساینس و تکنالوجی کار پر مشقت
دستی را کاهش میدهد و نــیروی
انسان را ذخیره می کند . لذا باید
طبیعتا برای انسان خو ش بــختــی
بیافریند ، و لی این پیشرفت‌تخنیك
در جهان سر مــایه خــود مصیبتی
است بس بزرگ برای انسان. چه
باایجاد ما شین آلات کار آ سا ن‌تر
میشود . کاری راکه‌قبلا (درصورت
نبودن ماشین آلات) باید مر دا ن
اجرامی کردند فعلا (با ما شین)
زنان و کو دکان نیز می توانند بــه
انجام بر سانند . لذا سر ما یــدار
بخاطر سودآ بیشتر ز نان وکودکان
را در فابریك جذب می کند. نتیجهٔ
این حضور در تو لید آ نست که‌زنان
وکو دکان با مزد بمراتب کمتری به
کار استخدام می گردند تا معاش‌ای
را که قبلا پدر فامیل می گــرفت ،
میان زن واطفا لش تقسیم گــر دد
ومرد از کار رانده شده و به ار دوی
بیکاران پا بگذارد . که از یك طرف
نیروی کار زن و کودك با پر داخت
مزد نا چیز به بی ر حمانه تر یــن
شکل استثمار می گردد ، در حالیکه

افراد آینده جا معه را علیل
بار می آورد . علاوه بر این
بلاقید و شرط اطفال خور
نوجوان (پسر و د ختر) د
خود باعث اندرشی عظیم ا
در بین این لایهٔ انسانی
سبب از همپاشیدگی نظم
می گردد . ازین جا مسلماً
است که : تکا مل ما لکیت
وکسب شدت تضاد های ا
اگر چه باعث و رود تعداد
در جا معهٔ طبقاتی و با لخ
جهان سرمایداری به بازار
گردد ، و لی این حضور
تولید هر گز معنای وارستگ
از اسارت ندارد بلکه‌در آ
تحلیل معنایش افزون وزن
دیگری بر مصائب زن و و
اجتماعی او ست .

آری ! محرو میت ز نان
ونابرابری حقوقی آ نان ز
مردها نیست ،(اگرچه اکثر
جامعه طبقاتی همیشه روان
بالاتر از زنان می دانند) ا
شالودهٔ نظام های طبقاتی
ریشهٔ اقتصادی دارد . بخ

این مسئله تنها حرف زدن
حقوق بر طبق قانون ، آ ن
ایدئولوگ ها ورهبران جو
بورژوازی فر یاد می کشن
نیست. اگر هزاران نسخ
ساخته شود و در آن به ا
برابری حقو قی ز نان با

ری ها را قطع کرد و به مالکیت
سی و حکو مت سر مایه‌دراز
ت پیگیر طبقاتی و پیروز ی
ت عظیم اجتماعی پا یان‌داد ،
هم ز نان در انقلابات عـظیم
ی و پرو لتری از نقطه نـظر
وژی دو ران ساز طبقهٔ کارگر
است بس عظیم و سترگ.

ر کس بیشـــــ ا ز حـد
مسئله تاکید ورزیده کـــه :
سیکه تا ا ندا ز ه با تا ریخ
داشته باشد ، همچـــنا ن
د که دگر گونی های بزرگ
ی بدون مو جو دیت زن، غیر
ست . تر قی اجتماعی بطور
ی‌تواند از رول اجتماع جنس
تعیین شود ».

ادان بزرگ بشر یت‌وبانیان
پرو لتری تغییر جوامع کهنه
جوامع نـوین وانسانـی ر ا
ل بندی کرده وراه رستگا ری
را از چنگــــا ل اهریمنی
ر به خو بی نشان دا د نـ
بزرگ پیروزی های پـر بیم
ت پرو لتری و جنبش هـ ی
کراتیک و ر هایی بخش » ر
جهان در یك قرن ا خیـر
د تاریخی فور مول بندی های
ر هنما یان و الامقام‌بشر یت
گذا ران اید ئولوژی دوران
بقهٔ کارگر است. آنها نشان
کـه بـرای کسب آ زادی ،
یا و تمام ز حمت‌کشان‌جهان
مبارزهٔ ا نقلابی دست ز نند
ی خود جهان انسانی را بنا
به همین منوال آ نها به‌اثبات
ند که آ زادی زن نیزفـقط
ره خود آنان می‌تواند حصل
رهبر پرو لتار یای جهان‌در
فته بود که :

میگوئیم که نجات کار گران
و ظیفهٔ خود کار گران‌باشد
ین طور نجات ز نان کارگر
ستی و ظیفهٔ خود زنان‌کارگر

اجتماعی نیز بدون اشتراك کامل و فعال زنان که در تمام طبقات‌ولایـه های اجتماعی برابر با مردان کمیت دارند ناممکن است .از ینـــــرو «پرو لتار یا نمی تواند خودرا آزاد کند بدون آنکه برای آ زادی کا مـل زنان مبارزه کند » . هم چنـا نکـه جنبش انقلابی زنان برای حصو ل آزادی شان بدون رابطه با جنبش عظیم‌توده که بخاطر پایان دا د ن به استثمار و نا برا بری هـــای اقتصادی بمیان می آید نمی توانـد. نتیجه‌ای داشته باشد . لذا ز نان زحمتکش که به آ زادی خود عـلا قه مند هستند قبل ازهر چیز دیـگر بر آنهاست که برای ر ها یی طبقهٔ خود مبارزه کنند و مبارزات ایشان درجهت مبارزات عمومی سیا سـی توده ها باشد ، نه در مقابل آن . رهبر کار گران جهان درین مـــورد اشاره می کند که : « اگر کارگران اناث می خواهند دورهٔ ر نجهـــا و محنت هارا که مر تبط باعصرجنگ های امپر یالیستی است کوتـاه‌تـر سازد ، ضروریست که کو شش‌آنها برای صلح ، به شورش و مبا ر زه بخاطر سو سیالیزم مبدل گردد . کارگر زن تنها از طریق جـــنبش انقلابی تو ده ها ، تقویه وتشدید مبارزهٔ سو سیالیستی درین مبا رزه به هدف خود میرسند » .

باپیروزی انقلاب کبیر سو سیا- لیستی اکتبر و بو جود آمدن کشور کبیر شورا ها برای اولین بارزنجیر های اسارت از بازوان‌انسان‌زحمت- کش وبالاخص زن فرو می ریزدوزن برای اولین بار در جا معهٔ پیشرفته مقام شایسته انسانی خودرا بـــاز می یابد . بلشویك ها فقط در یك مدت بسیار کو تاه‌گام‌های‌ارزشمندی را در زمینه تساوی حقوق ز نـا ن بر می دارند که در جهان‌سرمایداری درقرن‌ها و شاید هر گز ممکن نبود تمام قوانین اسا رت بار طبقاتـــی گذشته که زن‌را تحت ممیز هـــای بربریت قرار میداد منسوخ شد تا زن بتواند قامت خودرا از زیر ایـن بار سنگین بر دگی راست کنـــد.

این نیزکاملا واضح است که«اگر زنان را از محیط کسالت بار ا مـور منزل و آشپز خانه دور نسا ز یم، تامین آزادی واقعی غیر ممکن است. حتی بنای یك جا معهٔ د مو کرا تیك غیر ممکن است ، چه ر سد بــــه سو سیالیزم» . لذا بخاط رآنکه زن در زندگی نیز عملا بامرد تسـا وی حقوق را داشته باشد باید او را از چهار دیوار خانه بیرون‌کشید و در ادارهٔ تو لیدی ، سیاسی و فر هنگی

جامعه سهیم سا خت واز ا
به وابستگی اقتصادی وی
مرد که عا مل اصلی محرو
وقیمو میت مرد بر زن اسـ
بخشید . باید در نظر داشـ
حضور زن در کار تو لیدی
سوسیالیستی آن نیست که
سرمایداری بوده درین جـ
شرایطی به بازار کار وارد
که اقتصاد ملی و دسته جـ
جامـعـه مسلط است و در
استثمار فرد از فرد سراغی
وبدین طریق او می تواند
بامرد باشد و مو قفی چون
مرد را در جامعه اشغال می
اندیشهٔ سو سیالیزم علمی
اکتفا نمی ورزد ، ز یرا معلـ
باآنکه زن و مرد در تو لید
ورهبری اجتما عی مشتر کا
وتفاوت قابل ملا حظه میان
نیست. ولی باآنهم ناگزیر
فرقی میان و ظایف مرد و
شود . چون زن علاوه بر آ
تولید سو سیالیستی همگام
است ،وظیفه دیگری رانیز
دارد که آن وظیفهٔ مادری او
کسل کنندهٔ خانگی است
درینجا تفاوت هـای جسمـ
فزیولوژیکی زن بامرد نیز عـ

بقیه در صفحه ۲۹



فوتوی فوق نمایانگر کار پرثمر وخستگی‌ناپذیر کارگران زحمتکش فابریکه پشمینه‌بافی‌می باشد .

پیوسته بگذشته

کار گران جهان روز اول می را باشکوهمندی خاصی تجلیل می نمایند

علی باشی عمومی افغان ترکانـــــی
ردی است‌کهن سال‌که بقول خودش
صیل رشته نجاری مکتب صنایـع
و از مدت نزده سال بدین سودر
وطنان خود قرار دارد •
سم : اولاد داری ؟
اعضای فامیلم رابه شمول خودم
ر تشکیل می‌دهد یعنی به‌استثنای
نم یازده اولاد دارم .
: فعلا درجه چند هستید و معاش

جواب می‌گوید :

فقط تشویق کار فرمایان است که می‌تواند علاقه و دلچسپی کارگران را بکار ایشان زیاد سازد وباعث ازدیاد تولیدات آنها گردد .

این تشویق ها در چوکات مسایل مادی محصور نمی ماند بلکه تشویق وترغیب کار-گران ازنظر روانی نیز در خور اهمیـــت به سزایی است ، بطور مثال اگر یکتن از آمرین شعبات بر سر کار ما کارگران قدم‌رنجه‌فرماید وبگوید «آفرین امروز کار ها همه سر به راه هم به سر کار نمی فهمید» کارگرچنان حساس می‌کند که واقعا هم ما اشخاص تنبل وبیکاره یی هستیم که کار روزانه ما قناعت آمرین را فراهم نمی‌سازد واین شیوه در دوران قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند ثوردرهمه کار خانجات و دستگاه های کارگری کشورما به مشاهده می‌رسید کارگران برای آنکه بـــه حقوق حقه خویش و فریب کاری های کار فرمایان مستبد پی نبرند از نگاه روانی و ذهنی سخت کوبیده میشدند و بجای تشویق تهدید



اتحاد طبقه کارگروتمام زحمتکشان افغانستان شرط ضروری بـــ
پیروزی نهائی انقلاب ثورو مرحلـه نوین آن است .

* * *

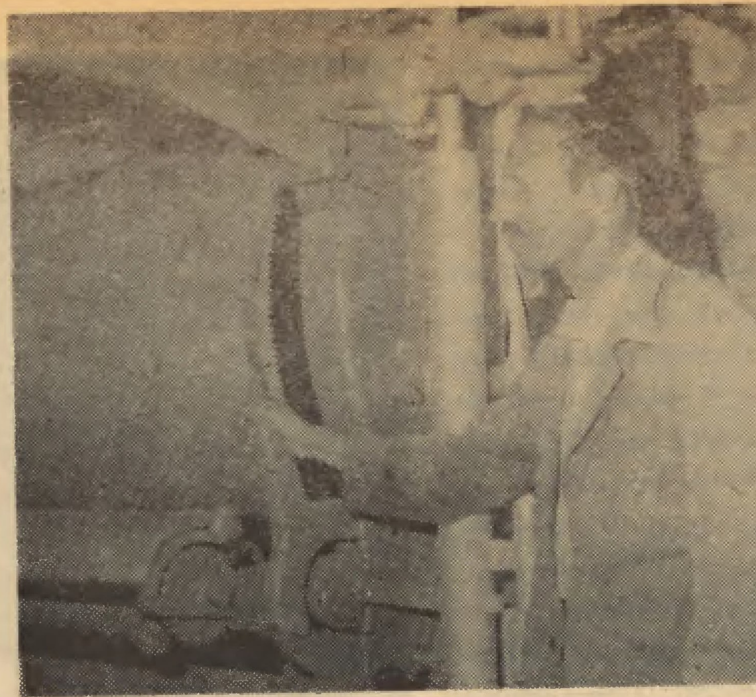
مرگ بر امپریالیزم امریکا این دشمن کارگران و خلقهای زحمت
جهان.

* * *

کارگران میهن !صفوف تانـرا بخاطر اعمار جامعه نوین فشر
سازید .

* * *

فرخنده باد جشن اول می .
جشن همبستگی بین المللـــی کارگران .



محمد ولی باشی شعبه فنشنگ .

س وتعلیم مساعد گردانیده است
ذات خود قدم بزرگی است که
ساف ذهنیت کارگران زحمتکش
ته شده است .
ید : ما هرگز از این اقدامات
پیش آ هنگ خویش ودولت
ن چشم پوشی نموده نمیتوانیم
بودولت مردمی خود وعده میدهیم
در تحت رهبری حـزب ودولت
در راه آبادی وشگوفانی میهن
ت داشتنی مان افغا نستان آزاد
گر کار وپیکار قرار خواهیم
ك هم بتوانیم اهداف و آرمان
ب دموکراتیك خلق افغانستان
یت امر اهداف کلیه زحمتکشان
کارگران ، دهقانان ، ماموران ،
سایر اقشار وطبقات زحمت کش
یل میدهد در ساحهٔ عمل پیاده
ن قول خویش تا آخرین رمق
وثابت قدم خواهیم بود .

* * *

ریکه دیگر تولیدی کشور یعنی
ه بافی میرویم وبا چند تن از
ن فابریکه نیز سر صحبت
.

باشی شعبه فنشنگ مربوط
آمیزی که از مدت چهارده سال

مبلغ ۵۲۲ – افغانی افزایش بعمل آمده است .

محمدولی درمورد پیش آمدوآمیزش آمرین مربوط بعداز پیروزی انقلاب بر گشت ناپذیر ثور و بخصوص مرحله نوین وتکاملی آن در مقابل کارگران چنین میگوید :

چون دولت جمهوری دموکراتیك افغا نستان نماینده راستین ما کارگران و زحمتکشان کشور بوده به خواست واراده مابمیان آمده است کوشش بخرج میدهدتامیان همه کارگران وآمرین حس تفاهم ایجاد نماید تادر فضای پراز اعتماد ودوستی کارگران ما بتوانند کار های محوله را بخوبی دنبال نمایند واز آن نتایج خوبی ببار آورند .

او میگوید رویه آمرین مادر مقابل کارگران فوق العاده خوب استو ماهم از رهنمائی های آن هادر کار روزمره خویش استفاده اعظمی بعمل میآوریم، امیدواریم ما همه ماموران ، کارگران ، دهقانان ، پیشه وران و سایر زحمتکشان افغا نستان به امر اعمار جامعه عادلانه نوین فاقد استثمار فرد از فرد بزودی نایل آمده همه نابرابری هارا از دامان مطهر جامعه محبوب خود دورسازیم .

این است آرمان مشترك همهٔ زحمتکشان
افغا نستان آزاد سر بلند و انقلابی که د
تحقق آن کارو پیکار مینمائیم .

نوروز علی کارگر شعبه بافت فابر
پشمینه بافی که از مدت دوازده سال
طرف دراین فابریکه کار می کند بعد ا
حلول جشن همبستگی بین المللی کار
جهان رابه کارگران کشور و گیتی تب
می گوید، می افزاید :

این روز ممثل وحدت ویکپارچگی کا
در برابر وحدت جهان سرمایه داری می
واین روز روز تجد ید و تحکیم اخو
یك پارچگی کارگران زحمتکش کشورهای
است ، چه در همین روز بود که کار
بزرگترین شکستی رابه جهان سرمایه
وارد آورده حقوق خویش رابدست آورد



اعتیاد به ادویه مخدره بحیث یك سرطان اجتماعی

یسنده داکتر بابایان

ترجمه : ر . ی



تصاد کشور های سرمایداری غربی‌طورروزافزون به بحران عمیق مواجه‌میشد. ازدیادبیکاری که علت آن روی آوردن به ادویه
ه می باشد درین جوامع محسوس‌است·این گروه عظیم دختران‌روز هارا بانتظاریافتن‌کار سپری می کنند واز بیکاری رنج میبرند.

مایوسی که نجات شان را ازآن
یابند غوطه ور اند و نمی توانند
خویش را طور لازم متو جه عمر
نمایند .

داکتر اید وارد بابا یان رئ
دایمی کنترول ادویه مخدره وزارت صح
شوروی و نماینده این کشور
ادویه مخدره شورای اقتصادی و
ملل متحد در زمینه مسا له اعت
مخدره در جوامع سرمایه داری و
سو سیا لیستی بخصوص اتحاد
گفته است :

طی سال های اخیر اعتیاد با
بیش از پیش بحیث یك پرابل
کشور های غربی عرض اندام نم
درحالیکه در گذشته (۲۰۰) هزارنفر
هیروئین معتادبود اکنون بر معتادا
غرب طور قابل ملاحظه افزایش بعم
گر چه در غر ب تا حدودی در س
و بین المللی علیه تعمیم استع
مخدره مبارزه می شود معهذا میتو
که تدابیری که در زمینه در غر
شود صرف به منظور فـرونشا
اعتیاد بادویه مخدره است نه
علل ریشه یی آن که در شرایط
نهفته میباشد . علل اعتیاد باد
در جامعه سرمایه داری عبارت
عدم امنیت و مصؤو نیت ، تعم
اقتصادی و رشد انفلا سیون کـ
طبقه بر روح و فکر جوانان ای
تاثیر ات سؤ و ناگواری بجا می
بیکاری در جوامع سرمایه داری
حاد است که حتی بسا از فار
مؤسسات تعلیمات عالی قادر
پیدا کنند ویا اگر به مشکل مؤ
شغل وکارگردند تضمینی برای
آن موجود نیست . و همچنـا
دسترس به تسهیلات لازمه تعل
درین کشور ها رنج میبر ند .
جوامع سو سیا لیستی طور مثال
مساله شغل به خو بی حل شده
کار به حیث یك حق طبیعی بر
این کشور تضمین گردیده ودر
های گوناگونی افـراد جهت اش
مختلف تو لید اجتماعی درین
است .

ک ‌هدرغرب بعضی مــردم یـك
در مورد استعمال ادویه مخدره
هند .
ریشه مساله‌نیست چه اعتیادروز
ه مخدره در غرب عمدا زایده یك
ی عمیق است که گر یبا نگیر
یه داری گردیده است. از همه
نکه مقامات مربوط درین کشورها
هند که از مقاومت کمتر در زمینه
یم ادویه مخدره کار گیر یشـــد
سدد قانو نی گردانیدن استعما ل
یك راه حل افتاده اند ، مقا مات
اند که ادویه مخدره یی چـــون
ه چرس وغیره کدام ضرر جدی
رد . چنانچه جیمی کارتر رئیس
امریکا در اگست (۱۹۷۷) طی
گرس امریکا گفت :
جوانا یك مساله ضد و نقیض
بود ، زیرا بعد از چهار دهــه،
عدم تشویق استفا‌ده‌از آن‌از
جدی تاکنون مؤفق آمیز نبــوده
از (٤٥) ملیون امریکا یی در
ه‌استعمال ماری جــوانا مبــادرت
یب (۱۱) ملیون دیگر طور منظم
می کنند . من قوانین را حمایت
فیدرال مبنی برتعیین مجازات
ی در مقابل داشتن الی یـــك
جوانا را ترمیم کــنـد و ایــن
بین ببرد .»
جب آور نیست کــه تسلیمــی

یی در مقابل فشار برای تعمیم
و کمتر شد ن کنترول آن بـــد
بیشتر ماری جوانا و تعمیـــم
انجا میده است .خطر بزرگتر
ی خیزد که معتادین میخوا هند



ماری جوانا رابا سایر انواع ادویه مخدره ترکیب و استعمال کنند . سؤ استفاده از مخلوط و تر کیب نمودن ادویه مخـــدره در امریکا متداو ل شده و کمتر ضرر نـــاك تصور می شود .

درسال ۱۹۷۸ (۲۱۳٫٤۰۰)نفر از معتادین ادویه مخدره تحت معالجات مـؤسسات فیدرال امریکا قرار داشت که از جمله آن هـــا ۹٦٫۹٦۹ نفر یا قریب (٤٥) فیصد را معتادین هیروئین کشنده ترین ادویه مخدره تشکیــل میداد .

البته این تصویر کامل حقایق نیست چه همه معتادان با آنکه مؤسسا ت صحی توسـط ادارات غیر فیدرالــی اداره می شود درصدد معالجه شان نمی باشد .

در سایر کشور های ارو پای غر بـــی نیز وضع کم و بیش مثل امریکا است طـور مثال در جمهوریت اتحادی آلمان بـــیش از (۸۰٫۰۰۰) معتاد ادویه مخدره مو جود است. طبق تخمین در ۱۹۷۹ (٥،٤) تن از ادویـــه مهلك در جمهوریت فیدرال آلمان مصرف شد



در حالیکه پو لیس این کشور صرف قــادر به ضبط ۲۰۷ کیلو گرام ادویه مـخـــدره گردید .

تاثیرات سؤ ادویه مخدره «کنا بیس» و مشتقات آن از قبیل چرس بر همگان روشــن است . در اکتوبر (۱۹۷۰) اسا مبله‌عمو می ملل متحد و انتر پول (یك ساز مـــا ن پولیس‌بین‌المللی‌جنایی) بااتفاق‌آراء فیصله‌نامهٔ رابه تصویب رسانید که به حکومات در مــورد

ادویه است تا چه از راه قا نو نی و
طریق غیرقا نو نی دوام داشته طـور
العاده برای قاچاق بران پر منفعت با
تحقیقات نشان داده‌است‌که درایتالیابر
بعضی کشور های دیگر ادویه مخدره
برای معتادان فراهم شده است واین ی
روش جدیدی نمی باشد چه‌ازسا لیان
چنین عقیده مو جود بوده است که یـ
از طرق اساسی معالجه دادن یك مقدار
ادویه مخدره بر مریضان است . کذا
برای جاگزین ساختن سایرادویه طبی
ادویه مخدره به معتادین به عمل آمده
باین معنی که برای ترك اعتیاد یـــ
دوری مخدره به مریض نوع دیگر دوا
دهند که تاثیرات مشابهه بر ارگانیزم
وذهنی فرد بجا می گذار و لی مطا لـــ
تجربه چندین ساله در قسمت جا گزیـ
گردانیدن ادویه مخدره باسایر انواع
که تاحال تحت کنترو ل در نیا مده ، با
گفت که ما هیت همچو تدابیر بعضا من
بامحای سریع معتاد و مرگ وی میگرد
واقع این یك طریق مبارزه‌علیه ادو یـ
مخدره و یا یکنوع معالجه نی بلکه یـــ
سازش بین طبیب و بیمار معتاد بادویه
است که بعضا به قیمت صحت و حتـ
حیات اخیر الذکر تمام می شود .
به عقیده داکتر بابایان ، منع و یا
کامل ادویه مخدره گر چه امر نسبتا مش
است به آنهم اساسی ترین طریقه در
محسو ب میگردد زیرا هدف از آن حفا
صحت افراد است چه اعتیاد بادویه مخ
یك مرض است‌که باید مانند یـــك م
باآن طور منظم معا مله شود چنانیکه در
شوروی این کار صورت میگردد .
در اتحاد شوروی تعداد کسا نیکه
معتادین ادویه مخدره ثبت شده و تحت م
است رو به کا هش میباشد چنانچه درسا
۱۹۷۹ قریب ۲۷۰۰ معتاد ادویه مخدره
کشور مو جود بود واین رقم درسال ۸
بالغ بر (۳۰۰۰) معتاد بود .باید گفت
معتادین ادویه مخدره مخصو صا استعمـ
کنندگان مورفین و کودین ، ادویه مذکو
بحیث تخفیف دهنده درد تصور می کنند
حالیکه ادویه مذکور قادر نیست که ط
دایمی ایجادتسکین کنند واثرات سؤ بر

ناتالیابیلوخوستیکوااکتریس زیبای شوروی



انستیتو ت سینما را تما م کرده‌ودر فلم های ((درنزدیك بنـد)) ، ((شاعر بیت بخوان)) ، «امیـد» «بحر» ،«سرخ وسیاه» ، افسا نـه تیل)) خیلی مو فقانه در خشید ه‌وبر ند ه جایره دو لتی شنا ختـــه شده ا ست .

هنرمندمحبو...
سینمای هن...

جیتندر اکتور معروف سینمای...
فلم های خوب اورا بیاد داریم...
فعالیت های سینمایی اش را ک...
زیادتر به امور شخصی خود پ...
فلم های خوب وی را که‌بمناس...
در تلویزیون به نشر سپرد.
نتوسنگه نقش مقابل وی را خ...
بازی کرده است .
سناریوی فلم روی پرابـلم هـا...
استوار است که گذشت کانون ...
بربادی نجات میدهد •



جیتندر اکتور معروف سینمای...

...نا رگان

...افسانه

...ساز

هنرمند جوان او لك سترشرینوف

اولگ سترشرینوف اکتورمعروف‌سینماو تیاتر اتحادشوروی آموزشگاه هنری بنام «شوکین» را تمام کرده است •

در تیاتر هنری مسکو بنام «گورکی» ایفای

کمال ناصر دوست



...جـو ا نـــی خیـلـی صـمیمـی‌و
...ستعـداد ا ســت • من کـنسرتـی‌را

نبرد آزادی

بحگا ه که نور فروزان آفتاب
های
این .وم و بر نبود .
سرد
ر اندام می فگند
منی
کناری اثر نبود
د شت
یان گرانه ها
و ران
بدا مان کهسار
سته بی شمار
ها به پا
نعره ها
ه محشر است
یگر است
خشم وکین
زونتر است
ت بیگران
اوران
گر
بیکا ر روز گار
ز ندگی
گار زار
حق
بیداد گر د هد

شور نوین
به پیکر این بوم و بر نهد
دشمن
اگر چه حیله و نیرنگ می نمود .
چال و فریب و تو طئه رنگ رنگ‌مینمود
ا ما .
دلاوران
زیر شعار و حدت و تصمیم پابه جا
در پر تو یگا نگی ا یمان با صفا
تا آ خرین نبرد
پیکار می نمود
پیکار زندگی
آری
اگر قوت د شمن جهان بود
هر چند ا گر د لیر وقوی قهر مان بود
ا مـــا
به پیش همت مردان خود گذر
دانی که چیست ؟
نیروی بی اثـــر
در آخرین نبرد
دشمن فرار کرد
تاریخ شا هد است
تاریخ زندگانی
مردان قهر مان
بانام جا ویدان
اینست که ما ز ندگی
آزاد میکنیم
از کشتگان راه نبرد یاد میکنیم

ربانی کوهنورد
سال ـ ۱۳۵۷

شعر .ـ د((سنگر))

لیونی مینه

نه می شته پر وا له رسو ا توب‌اوله چو غل ځخه
ماد پتهی مینی څنځیرو نه تهـــو لشلولی دی
زه خو ـ له زند ی او له مر گی‌څخه دارېږم نه
ماهره‌شیبه دمر گ تها لو نو کی‌ځا نگلی دی
اورځه ـ سو ځید ل څه ور نـه‌سر نه غږ و مه زه
ما دبیلتا نه او زونه وار په وارلید لی دی
ما چی زړه ور کړی دی د یـــارسپیڅلی مینی ته
هر څه چی راځی‌راځی دی ماپـه‌ځان منلی دی .
نه غواړم شرا ب ساقی اړتیاور ته هیڅ نه لر م
ما پیا لو د شو نډو کی د مینی‌شرا ب څښلی دی
زه سر تیر دمینی ـ کار می مینه‌ـتل به مینه وی
ما هر یور قیب ته دا په جار اوجار و یلی دی
زه‌د عشق مور چل کی نا ست‌یم‌وینم با ك می نشته دی
څه که رقیبا ن می به لو تهـــارېسی را غلی دی
ځم په وړا ند ی ځمه دا تکـــل‌او دا می هو ډ دی هو ډ
نه می شته پروا چی د تلو لاری‌یی‌نیو لی دی
زه دخپلی مینی ننګ او هو ډپوره‌کیدل غواړم
ځکه می د لی‌دلی اورونو ته‌دنګلی‌دی
نه لرم هیڅ نه اَر م . دهیڅ‌څیزپر وا نه لر م
ما دین او دنیا د عشق جوا ریوکی‌با یللی دی
یه مینی زما مینی ژ وند ی اوروا نی او س
ما خپله ځوا نی او ژوند تو لستا لاره کی ښیند لی دی .

دچنګابن ٤ـ١٣٥٤ کال ـ کندهار



سربلندی بجوی

سنگر د شمن ار نمی شکنی
در صف دو ستان شکست مباش

بزم ناز



پیوسته بگذشته

جوانان وخود ارادیت

ی در باره پسر جوا نیـــکه
را بدو ن اجا زه برد ه بود
ر با ز گشت در عوض آنکه
بخوا هد از قضیه ا نکـــار
و خود هم شب راز تر س
رفیق خود گذشتا ند ،اظهار
می کند :«آیابا او چکنـــم؟

بحت فشار شدید قرار بدهم تا
اید ؟ یا آنکه از کرد ه ا ش
صر ف نظر کنم ؟))
پسر یکه در اثر ندا شتن
در ست و هدا یت رو شن
ود نا کا م شده بود در حا لـ
دارا ی استعداد بلند تر از
سط بود چنین میگفت :)) این
و سته در صنف میگفت که
ری می کنید یا نمیکند و درس
نید ویا نمیخوا نید مربوط
ست .

هر گز به انجا م کاری، مارا
نسا خت و هدا یت وا ضح

چند از ز با ن خود آنها نقل قو ل شد . خا صتا وا قع شد ن جوانان بین دو کشمکش در اخذتصمیم ، احتیا ج به آزادی و بد ست آورد ن پول ، احترا م و عد م بـــه ارزش ها در نتیجه تحو ل ار زش و یادرك نکرد ن ما هیت آ ن . جستجو ی آزادی . احتیا ج بمشوره ورهنمائی .مکافات عمل و تطبیق جزا در برابر اعمال شنیع وناشایست، مشکـــل بودن اخذ تصمیم ، فر یب دا د ن والدین در اثر عد م ا عتماد بـــه نسل جوا ن . جسا ر ت پسرا ن وبا لا خره در ست هدا یت ورهنمائی نشد ن و نتیجه نا گواری از آ ن بدست آورد ن از چگو نگی احسا س آنها تو سط آنها افاده شد ، خو- شاهنگا میکه صبحت های شو دبا جوانان بیرا مون زندگی آنهـــا تا مشکل مزید آنهارادرك نمـوده ودر ر هنمائی ایشا ن اقدام لازم بعمل آورد چنا نکه همه و فر صت

رژیم غذایی و مسألۀ زیبایی

هر سال مو قعیکه سال نو آ غاز می‌شود جوانان مخصو صا د ختران برای ا ینکـــه در سال روان بتوانند ز یبایی خودرا حفظ نمایند شروع می کنند به سا ختن بر نامـه غذایی . آ نانیکه اراده نسبتا قوی دارند این رژیم غـذایی و پـروگـرام را تعقیـب می کنند و با علا قمندی د نبال می نمایند ولی هستند یکعده که آنرا در نیمه راه رها می نمایند . بهر حال آ نانیکه خوا ستـــار صحت و سلامت و زیبایی خویش هستند در آغازهرسال، ازاین نوع پروگرام‌های غذایی برای خود می سازند . یك مو ضوع‌راخدمت این‌عده جوانان باید عرض کنیم که گر فتن رژیم غذایی متناسب بدستور د و کتور کار معقول و درستی ا ست ، در صو رتیکه‌شما محتـاج آن بـاشید . ولـی متاسفانه یکعده جوانان ما آگاه یا نا خود آ گاه بدون‌مشوره دکتور شروع میکنند بگرفتـن رژیم غـذایی از خوردن ونوشیدن بسیار چیزها پرهیزمی- کنند ، خواب کمتر می نمایند ، ورزش زیاد می نمایند و گاهی هـم ادویـــه مختلـف را نیز استعمال می کند که این کار آ نهـا علاوه از اینکه فایدۀ به حال شان ندا رد ضرر های متعدد نیز دارد .

مثـلا دختر جوانی که و زن ا ضافی‌دارد برای کم کردن وزن اضافی از خوردن‌بسیاری از غذا ها چشم می پوشد ، این پـرهیـز شاید ماه ها ا دامه یابد ا ما کمترین تاثیری نداشته و علاوه از اینکه تاثیری ندا شتـه است سبب مریضی های د یگر نیز شده . این بخاطر آ نست که شخص مذ کـــو ر نتوانسته د ستو رات د کتور را مر نماید و یا اصلا به د کتور مراجعه وبدون مشوره دکتور دست به‌گرفتن غذایی ز ده که این کار بدون نتیجه وشخص را ضعیف و ناتوان نیز میس

باید خاطر نشان سا خت که ر ژ طبق موازین علمی و نظر به شرایط صورت بگیرد . چه در غیر آن کو فایده و پیشر فتی در این ز مینه نخواهد آمد .

کسانیکه به مشکل چاقی گرفتار ومی‌خوا هند از اندام ز یبا بر خورد اولتر از همه ورزش های که بـرای این مشکـل موجود است استفـــاده در پهلوی آن ر ژیم غذایی موثر و د مطابق د ستور های علمی که برای منظور تهیه شده ا ستفاده گردد .

گرفتن رژیم غذایی شاید کار بس نباشد ، این عمل حو صله و د قت می خواهد که نباید به آن بی تـوجه یك مو ضوع را نباید فرا موش کرد مورد ضرورت بدن را نباید با گرف غذایی نا متناسب صد مه ر ساند انرژی مورد ضرورت یکی از ضرو بدن بوده وانسان نمی تواند که بد کافی به کار و ز ندگی عادی بپر دا آن باعث بی حالی و ضعف هـای می گردد .

ساده ترین راه برای زیبا یی اند های آزاد و متناسب به سن و سال بوده در پهلوی آن خوردن و صرف



می شود که در گروه های شما
کمپوز های کا ملا شنا خته شده
نام ساخته های تاجیك معرفـــی
چنانکه آ هنگ افغانی :
کــه دیـوانه شـده میــــروی
ان شما از کمپوز های خودمعرفی
ی همین مورد در باره آ هنگ به
ده‌ی :
هم شکار بر افگنم
ی میکند ؟
ا ینگونه ا ...
سور های ما با هم و جوداشتراکی
د ، عرف و عنعنات و ریشه‌خیلی
و در این شمار آهنگ های محلی
ی وجوه مشترك دارد چنانکه من به
توانم برای شما بگویم که همین
کمتر آرکستر و گروه هنری‌داریم
آ هنگ های افغانی اجرا نگر دد
آ هنگ تا جیکی ای را می -
سراغ گیریم که مو سیقی افغانی
ر آن مایه نداده باشد از ایـــن
ی است که بتوان گفت که فلا ن
ی کا ملا افغانی است و یا عکس
ه اینها این ا شتباه ا ست کــه
ن ما آ هنگ های را که به‌اجرای
د بیشتر شهرت دارند از کمپوز
معرفی کنند و شا ید بهتر باشد
تدوین کننده به شنا ختآ ورند
ور ...
ط پاسخ او دو باره سوال میکنم :
که از سخن شما پیداست آهنگ
ی در میان مردم تا جیك هـــم
نده است و هم محبو بیت دارد.
واست مردم خود در این ز مینه
ش قایل می شوید و به چه پیمانه
مارا از رادیو و تلو یز یـــون
نشر می کنید ؟
سخ میگوید :
از پنجاه فیصد مردم تا جیکستان
وی در پهلوی بر نامه های‌رادیوی
ی پرو گرام های مو سیقی‌رادیو
را می شنوند و با خصو صیات
آ شنایی کا مل دارند و د ر
ین علا قمندی مردم ما به هنرکشور
ب شده است که رادیو وتلویزیون

افغانی را به و سیله گروه های « گلشن » و «زیبا» به اجرا آورده و آنـــرا از طـریق مـارس به تلویزیـــون افغـانستان هـدیه دهیم که این ها همه نماد هایی است ا ز علاقه واشتیاق مرد مان ما به هنر های‌هردو کشور .

به معین کلتوری رادیو تلویز یـــو ن جمهوریت تاجکستان اتحاد شوروی میگویم .

- تبادله های هنری و فر هنگی هما نطور که از نام آن پیدا ست دو رخ دارد ، یعنی دو واحد قرار داد میکو شند با ار سال گروه های هنری و فر هنگی به کشورهای‌همدیگر زمینه های تازه‌یی را در به شنا خت آوردن هنر وفرهنگ بو می خود فراهم آ ورند در حالیکه هیات های هنری ما خیلی کمتر از گروه های شما به کشـــور مـــا ، سفـــر به تاجکستان داشته اند ، چرا شما در صورتی که خود اشاره به این همه علاقمندی مردم تاجکستان به هنر افغـانی می کنید از هیات ها و گروه های ما دعوت به عمل نمی‌آورید تابرنامه هایی را در آنجا به اجرا آورند ؟

- ما این در خواست را در همین سفـــر با مقا مات مسوول هنری شما در میان‌گذاشته ایم و و عده هایی هم در زمینه داده شده است که امیدواریم و زارت ا طلاعات‌وکلتور جمهوری د مو کراتیك ا فغانستان باتوجه خود در این مورد بما امکان مهمانداری ا ز دو ستان هنر مند افغانی را فراهم‌آورند .

- در مدت ا قا مت خود در کشورماچقدر فرصت یافتید که از نزدیك با هنر مندان افغان آ شنا شوید و یا خصو صیت های مو سیقی و دیگر هنر های محلی ما رابیشتر درك کنید تا در بر نامه های آینده خود از آن مایه بگیرید و در صو رتی که گروه‌های شما ر قص ها و سرود های ما را به اجرا می گیرند با شناخت بیشتر از ریزه کاری هایش آن را به انجام آورند ؟

- متاسفانه باآنکه علاقمندی فرا وان‌برای چنین دید و باز دید ها و آشنا یی بـــا خصو صیات هنر بومی افغانستان داشتیم، چنین مجال و فرصتی برای مان فراهم‌نگردید چه گروه های ما در این سفر در تمام مدت اقا مت خود در کابل در ساعات پیش ازظهر برنامه هایی را برای ساز مان هاوموسسات اجتماعی به اجرا می آوردند و بعد از ظهر نیز کنسرت ما در تالار کابل ننداری ادامه داشت ، ا ما وعده هایی در این مو رد داده شد که به زودی چنین بر نا مه هایی با ثبت ویدیولی برای ما ارسال گـــردد تا ا ز آن استفاده بریم که امید وارم این کار هر چه زود تر عملی گردد .

* * *

زیبا امین زاده که ر هبری گروه «زیبا» را به عهده دارد در یك خانواده هنر پرور زاده شده که کار های فرهنگی و هنری‌وادبی را پیشه خود سا خته بوده اند ، پدر او شاعر معروف مـــــردمی تاجکستان است و خواهرش آزاد خان امین زاده نیز یکی ازچهره

های سرشناس و شنا خته شده شعر
تاجك به شمار می آید ، به همیـن
مادر کلان او هنر پیشه توانای تیاتر
مادرش آیدینه عثمان وه نیز ممثـل
تیاتر است ، او که از دواج کرده و
دو پسر نیز می باشد آرزو داشت‌فر
دختر می‌بودند تاپیشه ر قاصه گری‌ر
ببرند ودر این هنر به شهرت ر س
خودش نیز آ مو زشگاه ر قص را به
آورده و مدت چهارسال در مسکو به
آموزش در تیاتر مشهور آنجا گذرانده
نیز در لنین آ باد سرود خوان و ر
بوده است .
زیبا تاکنون در کشور های عربی،
چکو سلواکیا ، هنگری ، اکثر کشو
سوسیالیستی و تمام جمهوریت های
شوروی سفر کرده و بر نامه های فر
را به اجرا آ ورده است که با استقب
و پرحرارت مـردمـان این کشور ها
شده است .
او درباره اینکه آیا ر قص هم ما
هنر های د یگر می تواند مفا هیم عا
اجتماعی را در بیننده القاء کند و م
کننده هنرمند و بیننده و تماشاگر
ارتباط عاطفی را برقرار سـازد و یا
میگوید :

نا تمام



سهم زنان درمبارزه به‌خاطر صلح

پیشرو جهان باتلاش مشترك بخاطر
ر راه تا مین صلح هنگام‌جنگ عمومی
اه شــد و ایـــن نیازمندی مبرم را
یك واقعیت پنداشت .

که فد راسیون بین المللی ز نــان
سال ۱۹٤٥ بوجود آمد وظیفـه تضمین
ز نان تحت عنوان صلح و ا منیت
للی رابه عهده گرفت وزنان توانستند
رسا در پهلوی سایر موضوعات‌خواهان
وند .

ی ز نان به خاطر صلح در سالهای
سر عت قابل ملاحظهٔ رشد نمود .
در و یتنام ، تجا و زات اسرائیل
ی میانه پرو بلم های ا قتصاد جهانی
عمیق و کشیدگی های جهانی همه و
امل بودند که تفکر عمیق زنان‌جهانرا
کرد تا انگیزه های ا ین پرو بلـم
ی سام کننده را نه تنها به خاطـر
دن وضع فامیل های شان دریافتند
خاطر بهبود و ضع عمومی جهــان
مدند .

ان پیشرو و تــرقـی خـواه جهـان
ن اندیشه، عمیق شدند و خواستند
راه ها و طریقه هایی را کشف‌نمایند
هٔ ملیون ها انسان ا عم از ز ن و
طفال ، بزرگان را نیز تضمین کرده
.

به همین منظور است که آن ها نه تنها
خوا هان ر فع کشیدگی های بین ا لمللی
از نگاه سیاسی آن می باشند بلکه ا یـــن
رفع کشیدگی ها را در جهت نظا می آن نیز
بصورت جدی طر فداری می نمایند .

به هر صورت متاسفانه درین عصری که
انسان به کیهان میرود ، درین ز مانی که
طبیعت بدست انسانها رو به مهار شد ن
است و لی هنوز به این نصف پیکر جوامع
بشری حقوقی که لازم است داده نمیشــود
واین به آن علت است که هنوز که هنوز
است علم و دانش همگانی و جهان شمول
یا به عبارهٔ د یگر در خدمت کتله‌های عظیم
بشر استخدام نشده و منافع شخصی هنوز
جایش را در بعضی کشور ها به منـــافـع
همگانی خالی نه کرده است .

ولی ز ندگی بهترین آ مو ز گار است .
تغییرات بزرگ ا جتماعی که طی چند دههٔ
اخیر در جهان رو نما گردیده بدون هیـــچ
تردیدی تاثیر قابل ملاحظه در موقف زنان
پدید آورده است .

جذب آ ن ها در عملیات تو لیدی وساحهٔ
خدمات اجتماعی واقعا و سیع گردیده‌وامروز
یك سوم حجم تو لیدی مواد کلتوری‌وفرهنگی
جهان مر هون زن در ساحهٔ بین ا لمللی‌می-

ملیون ها ز ن در سراسر جهان جهت‌نبرد
به خاطر رشد کشور شان در سا حه های
مختلف اجتماعی بر خاسته اند ، و د ر
جنبش های سیاسی و اجتماعی سهم فعــال
گرفته اند .

در فرانسه ، ا یتالیا ، ا یالات متحده،
فنلند ، در بریتانیا و دیگر کشورهای‌غربی
کار با ز نان یکی از جنبه های مهم ارتقای
سطح دانش عصر قبول گردیده و ز نــان
پیشرو و تر قی خواه انجام این‌گونه‌وظایف
را و ظیفهٔ عمده شان می دانند .

مو ضوع مبارزهٔ ز نان به
سطح دانش و سا ختمان ز ندگی
مخصوصا در جهت تحکیم و تو
در یاد داشت کنفرانس بین الم
های مترقی در سال ۱۹٦۹ تائ
گردیده و به اسناد مربوط به
در سال ۱۹۷٤ اهمیت بیشتری
ازین مطلب بر می آید که تائی
در تحکیم و ر شد و تو سعه
سلاح تصاد فی نیست .

در سالهای ا خیر ا کثر م
تحقیقاتی پرو بلم های خلع سلا
در جهان مورد بر رسی و تحقی
دا دند .

این عمل یك وا قعیت غیر ق
به‌خاطر تا مین صلح و آرا مش
باشد .

به هر صورت نیرو های ض
دیمو کراسی به انواع مختلف
صلح دنیا پدیدهٔ زیبا و دوست
مارا بد نام کرده و دیمو کراسی
ودست آ ورد های بشری را ک
به خاطر سعادت انسان ها ا
دارد مختل بسازند .

ولی ازان جا یی که چر خش
صلح ، د یمو کراسی ، آزادی
بشری‌است هیچ نیرو یی نمی‌تو
آن مو ضعگیری کند ، ممکن ا
های سیاه مو قتا موانعی ایجاد
دیرپا وپایدار نخواهد بود .

تو مادری و تو کارگری

من دیروزت را بیاد دارم
که نور چشم تیز بینت‌بروی بام ودردیوار
هر آن خیره تر میشد .
وهر لحظه بار دوشت زیاد تر می‌گردید .
من آنرا هم بیاد دارم .
که چون گنجشك های پر شکسته اسیرقفس
بودی وچون گهرگران قیمت در دست اهل‌هوس

* * *

* * *

به این قسم روز گاران زیاد
همه‌چیز وچون لکه نام وننگ بو



جهان خوار این طفل نا ا هــل سرمایداری نه تنها جوانان و پسران رابدست مرگ ونابودی سپرد بلکه اطفال و کودکان
رحمانه هدف مرمی قراردادووالدین این نونهالان را برای همیش سیاه پوش وماتم دار ساخت .

ستار مردم بدست امپریالیسم انگلیس

دیگر به مر کز فعالیت سیا سی
بود . جلسات پشت سرهم تشکیل
یرترین کاربرای من این بودکه قشر
ه مانند خدمه ها و غیره را جمع
رای شان نکته هایی راکه ازسخنان
لها دریادم مانده بودتکرارمیکردم .
ین ر فت و آمد ها این خانه در
ن به صورت محلی پر از آرامش
ه است .
ه مــرد به آنجـا می آمــدند :
، انگلیسها و به خصوص تعداد
ز رو ستا ئیان هندی .
د بزرگترین شهر ایــن آستـان
کز سیاست و دانش بود . از
خصیت های حقو قی بر جستهای
شهـر زندگـی مـی کــردنـد .
لیــل تعـداد زیادی دانشجـــو
گر به این شهر می آ مدند. ازنظر
مـی از خانواده هـای سـر شناس

زندگی در افریقای جنوبی به هنـــد و ستان باز گشت . در افریقای جنوبی با هندیها رفتار خیلی نا هنجار می کردند چـــنا نچه گاندی ناگزیر به تشکیل یك نهضت‌مقاومت آرام علیه دو لت ژنرال ((سمو تس)) شد. گاندی نام این نهضت را ((سا تیا گرا ها)) «یا» چشم نپو شیدن از حقیقت)) معنی می د هد .

در دوران جنگ جهانی اول گــاندی از مباحثات و بر خورد های سیاسی دو ر ی می جست و با متحدان برای تشکیل یـــك ستون ا مداد فعالیت می کرد . اما درسال ۱۹۱۹ میلادی در نتیجه قانونی که فشار را برمردم هندو ستان ز یاد می کرد و حکو مت نظ ‌می را بر قرار نگاه می داشت گا نــدی ناگزیر شد که مبارزه را آغاز نما یـــد و « سـاتیاگــراهــا» را ایجـاد نمــــود . اعضای اتحادیه فوق موظف بودند که دربرابر قوانین غیر عا دلانه و لو هم که به ز ندان

وآ تش به رو یشان گشود .

من نمی توانم به طور د قیق بگویم که‌آیا نام این شهر را شنیدم یا نه ا ما میتوانم بگویم که متو جه آ شفتگی نز د یکانم شده بودم والبته این کشتار نه تنها برای‌خ نواده ما بلکه برای بسیاری مبارزان نقش تعیین‌کننده پیدا کرد .

در آ غاز ا طلا عات ز یادی نداشتم ا ما اندك اندك از گسترش و هو لنا کی‌این‌کشتار مطلع‌شدیم . سرود های بسیاری به‌مناسبت آن روز سروده شد که مردم را دعوت به مبارزه می کرد ویك جـوان پنجابی « سر- میکائیل اوپر » فرمانده انگلیس را از تنش جدا کرد .

این پیش آمد مبارزات ما را دگر گون کرد . مبارزه ملی عمیقا گسترش یا فـــت نهضت که تا آن روز روشنفکران تنهاهدایت کنندگان آن بودند درتوده‌های مردم نفوذ کرد. ملیونها زن ومرد و پیرو و جوان قهرمانان

((شواليه)) را فرستادند : او این
دو باره به آ سها تحفه کرد و نـــ
((کمترین کاری که می توانم برای
انجام دهـم ایـــن است کـه ز خم
ها هموطن خود را که از درد و رنج
زده شده اند مرهم بگذارم وبااحکام
تنهاشرم مرادرچنین وضع اهانت بار
میسازد .))

در دسامبر همـان سال پدر بـــ
((پاندیت مو تیلال نهرو)) به ریاس
ملی هندو ستان انتخاب شد . او مر
هیکلی بود و بر گرد هم آیی ها چه
وچه بزرگ تسلط داشت . همه بالا
حساب می کردند . او با خنده اش س
خانهٔ ما را که خیلی هم بزرگ بو
می کرد .

درسال ۱۹۲۰ میلادی کنگره سیاس
همکاری را که ((گاندی)) تو صیه
پذیرفت . این بر نامه همه چیز را
می‌کرد . آ مو زش در مد رسه های
نظر دو لت داد گاه ها ا متعه خارجی
همه و همه تحریم شوند وباز هم این
توصیه می کرد که در برابر قوانین
ایستادگی باید کرد و زندانی شدن
پذیرفت . در سال ۱۹۲۱ میلادی گا
دیگر همه را به یك ((هار تال))
آمدن و لیعهد انگلستان به هندو س
خواند دو لت تصمیم گرفت که به
حمله کند وبدینطریق اعضـای خـا
هم جزء زندانیان شدند .

دن بار ها شا هد ز ندانی شدن پ
هنگا می که من سیزده سال داشتم ا
بار محکوم و زندانی شده با اینکه ای
ما افتخاری بود ا ما هر بار وضع خ
ما بهم میخورد و خانه در غم و اند
می رفت اما ا ندك اندك به این هم
کردم.

این نگرانی تنها به مناسبت ز
شدن پدرم بو جود نمی آمد بلکه اض
خانواده ام از دادن وجه غــرامتی که
هر زندانی تعیین می کـــردند نیز
باز می زد .

پلیس نیز بطور منظم به خانهٔ مامی
اشیا انتخاب شده بیش ازان وجه ق
داشتند . مثلا اگر ۵۰۰ روپیه‌ای و
کولسکه را می بردند . گذشته از ای
خانه را د نبال ((اوراق)) زیر ورو

هدیه ژوندون

آلبوم هنری هنرمندان
شناخته شده
تاجیکستان شوروی












گئورگی دیمتروف

فاشیزم بمثابه د شمن د ر جه یك
زا دی توده ها ، د شمن آزادی ودموـ
و تر قی ا جتماعی آ شنا سا خت.
فاشیزم را نظام د یکتاتوری متکی
ل زور ، ترور و حکو مت ارتجاعی
و متجاوز ترین محافل ا مپر یالیستی
نست ، و ی فاشیزم را که زا ئیده
سر مایه داری است ، بمثابه تعرض
مالی علیه ا کثریت مردم ، حکومت
ریزم سیاسی و د ستگـــاه ظلم ،
و کشتار طبقات ز حمتکش وعناصر
و آ خرین حربه ار تجاع بین ا لمللی
جنگهای ا مپر یالیستی می دانست .
شمم ، تنفر نسبت به فا شیزم د ر
ـته ها و فعـلیت های ا نقلابی این
ارز این قهر مان راه نجات خلقهای
ن . بو ضاحت ا نعکاس می یافت .
می گفت که امپر یالیزم بحیث آخرین
سر مایه داری ، جهت جستجـو ی
ت و حفظ منافع سود جو یانه خـــود
بد برده کردن ملت ها استوفاشیزم
ست آ نست .
گی دیمتروف در برابر این سوا ل
جود آ نکه فاشیزم د شمن ا کثـریت
ای جهـ ن ا ست و پس چگونه‌میتواند،
ور ها را تحت تسلط خو یش آورد
ی بالا در راس قرار گیرد ؟
ید :

ا ستفاده از سنت های ملی و از
و جبه نا درست آن و هم بمنـــابر
طبقه کار گر .
روف می گوید : تجربه کشوری‌چون
که ۵۰۰ سال علم مبارزه را علیه
خارجی بر افراشته ، نشان میدهد،
ز سنن ملی خلقها که باید بوسیله
ای مترقی و انقلابی بمثـا به اهـرمی
حرك جا معه بکار رود و توده های
د ، بسیج شوند ، بدست نیر و
یستی قرار می گیرد و آنها این‌سنت
سخ نموده ، آنها را از ما هیـت
اش بدور می سازد واز آن بحیث
شیادی ، و سیله تفتین ، تو طئه و
رده ها مورد استفاده قرار میدهند .

های خونخوار وآزمندانه دشمـن خــود را در و جود فاشیزم تشخیص بد هند و در نتیجه علیه آن قیام نکردند .

زمانیکه ، فاشیزم در آ لمان خود را در برابر حزب مقتدر کمو نیست ضعیف می ـ دید با توطئه ، زمینه آ تش زدن «رایشتاك» را فراهم ساخت ، با و قوع آ تش سو زی خود هیتلر در محل حاضر بود ودر همـان جااعلام‌کردکه‌حزب ناسیونال‌سوسیالیزم باید باکمو نیستها تصفیه کند . از این جا د ئه سوء استفاده کرد همان شب ، حـــــزب کمونیست را غیر قانونی دانست و درسراسر آلمان ، د ستور حمله و حشیانه براعضای حزب کمو نیست داده شد و بزودی ، دامنه این شیوه فاشیستی بر نیرو هــای ضد فاشیست و تمام گروه ها کشانیده شد

پو لیس آ لمان با استفاده از تو طـــئه که خود طراح آن بود ، اعلان کرد«اندرلوبه» که آ تش را در رایشتاك فرو زان کرده‌بود، کرت عضویت کمو نیست آ لمان را به‌جیب داشت . گئورگی د یمتروف که چندی قبل مخفیانه به آلمان ز ندگی می‌کرد وتحت نام مستعار در آن جا زندگی می کرد، به اتفاق دوتن از رفقایش بـه بهانه جـاسوســی به



دیمتروف درحال بیانیه در کمنترن هفتم در مسکودرسال ۱۹۳۵ ودرآنجاطرح جبهه وسیع متحد را بمیان آورد .

اتحاد شوروی و بین ا لمللی کمو نیستـی توقیف شد و می گفتند که گویا وی بمنظور ساز مان دادن قیام مسلحانه به آ لمان آمده وآتش سوی رایشتاك بعنوان علامه‌آماده بانی کمونیست ها برای قیام می باشد .

بمجرد زندانی شدن د یمتروف، درلندن وپاریس کمیته های جهت تحقیق‌وبر رسی ماهیت توطئه و دفاع از دیمتروف تشکیـل شد .

پولیس نازی بر د یمتروف ا تهامات بی‌پایه بستند ، ا ما این مرد قهر ما ن بـا شجاعت این همه اتهـامـات را دلیرانـه رد



می‌کرد و می‌گفت :
«من مخالف هرگونه ترور فردی
هستم . هیچ چیز برای هتك شر
و شخصی من بدتر از ایـن نیست
با شیوه بـــی خردانــه ای دور از
انقلابی متهم کنند . »
مدت تحقیقات و باز پرسی از
ورفقای بلغاریش به د را زا کش
پیشرفتی در زمینه نمو دار نگشت
نوبت به محاکمه متهمین به لایپز
این محاکمه ، محا کمه ساده نبو
محاکمه و سوال و جواب میان دو
متضاد ، آیده لوژی د یمتروف م
جهان بینی علمی و افکـــار مارک
آیده لوژی فاشیستی مربوط به‌جناح
داری مالی ا نحصاری و سایل ارتج
پراز فتنه و تو طئه جعلیات را ب
کردند و با بهانه ها، اسناد جعلی
می‌کردند و هر روز حلقه محاصره
دیمتروف و همرز مانش تنگتر می
بمانند ا مروز که ا مپر یالیزم
کشور های همدستش با تو طئه و
می‌کوشند ، بر تما میت ار ضی
وحاکمیت ملی آ نها مدا خله کنند
زمان هم فاشیزم بد نیا وا نمود می
اتحاد شوروی و بین المللی کمو
آتش سوزی رایشتاك را انجام دا
وبه این بهانه تبلیغات ز هر آگین
اتحاد شوروی و ضد کمو نیزم بر
اندا ختند . بزودی تعداد کثیری ا
حزب کمو نیست آ لمان ، توسط
جنایتکار نازی بزندان ا نداخته ش
آنها تقا ضا شد که در داد گاه
شوند و علیه د یمتروف و یا ران
بد هند ، ا ما این عمل نازی ها
ببار نیاورد ، آ نها ز ندگی خودر
دادند ، در قتلگاه ها جان دادند ا
نشدند ز یر بار این جنایت بروند
جهت شهود واقعه ، از میان حزب
شخصی را تدارك نمودند تا علیه
شهادت بد هد .

محاکمه با هیا هوی ز یاد با
فراوان با ندا های «پیروزی بلش
تشکیل شد ، در ۲۳ سپتا مبر۱۹۳۳
لب به سخن گشود و با جرات ا
علیه ا تهامات نا روا وبی پایه ناز
رد کرد و بلیغ وار با منطق

بقیه صفحه ۱۵

چهره واقعی زن در آئینه تمام نمایی اندیشه پرولتری

ی د قت و تو جه . برهمین
بر ایدئولوژی پرو لتری‌در
اوی مرد و زن سخن‌برسر
که « زن از نقطه نظر‌یازده
ان کار ، مدت و شرا یـط
با مرد برابر با شد، بلکه
سر آ نست که اختلاف‌و
ادی ز ن با مرد او رامورد
ند هد .
سوسیالیستی نشان داده
رار اقتصاد کلـکتیوی ،
خوار گـا ها، کودکستان
خانه ها ، یتیم خانه هـا
سسات اجتماعی همه گانی
دو لت ، نظارت، کنترول
ی گردند ، زن حتی ازکار
« آشپز خانه » نیزرهایی
کند و بالاتر از آن د ر
سیالیستی به قــو ل
بل کو دکان نیز آ زا دی
ود نمی کنند بلکه شا دی
ندگی‌رادوچند ان‌می‌سازند.
مهٔ حزب‌بلشویك خصوصا
روزی انقلاب کبیر سو ـ
اکتبر جهت بر قـرا ری
ی نه تنها در مسودهٔقانون

منع‌کار شبانهٔ زنان ، آزادی ازکاردر مدت هشت هفته قبل و هشت‌هفته بعد از و لادت ها با حفظ کا مـل دستمزد در تمام این مدت تحـت معاونت مجانی وداروئی ...

ـ در پهلوی همه فابریکه هـا ، کارخانه ها و مو سسات د یگر ی که زنان در آن کار می کنند اعمـار شیر خوار گاه ها برای اطفال‌شیر- خوار و خورد سال واعمار ا تاق‌هایی که مادران در آن اطفال خودرا ا ز سینه شیر بد هند ، رخصتی ز نان شیرده بعد ازهرسه ساعت کـار برای مدت اقلا نیم ساعت ، تو زیـع مدد معاش به مادران شیر ده‌وکوتاه ساختن روز کار آ نها تاشش‌ساعت.

این همه مسایلی است ا سا سی که برای تساوی کامل مرد با زن‌چه از نقطه نظر قانونی وچ ه در عمـل ضروری است ، که البته با کمـی دقت هویدا میگردد که‌وجود چنیـن یك شرایطی در جوامع طـبقـا تـی واستثماری ا مری است کـا مـلا ناممکن و فقط جا معهٔسوسیالیستی قادر است به‌حل این مسایل کـه عوامل اساسی نابرابری زن و مرد اند

طب‌هفت در صد محـاسبـه شده ، درحالیکه (۵۱) در صد نفوس ایالات متحده را زنان تشکیل میدهد . ولی مثلا در اتحاد شوروی درهمین سال ها تعداد ز نانیکه د کتوران‌طب اند چهل و پنج در صد و کار شنا سان اقتصادی زن (۷۳) در صد محا سبه میشود . چنین است موضع زن در جهان سو سیالیزم و چهرهٔ وا قعی آن در آیینهٔ تمام نمای اندیشـهٔ پرولتری . فقط جا معه بدون طبقا ت قادر است که زنان را که از هــمه لایه های اجتماعی محرو متر ا نـد [redacted] بی‌عدالتی تبعیض و تحقیر بیر و ن کشد و بر جـایگاه انسانـی شا ن بنشا ند وا مــا در جـا معه مـــا

زنان افغان در طول تاریخ پــر شکوه ملت خود حماسه‌های‌جاویدانی بیشماری خلق کرده و هــزا ران فرزند انقلابی ووطن پرست تر بیه نمودند . همین‌زنان افغان بودند که در مبارزات خو نین استقلال طلبی وانقلابی هزاران هزار ا نسان‌عاشق به میهن راگرد ترانه های رزم آرای خود

دست به گریبان اند، کودك هم
وازدواج اجباری گره کور د
بر بد بختی های زنان افغان
که خود ناگزیر نمایی از خصو
قرون وسطایی نظام های پو
ومنسوخ گـذشته است، با پی
انقلاب ملی و د مو کراتیك
خاصتا مر حلهٔ نوین تکاملی
کشور ز مینهٔ واقعی رشد ا س
های این بخش جا معه (زنان)
شد. ز نان عملا در سر نوشت
وتولید سهم می گیرند و لی‌این
نیست زیرادرجامعه مارنرخ‌بیس
بالخصوص در میان زنان خیلی
است که تمام خرافات وعقب‌ما
های فر هنگی در میان ز نان‌ب
ناشی از همین مسئله است. از
جاست که وظیفهٔ ز نان روشن
ما در قبال مبارزهٔ آ نان بخاط
برابری حقوق زن خیلی سنگی
تاریخی است . چه علاوه‌بر مس
که زنان به سویهٔ بین المللی ب
تساوی حقوق خود و احقاق‌آن‌م
می کنند در مقابل ز نان افـ
مبارزه بر ضد بی سوادی و
مبارزه با عقب ماندگی های فر
نیز قرار دارد . باید بخاطر
عقب ماند گی فر هنگی وخرا ف
که دامن گیر ز نان جا معهٔ ماس
با احتیاط کامل مبارزه شود. تش
وتحقیر درین امر زنان را در
خصم و کهنه گرایان قرارمی
باید باپشت کار و متانت کا م
به‌تبلیغات وسیع و تنویر ا ذ
آنان دست یازید ، تا آنانرا بت
متحد سا خت واز بازوی پر تـ
ایشان که گنجینه ایست بس
در امر شگو فایی جا معهٔ خود
گرفت .

یکی دیگر از مظا هر عقب‌ما
فرهنگی اکثریت زنان (حتی ا
آنانیکه روشن تر اند) جا معهٔ
درین است که ایشان از مبارزهٔ
بخاطر برابری حقوق تصویرمع

از : فروزی پنجشیری

خرمن شگوفه

دیشب تو پر یچهره در آ غـو شرکه بـودی
مهتاب‌که وزهـره بنـاگـوش کـه بـودی
م خا طـرهٔ عشق تـو از یـا د نبردیـم
تو خـاطـرهٔ عشق فرا موش کـه بو د ی
بایـس همه ز یبا ئی و حسن‌وقدرقا مت
آراسته‌سر وی و قـبا پو ش که بو د ی
ا مشب بـو لای تو هـمه بـاده‌گسـاریم
دیشب‌بـولای کـه و مـی نـوش که بودی
جون خر من ا شگو فـه برو دوش‌توز یباست
ای خرمنا شگـو فه برو د و ش که بـودی
ما عا شق و د لـداده تو حور لقـاا یـم
تو عاشق‌ودلداده و مد هـوش که بو د ی
از تیر نگاه‌تـوفرو ز ی شده بسمـل
بسمل شدهٔ نا و ك خون جوش که بـو د ی



هنگامهٔ مشرق

شاد زی ای مرز آزادی گزین
شادزی ای کشور مرد آفرین
جان ببخش ای ر نگ وبوی‌آسیا
تازه باش ای گلشن خاور زمین
ای می آ زادگی را ستانگین

ای که از دور بما آزاده ای
درس آزادی به خاور داده ای
نقد مردی ار مغان آ ورده ای
خیز مستی کن چرا استاده ای
ای ترا هنگامه مشرق زمین

ای دل پر آرزوی آسیا
خانه قوم نجیب آریا
ای بهار عشق بستان امید
سخت می بالم که می بینم ترا
گشته ای با آرزوی دل قرین

پیام ما

ماخواستار صلح
مارهروان‌راه‌شکوهمند کار
ماهمقطارمردم‌زحمتکش‌و
مادرتلاش‌راه‌نـ ـین برادری
یك آرزوبدل
وآن‌اتحادبی خلل‌جمله کا
باجمله بزرگر
وآنکه همه یکی
درجبهه‌ای ملی
یکجارویم‌بسوی‌جهان برابری

بادیه نشین

برخیز

برخیز ای همو طن !
که تیره شبها از هم رفته اند .
بنیاد استبداد را
از هم ریخته اند
سرود سحر ر سیده ومیرسد
وخفتن را مجاز نباید بود .
پاشنه آ هنین تاریخ
کوبیده ستم دو ستان را
آنها بمیران داده اند
بما ا ین میهن و یران را
این میهن را باید آ باد کرد
زندگی نورا ایجاد کرد
برخیز ای همو طن !

بتو ای خوا هر من
بتو ای برادر من
روی این آرزو ست بایدا
درین خانه با ید کار کرد
رنجهارا ـ فقر هارا
دور ازین د یار کرد

امین افغانپور

ماته گران ندی، بلکه زړه می غواړی چی دغه سربازان دوسله وال پوځ ټول منسوبین وپیژنی . او حتی لازمه ده چی ددوی پیغام ټولو وطنوالو ته (لکه چی دکنډک قوماندان هم عقیده لری) ورسیږی ...

جګتورن شیر احمد اوږده شیبه غلی و . بیرته اوس سربازان ځای پر ځای شوی وو. اوپرته دیوه یوه سرباز له ټوخی او دکرپیو له آوازونو څخه بل آوازنه اوریدل کیده . په پای کی دلوړی ټولی قوماندان شیر احمد داسی په خبرو پیل وکړ :

- پروسږکال زما دټولی یوه بلوک له اشرارو سره په یوه مسلحانه نښته کښی سخت تاوان ولید دوظیفی له ترسره کولو وروسته دغنډ دقوماندانی له خوا نه زموږ ټول دفرقی دتعلیمی مرکزنه دنویو رالیږل شویو سربازانو له جملی نه دپنځلس تنو په‌رالیږلو سره «اکمال» شو .

پدی کی یو سرباز چی جمعه خان نومیده په ظاهرکی دنورو سربازانو سره هیڅ کوم ښکاره توپیرنه درلود مګر ددوه دریو اونیو تیرولو وروسته ولیدل شول چی جمعه خان په ټولی کی پوره محبوبیت ترلاسه کړی و: په تعلیم کی ډیر ښه و، خپله دنده یی برته له څه ځنډاو سستی څخه سرته رسوله ، له نورو سربازانو سره په ګذاره کی خورا ښه وو، دخپل ډلګی له هر غړی سره یی چی څه په وس‌کی پوره وو، مرسته کوله، او سربیره پدی ټولو یی تل خوله له خندا ډکه‌ وه او داهم باید ووایم چی زبردست رباب‌یی غږاوه .

لنډه داچی میاشت نه وه پوره چی جمعه‌خان په ټول کنډک کی سربازانو او صاحب‌منصبانو پیژانده او په ښه سترګه یی ورته کتل

خودجمعه خان له راتګ سره زموږ یوبل سرباز چی خان محمد نومیده، خپه ښکاریده (دی شی ته البته زموږ مخصوصا زما وروسته پام شو) .

دی خبری ته نده هغه وخت متوجه شوم چی مادخپل ټولی دډلګیو ویش نوی کړ . پدی ویش کی جمعه خان دخان محمد په‌ډلګی کی برابرشو (خان محمد زما د ټولی تکړه ډلګی مشر وو) .

هغه وخت هم موږ په صحرایی اردوګاه کی وو او راتلونکی محاربوی وظیفی ته مو تیاری نیوله .

نه وایستل شی خو یو واریی دخولی نه‌وویل چی دغه نویو سربازانو نه دی کوم چی دده ډلګی ته راغلی و دچراغ علی په ځای بـل ډلګی ته ولاړشی او دده ډلګی کی یـواځی جمعه خان دنویو سربازانو له ډلی څخه وو .

خوداخبره پاتی شوه . مګر زه د هغـی مخصوصی کنجکاوی له امله چی دټولی هـر قوماندان یی لری ، دی ته متوجه شوم چی خان محمد له جمعه خان سره له ورایه بیل ډول چلند لری . نه داچی له ده سره بده وضعه کوی، بلکه یو خاص ډول رسمی اوله مخصوص احترام نه ډک چال چلندکو ی چی د سربازانو د مشترک او له تکلف نه‌تش‌ژوند سره ښکاره توپیر لری .

جمعه خان هم چی له ټولو سره یی خورا صمیمی اړیکی ټینګی کړی وی له خان محمد سره یی برخورد بیخی رسمی و .

ماته به بیاهم ډیره عجیبه نه وه که زه نه وای پوهیدلی چی دوی نه یواځی د یوی ولسوالی بلکه دیوه کلی دی، ددی خبری په پوهیدو زه لاحیران شوم . مګر په هغه وخت کی موږ په ډیره دراتلونکو عملیاتو لپـاره تیاری نیوله او فرصت می لاسته رانغی چی داپوښتنه ځانته حل کړم .

یوه شپه کومه چی سبا سهار وختی موږ باید له اردوګاه نه حرکت کړی وای جمعه‌خان ماته راغی اوزړه نازړه یی دا غوښتنه وکړه‌چی دی دثقیل ماشیندار بلوک ته تبدیل کـړم . کله چی ما له‌ده نه دلیل وغوښت ده وویل چی دفرقی په تعلیمی مرکز کی یی ثقیـل ماشیندار ښه زده کړی دی . ښایی دده خبره به رښتیا وه مګر ماپه دغی وروستی شپه چی سبا محاربوی وظیفی ته روان وو ، په هیڅ صورت نه غوښتل چی دخپل ټولی په ښـه کی څه‌بدلون راولم. نوځکه می‌دده داغوښتنه رد کړه .

مګر دمحمد خان دغوښتنی اودده دغوښتنی په منځ کی زما په ذهن کی داسی راغله چی یوه منطقی اړیکه شته . دامی پرېښوده چی وروسته یی په فرصت سره معلومه کړم .

څه به دی سر خوږدم . یوه میاشت موږ په سنګرونو کی له ضد انقلاب سره په‌ګړمه جګړه بوخت وو . د خلورمی یا پنځمی نښتی نه وروسته چی داشرارو یوه ځاله چی‌یوه

: س . ر . ها شمیار

راستین و مر د می :

بان احساس
ووسیله پیوند
اطفی انسان

ن کلتوری رادیو تلویزیون تاجکستان‌شوروی میگوید :
ادر تاجکستان حتی یك گروه هنری‌هم نداریم که پار چه های ا فغانی را د ر
های هنری خود به اجرا نگیرند .

مترآهنگ تاجکی ای رامی توان سراغ‌کرد که به شکلی آ هنگهای ا فغانی در آن
اده باشد واین به خاطروجوه اشتراکی‌فراوانی است که در هنر و فرهنگ هردو
وجود دارد .

یش از پنجاه فیصد مردم تاجکستان‌درپهلوی بر نامه های رادیویی کشور خود
م های هنری و مو سیقی رادیـــوافغانستان را نیز می شنوند .

زودی آ هنگهای فراوان ا فغا نی به‌و سیله هنر مندان گروه های هنری گلشن
اجرا واز طریق مارکس به رادیـــوتلویز یون ا فغانستان هدیه میگردد .

ردم افغانستان مهمان دوست تر ین‌مردم جهان می باشند .

را برخی از آواز خوانان تـاجـك بعضی از آ هنگ های اصیل افغانی را از
های خود معرفی می کنند ؟

تواهش ما از مقا مات هنری‌ومسوول‌افغانستان این ا ست که زمینه های ارسال
های هنر ی افغان را بـــه تاجکستان‌فراهم آورند چه مردم تاجك به هنر سرزمین
سق می ورزند .

قص اگر صرف در حر کات بد نی‌خلاصه گردد هیچ پیامی را نمی تواند به‌مردم

آواز خوان جوان صدای گرم و گیرادارد، صدایی که افسون کننده است و شنونده را ازخود بیخود می سازد و به دنیایی از رویـا های فریبنده می کشاند ، او باتمام‌احساسش می‌خواند ، باذره ذره جا نش شور می‌آفریند آن چنان که انگار تمام خواست ها و آرزو ها ، همهٔ آ ر مان های درونی با در د ها وناتوانی ها و نا شکیبایی ها در آواز اوته نشین شده اسـت واو همه اینها را ، این بار عا طفی را هنر مندانه د ر د یگران القاء میکند و شنونده و بیننده را در ا حساس وتاثیر عاطفی شاعر شر کت می د هد .

مو سیقی باریتم د لنشین خود گاه اوج میگیرد و گاه پا ئین می افتد ، زیر و بــم می شود و خوا ننده با حر کات نرم، موزون وحساب شده خود هم آ هنگی و توازن را هنر مندانه انعکاس می د هد .

وقتی می خواند :

ای بت بیر حم شکار بر افگنم
رشته بینداز تو بر گردنم
تیر بینداز که من از هوا
گیرم و در سینه کنم جا به جا
تیر ترا در دل‌و جان جا د هم
تا تسلی این دل شیدا دهم

تالار در مو جی از شور و هیجان غوطه‌ور میگرددصدای شوروهلهله‌وآفرین صدهاشنونده وبیننده که نتوانسته اند از تبارز احساس خود جلوگیر گردند درآن طنین انداز میشود آهنگ به پایان می رسد ، آواز خوان از استیج بیرون می رود ا ما نزدیك بـــه یك هزار تما شاگر که باز هم می خوا هندببینند وبشنوند تا در ریتم این آ هنگ و صدای این خواننده جلوه یی از خـواست هـــای درونی و تاثرات عا طفی خودرا باز بیا بند بیتابانه کف می ز نند و آواز خوان را فرا می‌خوانند تا آهنگی د یگر را به اجرا گیرد و .... این حالتی ا ست که در هر نو بت نمایش خواه در تا لار کابل ننداری و چه‌در کنسرت هایی که به و سیله گروه های‌هنری مهمان در مجا مع دیگر به اجرا می آ یدتکرار می گردد و جلوه‌یی را به نمایش میگذارد از عطش هنری مردم ما و علاقه وافر شان به اجرا های هنری و ذوق سر شار و سیرا ب ناپذیر هنری آ نان .

دو گروه هنری «گلشن » و« زیبـــا » بیش از آن در کشور ما ودر میان مردم ما شهرت و محبو بیت دارد که تما شاگر در

هنری حیثیت آ هنگ روز ر وآواز خوانان واجرا کنند های آ شنا و محبوب هنری ما می باشند .

اکنون این دو گروه به خ سو مین فر خنده جشن پیرو به کابل آمده و بیشتر از دیگر مورد استقبال گرم و دوستان کشور ما قرار گرفت باگفت و شنود های ا خت بیشتر بانحوه کار و سابق پیدا کنیم .

« عبدالحی ا سرااوف» م دولتی تلویزیون و رادیوی سمت ر یاست این گروه ه این سفر به عهده دارد و ۱۹۶۲و۱۹۶۵ نیز سفر های است در مورد سابقه های ه های مهمان میگوید :

ـ هیات هنری و فر هنگی بخش وانسا مبل « ز یبا» باشد که نخستین به ر هبری زاده » هنر مند پر آوازه‌وم فعالیت میکند ورهبری گروه عارف اوف » عهده دار است گلشن بیش از دوازده سال شده وتاکنون سفرهای هنری های داخلی اتحاد شوروی و ج داشته است در حالیکه از انسامبل ر قص «زیبا» بیش نمی‌گذرد وبعد از سفر به تو سفر آنان به خارج واولین افغانستان می باشد .

به اسراروف می گویم :

ـ گروه گلشن را یك آ جاز با و سایل مدرن مو سیق مدرن یعنی نو تیشن همرا ه حالیکه شما آن را انسا مبل کنید که مجمو عه‌یی باید با ساز محلی با خصو صیات بگویید در صورتی که این آ کار مدرن خود از نظر شما پس آرکستر دارای چه خصو باشد ، میگوید :

ـ منظور در این جا محتوی شامل ناب ترین پار چه های

وه جات و بعضی از لبنیا ت
قی نمی شود می باشد .
ه‌این مشکل گرفتار اند ووزن
اید یك پرو گرام منظم وطویل
ن وزن ا ضافی خو یش طـرح
ا با حو صله و پشتکارباگرفتن

رژیم غذایی مناسب د نبال نمایند . شا ید یك کیلوگرام وزن اضافی رادرمدت یکمـاه

وشاید اضافه تر کم نمائید واین خود می‌رساند که چقدر ا نسان حوصله داشته‌باشد تابتواند به مقصود خو یش نا ید آ ید .

...سادت و بی اعتمادی ریشه ...شبختی خانواده را می خشکد

نا هی برای شما هم ا تفـاق ی مو ضو عات بسیار کو چك ده که اصلاکو چکترین ارزشی بد درروابط خانواده گذاشته آ ن ا ینست که زن وشوهر ضای خانواده نتوانسته ا نـد را بد رستی درك کنندواعتمادی ت بهم داشته باشند .

من قصه کرد و گفت : که واده گی خود فوق‌العاده‌ناراضی ، نمی دانم چکار کنم، ا ز ار ها واز جا نبی نا را حتی عث شده که اعصاب خود را م . گفتم این نا را حتی از چه انگیزهٔ که باعث شده ا یـن باشی چیست ؟ می گوید : ی کنم هر وقتی به خانه‌تیلفون ـی بینـم کـــه تیلفـــون است و قتی عصر به خانه باز مسرم می پرسم که چرااینقدر صروف می باشد، کی این قدر ولی همسرم بکلی منکر ایـن که اصلا تیلفون مصروف‌نبوده سبت تیلفونی ندا شته ، در چنین ا تفاق افتاده که من به بکشم و لی تیلفون همچـنان است . نمی دانم چرا همسرم کند و دراین مو ضوع چه‌رازی نمی خوا هند برایم بگو یند. ه که روح مرا آزرده سازد و ختی من بیفزاید .

گفتم که این مو ضوع‌اینقدر که خودرا ناراحت سازی‌شاید



سخت گر فتاربی ا عتما دی نسبت به همسر وخانه اش شده است برای ا ینکه او را از این خیال واهی‌رهانیده‌باشم برایش یکسلسله د لایل گفتم و واضح سا ختم که بی‌اعتمادی چقدر در امر خو شبختی خانواده تاثیر سوء می گذارد واگر ا نسان نتواند خود را از این فکر های بیهوده نجات د هد علاوه از اینکه خو شبختی و سعادت خانواده خود را در خطر می اندازد صحت و سلامت خویش را نیز مورد تهدید قرار می د هد .

بطور مثال ز ندگی زن و مر د ی را که

چهار ساله دوستـم به سبیل تفریح گوشك تیلفون را بر داشته بعد ازین که در گوشی تیلفون حرف های بچه گانه می زد دو باره آن را می گذاشت و لی این پسر شوخ‌بجای اینکه آنرا در جایش بگذارد آن را طو ر ی روی تیلفون قرار میداد که قید تیلفون بلند مانده وفکر میشدکه تیلفون مصروف است . ووقتی دو ستم بار ها به منزل خـــو یش تیلفون می نمود می دید که تیلفون منزلش مصروف است . همین امر کوچك وخنده دار کم بود شیرازه خو شبختی زن و شو هری

است برای اینکه دو ستم را از این و ضع نجات داده باشم به اجازه دو ستم بـطـور خصوصی به ا مور ز ندگی شان مدا خله کردم ، بعد از تحقیق ز یاد با لاخره متو جه گشتم که مو ضوع از چه قرار ا ست، آیا می دانید که چه حا دثه کوچك و پیش پـــا افتاده که باعث خندهٔ شما نیز می شود و کم بود ز ندگی خانوادگی دو ستم از هم بپاشد در اثر بی فکری دو ستم داشت در عمـــل پیاده می شد . برای اینکه شما رابه انتظار نگذاشته باشم برایتان می گویم :

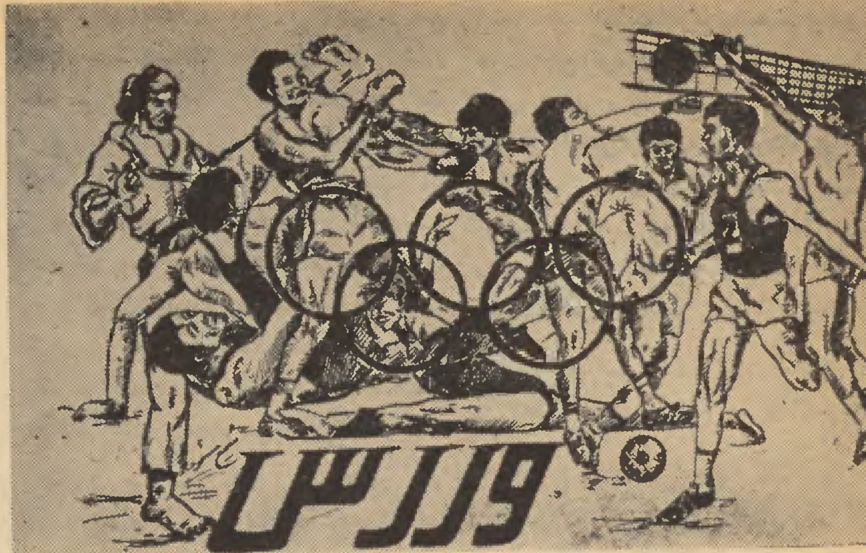
بعد از چند روز رفتن به خانه دو ستم آنهم و قت و نا و قت متو جه شدم که طفل

اینکه اعاده حیثیت کرده باشد ، لباس خودرا جمع کرد و دست پسر چهار سا... خودرا گرفت و به خانهٔ پدر رفت . هر... دوستم التماس‌کرد، زاری نمودکه از ع... منصـرف شود و او را ببخشـد ســ... نبخشید و همسر دو ستم به خانه پدر... رفت مدت یك هفته دو ستم در خانه ا... بدون همسر و طفلش ز ندگی کرد بالا... حوصله اش سر رفت و مي خواست ک... را یکطرفه سازد . دیدم که دو ستم ز... عصبانی و ناراحت است و اگر در بی... نشوم شاید کار از کار بگذرد و زندگی... از هم بپاشد . به خانه خسر دو ستم ر... و همسر دوستم را به هرترتیب کـه بود... منزلش بردم . مدتی زن و شوهر از هم... بودند بالاخره با هم آ شتی کردند و زن... خوش خانواده را آغاز نمودند . شبی بع... اینکه در امر خو شبختی آ نها کو شیده‌... مرا د عوت کردند این د عوت بپاس زح... من بخاطر ز ندگی آ نها بود . شب‌بخو... گذشت و من از آن لذت فراوان بردم ز... باکار خو یش ز ندگی دو جوان را که کم... از هم بپاشد نجات داده بود م .

بلی دو ستان این قصه واقعیت دار... ساخته و پر داخته خودم نیست و شما... شاید روزی صا حب ز ندگی و زن و او... شوید و زندگی مشترك خانوادگی رابسا... متوجه باشید که زندگی خانوادگی به‌ر... های خیلی باریکی ار تباط دارد که اگرمت... آن نباشید شاید در آینده برایتان درد... های بزرگی ایجاد نماید .

زندگی زن و شو هری همانقدرکه‌شیر... ودلچسپ ا ست روی د یگر ورخ د یگر... دارد و آن رخ ، رخ بد و زشت ز ندگی‌ا... که ا مید واریم سر د چار آن نشوید .

واین ز مانی میسر است که شما به‌زند... بهتر آ شنا گردید و هر چیز ز ندگی را... دید منفی و عینك سیاه ننگرید . و قتی... جوان به هم قول دادند که زندگی مشتـ... را بسازند . بقول تان اعتماد داشته باش... وهر گز فرا موش نکنید پشت پا ز دن‌ب... دور از نزاکت های ز ندگی ا ست . و ...



...ارش از : عبدالکریم پوپل

...موثر ترین وسیله رشد استعداد های ورزشی بر گزاری مسابقات است

...است عالی‌ورزش‌درشروع نیمه‌دوم‌ماه‌حمل
...برنامه‌وپلان دست‌داشتهٔ شان به منظور
...ب‌بهترین‌ورزشکاردرتیمهای‌ملی یکسلسله
...ات رادر رشته های فتبال ، هاکی وزنه
...ی وبوکسنگ طور جداگانه ضمن تدویر
...ی برگزار نمودند .

...ابق به برنامه اداره بر گزاری مسابقات
...ت عالی ورزش‌وکمیته ملی المپیک‌مسابقات
...اتی هاکی روز۱٦حمل باشرکت تیـــم
...نتخب‌تعلیم‌وتربیه، پوهنتون‌کابل وکلوپ
...ی قوای مسلح در میدانهای ورزشی
... ورزشی قوای مسلح تحت نظرهیات
... بابیانیه رئیس کمیته ملی المپیك دایر
... . واین مسابقات بعدازچندروز درگیری
...ایکی مقابل دیگر هفته سوم ماه گذشته
...رانجام خود رسید که درنتیجه نهائی
...بر معرفی بازیکنانیکه درتیم ملی انتخاب
...ند تیم پوهنتون با پیـروزی بیشتـــر
... بر تیم های مقابل جای اول راگرفتندو
... هاکی کلـوپ ورزشـی قـــوای...

طبق برنامه منظم ادامه دارد .

یك روز قبل از مسابقات هاکی، مسابقات انتخابی وزنه برداری در کلپ ثقیلهٔ تعلیـم وتربیه دایر گردید که درین رقابت های این ورزش تعداد ورزشکاران کلپ ها و موسسات ورزشی شرکت نموده بودند مسابقات در چند مرحله تحت نظر اشخاص ملکی پیش برده شدو سر انجام این نتیجه اعلام گردید : شیر محمد زمانی از کلپ قوای مسلح دروزن ۵۲ کیلو گرام با بلند نمودن ۱۳۵ کیلو گرام وزن در دو ضرب جای اورا گرفت .

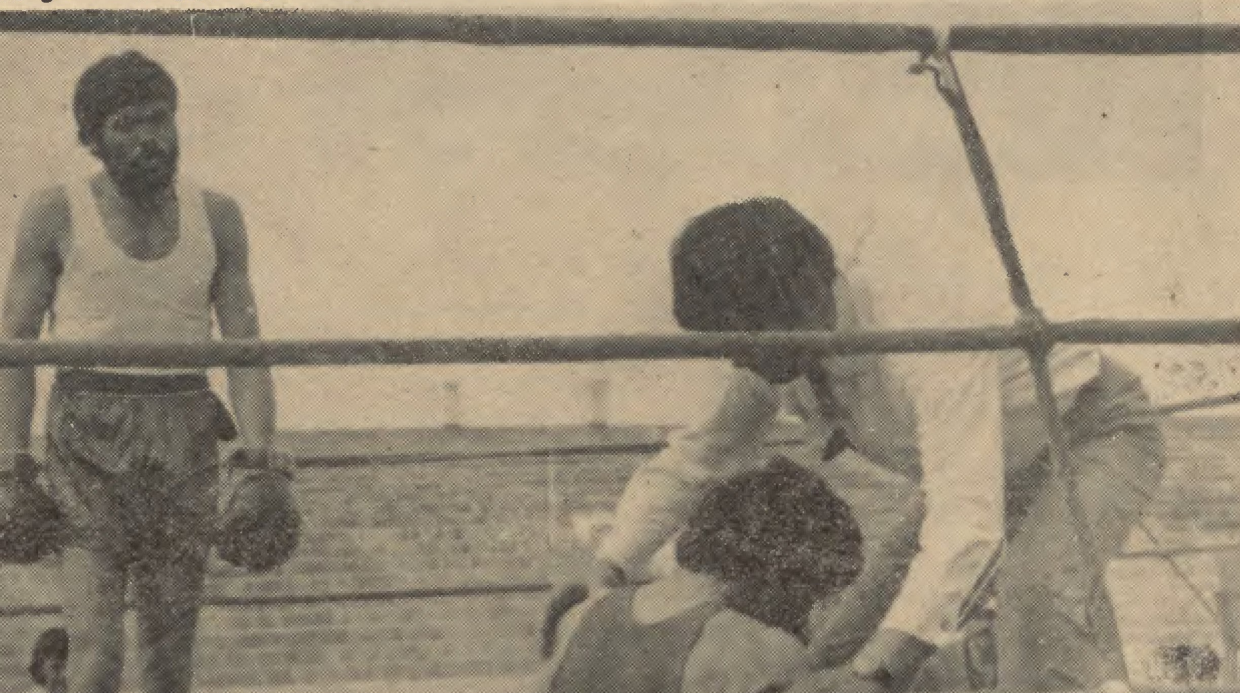
محمد داود ازکلپ‌تعلیم وتربیه بابلندنمودن ۱۲۰ کیلو گرا م و محمد اکرم بابلند نمودن ۱۱۰ کیلوگرام هریك دوم وسوم شدند . در کلاس دوم وزن ٥٦ کیلو گرام داراحمد از تعلیم وتربیه با برداشتن ۱۲۰ کیلو گرام در دو ضرب به‌مقام‌قهرمانی‌تکیه زد وعبدالمجید از تعلیم وتربیه با برداشتن ۱۰۵ کیلو گرام بالترتیب دوم وسوم شدند .

در کلاس چهارم ٦٧ کیلو گر... کارمند از کلپ تعلیم وتربیه‌با... کیلو گرام در دو ضرب جای... جلیل از کلپ کابو را در دو... ۱۷۰کیلوگرام رابلندنموده به‌مقا... وسید محسن از تعلیم و تربیه... ۱٦۲ کیلو گرام به‌مقام سومی... ۷۵ کیلو گرام که‌کلاس‌پنجم می... ازکلپ کابورا در حرکت دو ض... کیلو گرام را بلند نموده مقام... خودعنوان‌کرد. تاج‌محمدمدعی خو... این کلاس بابلند نمودن ۱۷۰... دوم را گرفت و محمد حنیف از... بابرداشتن ۱٦۰ کیلو گرام سوم... ششم وزن ۸۲ کیلوگرام محمد... مسلح با برداشتن هفده ونیم ک... حرکت دو ضرب به مقام قهر... محمد حیدر چهره‌خوب‌تعلیم وتر... ۱٦٥ کیلو گرام و محمد رسول... تربیه بابلند نمودن ۱٤٥ کیلو... سوم شدند ودر وزن۹۰کیلو گر... چهره موفق این ورزش در حر... بابرداشتن ۲۲۰ کیلو گرام از ع... خودهوشیارانه دفاع کرد. درین... از آن میراجان از تعلیم وتربیه... ۱۹۰ کیلو گرام در حرکت‌دوضر... گردید•

قرار تجویز ریاست عالی ورز...

جای دوم را گرفت •

در کلاس سوم وزن٦۰کیلو گرام محمدنعیم از کلپ سپورتی قوای مسلح بابلند نمودن ۱٦٥ کیلو گرام وزن در دو ضرب ، نجیب‌الله از کلپ تعلیم وتربیه و خلیل از تعلیم وتربیه



ز جمله تمام شرکت کنندگان
به مقام قهرمانی و در جه های
رار گرفتند به حیث اعضای تیم
سدند • که آنها تمرینات اساسی
برنامه منظم تحت نظر ترینران
ودهٔ این ورزش آغاز نمودند •
ل برای ورزشکاران بوکس و
مندبه‌آن، روزنهایت خوب بود
روز باز هم ورزشکاران بعداز
روی رینگ مسا بقه با عم
نمودند • درین دیدار های
کثیری از تماشاگران نیز حضور
ه بودند •

ت کنندگان که‌به اضافه ازیکصد
ید در آن چهره های کاملا جوان
ی رینگ مسابقات، و جوانان
ازدیر زمانیست به حیث مسابقه
رأ مسابقات شر کت ورزیده
جوانان تازه وارد با تاکتیك و
عالی وانرژی بیشتر در کیفیت
بودند •

ت نسبت به دیدار های قبلی
شت به این معنی که چهره ها
ندی خاص برای کسب عنوان
رفته شان به روی رینگ تبارز
رخشندگی یکبار دیگر در بین
وجود کردند و در نتیجه‌نهایی
ور دیدار ها در وزن ٥٢ کیلو
مد قاری زاده از کلپ ورزشی
مقام قهرمانی تکیه زد احمد عمر
جوان این ورزش با تفاوت چند
وم را اشغال کرد وی‌عضویت
ید را دارد • صالح محمد عضو
بد به درجه سومی قرار گرفت
و گرام از کلپ شورای مرکزی
منفی افغا نستان ، محمدهارون
سهید و محمد اسماعیل از کلپ
ك هر يك به مقامهاى اول ـدوم
فتند در وزن ٦٠ کیلو گرام غلام
ه نساجی بگرامی جای اول را
احمد از کارتو گرافی دوم‌شد
به درجه سومی ماند • دروزن
محمدحسن و عبدالجلیل اعضای
ند هریك اول ودوم شدند گرام
پ اختری جای سوم را گرفت
و گرام رستم کارمند از کلپ

شکست اش در مسابقات قبلی بوکس دوباره به عنوان قهرمانی خود رسید و غلام فاروق از کارتو گرافی دوم شد •

دروزن ۸۰کیلوگرام عبدالسمیع ازکلپ عمر شهید به مقام قهرمانی رسیدو سید کمال از کلپ عمر شهید جای دوم را اشغال کرد •

در شروع گزارش متذکر شدیم‌که مسابقات در رشته های فتبال هاکی ، وزنه برداری و بوکسنگ بود . مسابقات فتبال جام خیبر روز یکشنبه۱۷حمل درمیدانهای ورزشی انستیتوت پولی تخنیك پوهنتون کابل باییانیه رئیس کمیته ملی المپیك گشایش یافت • درین مسابقات نزده تیم شرکت ورزیده که آنهابه سه‌گروپ الف،بوج دسته‌بندی‌گردیدند چنانکه درگروپ الف تیم های آمو، کارگر، کلوپ ورزشی قوای‌مسلح ،پولتخنیك ، باختر‌ولاله‌ها درگروپ ب تیم های اتفاق ، میوند ، بانك پامیر ، کابورواو هندو کش ودر گروپ ج تیم های پوهنتون کابل ، جبیبا نا ، ستور ، آریا ، اکادمی خارندوی، تعلیم وتربیه واتحاد شامل میباشد •

مسابقات روز پنجشنبه واردشانزدهمین روز خود رسید طبق برنامه مرتبه تمام تیم ها ی شرکت کننده در گروپ های شان در دوراول پنج الی شش مسابقه را انجام میدهند که‌در ختم دور اول‌از هرسه‌گروپ دوتیم که امتیازات بیشتر را نصیب شود به دور دوم مسابقات پیش میروند •

طوریکه جدول نتایج از شروع تا روز ۳۰ حمل بررسی شد در گروپ الف تیم کلوپ ورزشی قوای مسلح بیشتر ین امتیاز راداشت به این معنی که آن تیم با انجام دادن سه ـ مسابقه دوبرد ویك مساوی‌داشته در طول‌این سه مسابقه سه گول زده ویك گول خورده وپنج امتیاز را نصیب گردیده بود ،وتیم آمو با داشتن ٤ امتیاز از سه مسا بقه نصیب

گردیده جای دوم را د ا شت
گروپ دوم تیم هندوکش درسر خ
نتایج دیده مشد آن تیم سه بار با
مقابل در گروپ شان دیدار نموده
برد ودو مساوی و داشتن ٤ امتیاز
را اشغال نموده بود • تیم اتفاق دری
جای دوم را داشت • در گروپ سوم
جدول نتایج‌تیم فتبال‌اکادمی خارندوی
قابل ملاحظه امتیازات قرار داشت این
پایان دادن سه مسابقه دو برد و یك
داشته پنج گول زده ودو گول خورده
تیم جبیبانا با داشتن سه امتیاز ج
رادرین گروپ داشت •

تیم های‌شرکت‌کننده مسابقات شانز
بدست آوردن جام خیبر تاچند روز دیگ
خواهند داد که در ختم این دیدار ها
دیگر پیرامون نتایج عمومی مسابقات
تهیه خواهم کرد •

مترجم : «ع غیور»

انکشاف ورزشهای دومیدانی در بلغاریا

به اساس راپورها ئیکه در مورد انکشاف ورزشهای دو میدانی انتشار یافته است درطی سال (۱۹۸۰) دررشتهٔ بازیهای دومیدانی به‌تعداد (۳۳) ریکارد جدید قایم گردیده است •



ورزشکاران جمهوریت‌سوسیالیستی
مانند سایر سپورت ها در رشته سپو
میدانی نیز موفقیت های چشم گیری
آورده اند • ورزشکاران آنکشور در ط
جاری در بیش از (۱۹) ورزش اتلتیك
های جدیدی قایم کرده است • بر طبق
گزارشات درسال (۱۹۸۰)ده‌نفر از ورز
بلغاریا در مسابقات دویدن هشت صد
(۱۵۰۰) متر خوب درخشید • گذشته
ورزشکاران آنکشور در سپورت وزن
نیز موفقیت های شایانی را نصیب شد
در جمهوریت سوسیالیستی بلغاریا ب
انکشاف هر چه بیشتر سپورت دو
در شهر های صوفیه ، بور گاز ، تو
گابورو ، پولیودیف ، وا رنا وامثال آن
جدید تعلیمی وتربیوی گشایش یافته ب
سلسله تمرینات بین ورزشکاران به
متواتر ادامه پیدا مینماید • ورز
آنکشور پس از انجام موفقانه بازیهای
ومونتریال به این نتیجه رسید که تب
ورزشکاران واشتراك تیم های ورزشی
مسابقات ملی و بین المللی در جهت ا



ترجمه وتتبع : محمد نعیم (نیواد)

موترهای مارک، کاماز، موترهای نسل جدید



هریک از پلانهای پنج ساله اتحاد ـ
ی پروژه های خیلی بزرگ وحیاتی صنعتی
ادی گنجانیده می شود که باتطبیق آن
ت بزرگی در ساحات مختلف زندگی مردم
ـ رونما میگردد .
لان پنج ساله اول پروژه بزرگ گاز
ـ» در پلان پنج ساله دوم پروژه عظیم
ی فابریکات تراکتور سازی ـ ستالین گراد
ره در پلان ده ساله ای اقتصادی که
ب خاتمه می یابد پروژه خیلی ـ عظیم
تولید موتر های مارک ـ کاماز ـ در
کات کام میباشد این پروژه مهم صنعتی

از جمله بزرگترین فابریکات تولیدی موتر ـ های باربری جهان است .

حالا میخواهیم بصورت مشخص در زمینه رول موترهای کاماز در حیات اقتصادی وصنعتی شوروی معلوماتی ارائه نما ئیم .

موتر های مارک کاماز برای کشور شوروی بر علاوه‌از دیگر ساحه های حیاتی دووظیفه خیلی مهم وحساس اقتصادی راانجام میدهد.

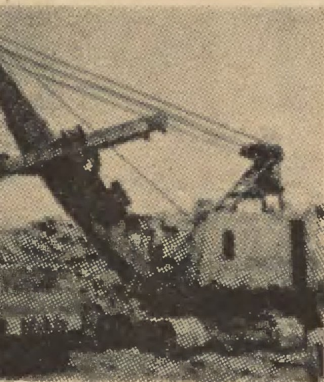
اول اینکه بصورت عموم موترهای ـ کاماز ـ توناژ خیلی بلند نسبت به تمام موترهای باربری قبلی شوروی دارد ومزیت دومی آن این است که موتر های کاماز با انجن دیزلی مجهز میباشد که از نظر اقتصاد منافع هنگفت رابه اقتصاد مملکت بارمی آورد ومواد سوخت قابل ملاحظ ای صرفه جوئی میشود وازطرف دیگر مسمومیت راکه در اثر سوخت پطرول محیط زیست به‌آن مواجه می‌شود تا اندازه قابل توجه پائین می آورد.

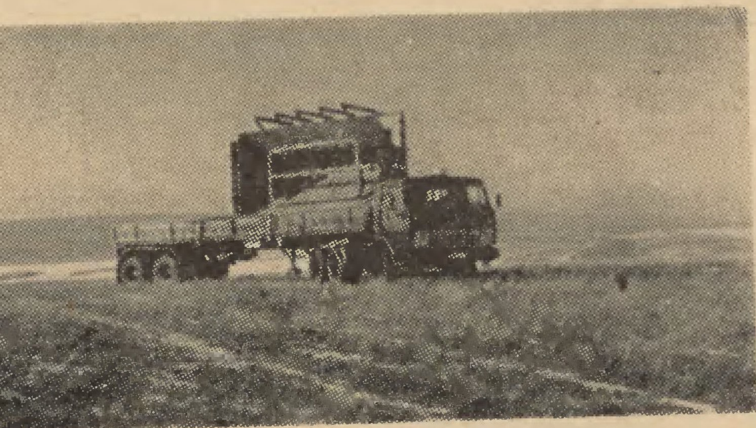
کارگران وانجنیران مربوط فابریکات‌کاماز ـ تعهد سپرده بودندکه تاشروع بیست وششمین کانگره‌حزب کمونیست اتحاد شوروی تولیدات خود را به ظرفیت نهائی آن برسانند.

کانگره نتائج کار پلان‌ده ساله اخیررا بررسی کرده وامکانات همکاری های بیشتر



را در زمینه تقسیم بین المللی کار وتولیدات صنعتی بین ممالک دارای سیستم های متفاوت سیاسی بررسی خواهد کرد. طوریکه واضع است اکثر کشور های اروپائی وامریکایی مانند اضلاع متحده امریکا ـ جمهوریت اتحادی آلمان، ایتالیا، فرانسه، جاپان، هالند، بلجیم، سویدن. وازجمله‌ممالک‌سوسیالیستی‌جمهوریت دیموکراتیک آلمان،جمهوریت مردم مجارستان، جمهوریت پولیند بلغاریه، چکوسلواکیا ویو ـ





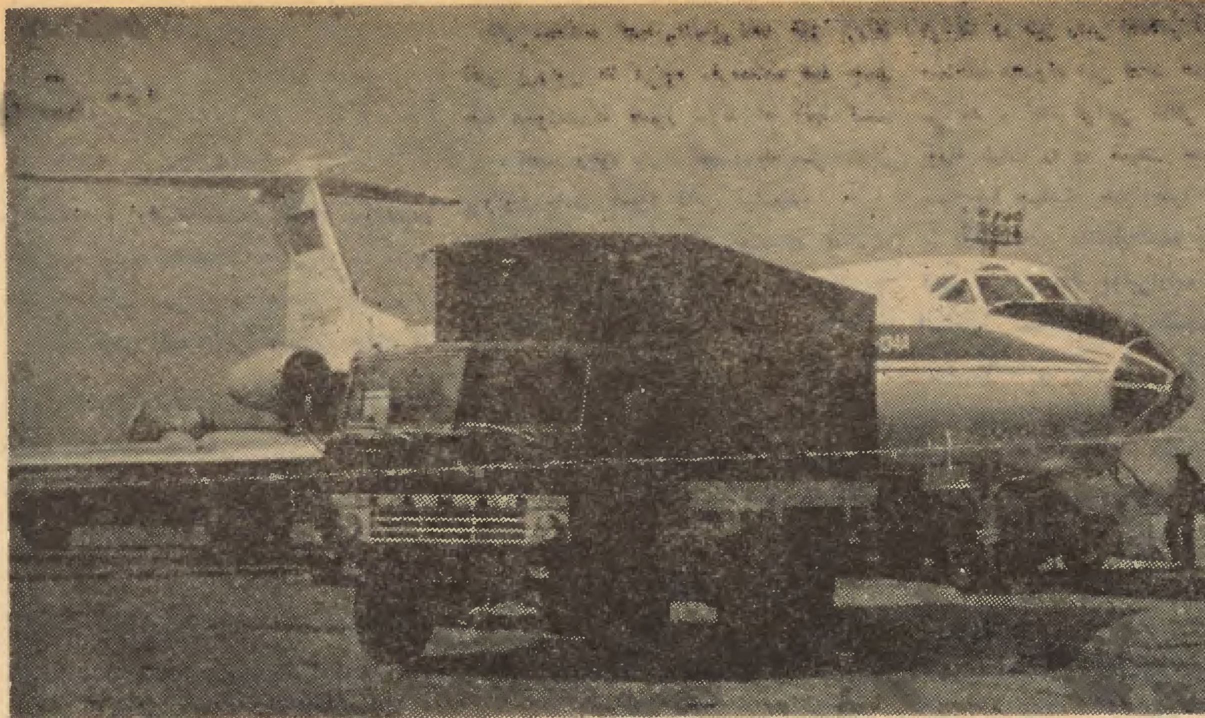
گوسلاویا در ساختمان تاسیسات عظیم‌صنعتی کاماز ـ همکاری وتجهیزات ساخته کشور های شان رابرای سهیم شدن به این پروژه‌عظیم صنعتی جهانی که اهمیت مهمی در همکاری‌های صنعتی واقتصادی جهانی دارد فرستاده اند .

تجهیزات عصری ومدرن فابریکات ـ کاماز ـ تکنالوژی فوق العاده مدرن را مورد استفاده قرار داده که بااستفاده ازآن میتوان صرفه جوئی های بزرگی اقتصادی کرد. بطور مثال اکثر پروفیل های‌فلزی که‌در ساختمان قسمت های مختلف این موتر باربری از آن‌استفاده

میشود دیزاین کننده گان نوآو
که بااستفاده ازآن عین پروفیل
بلاک های متفاوت کاماز مورد
داد. وبدین ترتیب از ضایع ش
تن فلزات مختلف به شکل مواد
جلوگیری شده است .
تاسیسات عظیم ـ صنعتی‌کامازنه ت
صنعتی خود راحل می نماید بلک
همه جانبه خود را بادیگر فابر

سسات صنعتی کشور هم ادامه
تحقیقات دوامدار صورت گرفته
موسسات صنعتی داخلی بتواند از
مواد خارجی که برای تولیدات
بود جلوگیری کرده ومواد مشابه
اتحاد شوروی تولید نماید. باعم
اقدامات مفید صرف درسال ۸۰
بیش از هشت ملیون روبل به
مملکیت مفاد عاید گردیده است

فابریکات موتر سازی کاماز ـ
کوچکی تاتا ربه نام ـ(نابریژنی



در شهر (بود یسوی) مربوط‌بیلی
ه تولید، (تقویه کننده اتوما ـ
لیکی) ـ در شهر(یارو سلاو)
سستم های مختلف برای انجن
در سایبریای شرقی فابریکـــه
های مختلف برای‌تعبیه واستفاده از تراکتور رامی توان یاد آور شد بصورت عمومی در حدود بیشس ازسه صد فابریکـه ودستگاه های مختلف صنعتی کشور همکاری های خیلی نزدیك بافابریکات ـ کاماز ـ دارند.

برای آنکه مامتولیدات فابریکات ـ کاماز ـ را به خوبی معرفی کرد باشیم تذکر ممی دهیم که این فابریکات موترهای تیپ جدید یعنی موترهای ـ نسل دوم راکه توناژان به مراتب نسبت به موترهای باربری‌مشابهم آن بلندتر است وقابلیت استفاده را در ساحات اقتصادملی کشور دارا میباشد تولید ممی نماید .

ورمحمدهمتااستاد در انستیتوت پولی تخنیك .

ضدا دجهان حیه‌وجود دارند؟

قوانین فزیك،در مقا بل هرذرهٔ ابتدایی ضد ذره وجود دارد.

ما ضد ماده ؟

ماده وجود دارد، پس‌چه قسم درکجا ،وبکدام سویه ؟

ن جهت جهان واقعی

لین‌مرتبه‌توسط فزیکدان‌انگلیسی
ز ۵۰ سال قبل پیش گویی شده
د که پوزیترون یکی از چنین
رسال۱۹۳۲ درتجارب باشعاعات
شد • پوزیترون در مقابل علما
نینه وار الکترون قرار گرفت•

متکی به حصول آن از کیهان است •

عقیده بر آن بود که اگر در کیهان ضد ماده بشکل مایکرو سکوپی موجود باشد ، پس نفوذ آن درسیستم آفتابی از امکان بعید نیست به این ترتیب به اساس فرضیهٔ عالم اتحاد شوروی اکادمیسن «و•کانستان تینووه» ستاره

به شعاعات کیهانی‌روی‌آوردند • مجموعه‌تجارب مغلق باشعاعات‌کیهانی‌که‌به استفاده ازتحقیقات کیهانی وبالون های‌هوایی صورت گرفت نشان داد که ضد ماده در نظام کیهانی مااز
فیصدتعدادعمومی موادمعمولی تجاوزنمی
این مسئاله‌چه قسم ثبوت شد؟درانس
تخنیك و فزیك لنین گراد دراوایل
۱۹۷۰ سپیکتر ومترمقناطیسی ساخته
این آله نه تنها ذرات‌رامشخص می‌ساخ
آنها را ازضدذرات تمیزمیکرد، که‌خوده
سادهٔ نیست • زیرادر طبقات بالای اتو
ودر فضای کیهانی بحد کافی موانع در
وجود دارد •

درجریان سالهای ۱۹۷۲ ـ ۱۹۷۷
ومتر بالون کیهانی را باترکیب دستگ
اسناد به سر حد اتو موسفیر به ارتفا
انتقال داده آنجاده هاساعت معلق بو
که از کیهان پرواز می‌کردند توسط
که از کیهان پرواز می‌کردند توسط
مربوط ثبت می‌شد • بعداز انجام پروگر
شده دستگاه توسط پراشوت به زمین
آورده شد که علمای تجربه کننده لنی
را وادار به مطالعهٔ صد ها‌هزار حوادث
دردستگاه نمود تا بالاخره امکان میسر
انتی پروتون (ضدپروتون)رادرشعاعات
کشف کنند •

اخبار این مطلب‌در کنفرانس فزیك
کیهانی سر تاسری اتحاد شوروی که‌د
۱۹۷۹ در مرکز ارمنستان اتحاد شوروی
«ایرلوان» دایر شده بود صورت‌گرفت
اشتراك‌کنندگان شانزدهمین‌کنفرانس بین

لطفاً ورق



به آن جهت ...

ریك شعاعات کیهانی که در اگست سال
۱۹۷ در پایتخت قدیمی جاپان «کیوتا» دایر
نده بودبه مطلب انتی پروتون آشنا شدند.
روپ زیادانتی‌پروتون‌کشف شده باانرژی۲الی
ملیارد الکترون ولت٪ (٠٦ر٠) از گروپ
روتون های عادی ای کیهانی را تشکیل‌میدهند
ن انتی پروتون ها اولین انتی پروتون‌طبعی
دند که از انتی‌پروتون های‌کشف شده‌تجربه
سرعت دهنده تفریق می شدند.

بعداز چندین ماه خبرداده شد که فزیکدانان
ریکایی در «یخناس»چنین تجربه ای‌را انجام
دند . یعنی به استفاده از بالون های کیهانی
ستگاه مربوط رابه سرحداتو موسفیر بالا برده
داز انجام وظیفه دوباره به‌سطح زمین پائین
رده شده گروپ انتی پروتون های قید شده

دردستگاه با ارقامیکه علمای اتحاد شوروی‌در باره داده بودند مطابقت‌کردبه‌این ترتیب نتیجه حاصلهٔ علمای لنین گراد تصدیق شد.

نتیجه دومی وعمده این تحقیقات عبارت از اهمیت زندگی طولانی انتی پروتون هااست مطلب اینجاست که انتی پروتون های حاصل شده بطریقه مصنوعی ازسرعت دهنده (دستگاه تجربه) تقریبا ۸٥ ساعت زندگی دارند شاید هم بتوانند زیاد تر زنده‌بمانند ، هنوز بررسی دقیق درباره وجود ندارد . حقایق قیدشده‌راجع به انتی پروتون های تشعشعات کیهانی نشان میدهند که آنها حداقل میتوانند ده‌ها ملیون سال زنده بما نند. درباره اینکه آیا آنها فرستندگان ضد جهان حیه‌اند یاخیر ؟ چیزی نمیتوان اظهار نمود .

اگر شعاعات کیهانی‌دارای‌تغته های بزرگ انتی پروتون ها می‌بود ،فرستنده ضد جهان حیه میتوانستند تصور شوند اما آنها کم اند ، آنقدر وجود دارند که‌درنتیجه عمل متقابل پروتون عادی بامواد ظاهر میشوند.

این مطلب اساس ادعای‌رامیگذارد که‌اگردر نظام شمسی ماانتی پروتون وجود دارد طوریکه قبلا تذکار یافت مساوی به ۱بر ۱۰۰ فیصد مقداری عمومی مواد است .

این امر بیشتر به فزیك ستاره شناسی نیوترون ارتباط می‌گیرد. طوریکه معلوم است نیو ترون خا صیت قوه تحفظ عالی رادارااست این ذرات یعنی نیوترون از مواد باضخامت زیاد باحفظ تمام خصوصیات مربوط بخـــود میتوانند عبور کنند با حصول چین ذرات که‌در مسیر کیهانی چندین‌ملیون سال زندگی‌می‌کنند علما معلومات بیشتروهمه‌جانبه‌دربارهٔ موجودیت ضد جهان حیه میتوانند ارایه کنند .

مساله دلچسپ دیگر اینکه: اگـردرسرعـت دهندهٔ زمینی (دستگاه تجربه) ذرات بوجود

می‌آیند در عین زمان انعکاس
مشاهده میشوند این ذرات هم
می‌آیند ، تمام قوانین تناظر
بودند ذرات را در طبیعت تم
پس چرا جهانیکه مارا احتوا
از ذرات عادی تشکیل شده
هنوز به این‌سوال جوابی‌ارایه
آنهاهنوز نمیدانندکه چراطبیع
برای ماارزانی کرده که تنها
تشکیل شده است ونه‌ازمواد و
باره نظریات وفرضیه های
است . زیاده از صدسال قبل
نویسنده «لیویس کیرول»قصهٔ
در آئینه) را نوشت . آخر ا
درپشت آئینه و جهان است‌که
می یابد که‌نظر به‌احکام‌قوانین‌فزی
مارا احتواکرده اند به هیچ‌خص
نمیتوانند .اما علم امکان آنرا
از پشت آئینه و جهان در
پیش برود ؟؟

بقیه صفحه ۳٥

انکشاف ورزشها

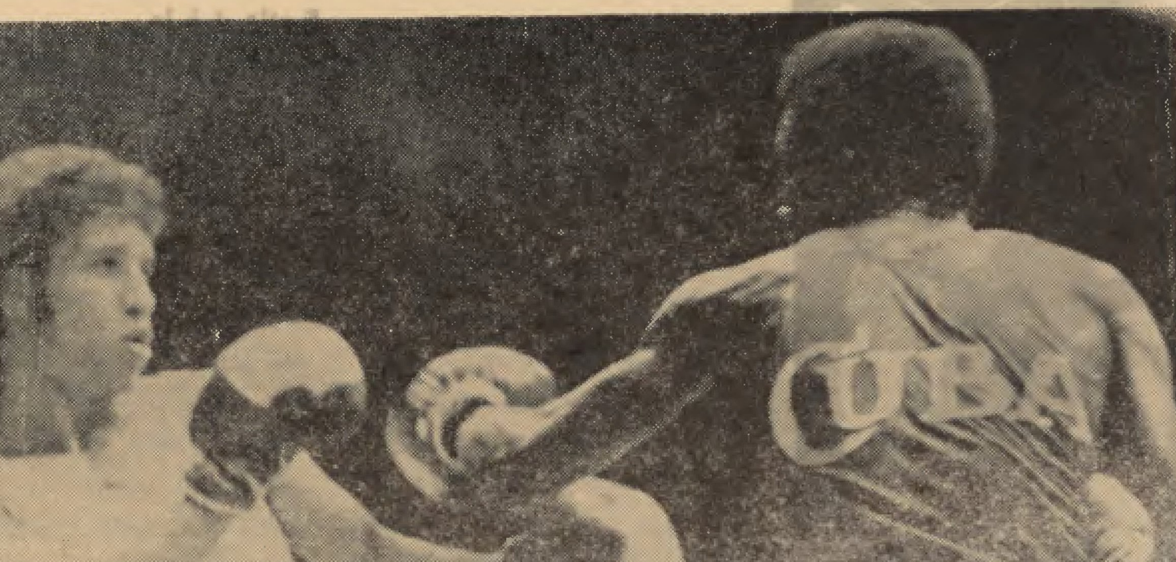
طوریکه در راپور هاند کار رفته نخستین
سابقات پهلوانی در شروع قرن نزدهم در
هر پولیدیف آغاز گردیده وسپس دامنه‌آن
سایر حصص آنکشور وسعت یافته است.
لوانان یونان قدیم گفته اندکه ورزشکاران
غاریا در رشته ورزش کشتی گیری مهارت
م دارند . کشتی گیران ترکیه در عصر
راطوری عثمانیه نیز اعتراف کرده که یورش
لوانان بلغاریا در حوزه بالقان شهرت خاص
ته است .

فدراسیون ورزشهای دو میدانی بلغاریا
سال (۱۹٦۲) یعنی دوسال قبل از شروع
ابقات المپیك در مونتریال واقـــع در
ادا چندین کلپ سپورت پهلوانی ووزنه
داری را افتتاح نمود ، گرچه در شروع
کلات بـــزرگی در جهت جذب تعـــداد
ب ها موجود بود معذالك در او اخر سال
۱۹٦) پس از باز گشت تیم وزن برداری
شور از بلگراد تمام معضلات حل وفصل

کشور های سوسیالیستی انجام پذیرفته‌است.

در طی سالهای (۱۹٦٤- ۱۹۷۹) درمسابقات توکیو، مکسیکو، میونیخ ومونتریال بیش‌از «٥٦» امتیاز بدست آورده است باز هم معیار امتیازات آنها در مسابقات المپیك سال(۱۹۸۰) چشم گیر بوده است . به عقیده دوشیزه (ت، پترو) که در مسابقات دویدن یکهزارو پنجصد متری المپیك مونتریال به گرفتن جایزه طلایی موفق گردید یکی از عوامل عمده وبزرگ پیروزی و موفقیت ورزشکاران بلغاریا در سپورت های دو میدانی‌همانا دوام تمرینات در داخل کشورو اشتراك در مسابقات ملی‌و بین المللی می‌باشد . برطبق پروتو کول هانیکه

درمورد انجام مسابقات ورزشی
اتحاد شوروی وبلغاریا باامضا
هرسال بیش از دوازده مسا
اشتراك ورزشکاران هردو کش
صوفیه صورت میگیرد . توقع
سال (۱۹۸۱) تیم های ورزشی
از ده مسابقه جهانی درقارهٔ های
وامریکا لاتین بعمل آید .



((اگر راست برایت بگویم هنوز هم فکر می‌کنم که مادشمنان عمری هستیم . باآنهم باتو د ست می‌دهم وامیدوارم که تو با و جود ا وامر اکید روزی به یك مو جود ا نسانی بدل شوی .)) آنجا را ترك گفتم . ریازنتسیف مرا د نبال کرد. وقتیکه در حویلی با او ایستاده بودم حس کردم که اشك به دور چشما نش حلقه زد .

پرسید :

((استیپان پتر ویچ ، در شهـر تاکی خوا هید ماند ؟))

((ممکن باز سری به ما بز نید خوب می شود . با و جود این‌کاری که داری ، آ دم با اطمینان به نظر می رسی))

((ببخشید من او راآزار دادم...))

((خوب گذشت .))

((چیزی است که من می خواهم آن رابدانم . شما کلمـات آدم سر به هوا را بکار بر دید . یعنی ا و متعلق به همین گو نه مردم هست))

((باشد. یانباشد . آنچه مـهم است این می باشد که وی متعلق‌به آن گروه مردمان هست که تو غرور شان را در هم کو بیده یی واوهرگز در برابر هیچ نیـرویی سر فـرود نیاورده هست .))

آنجا را ترك گفتم .

بخش پنجم

از آن پس ، به زودی او جهان‌را پدرود گفت . به جنازه اش شرکت نداشتم ز یرا در ما موریت پو لیس مصروف بودم . فقط پس فر دای‌آن، توانستم تا ر یا زنتسیف‌رابببینم . وضع بدی داشت .

او آدم قد بلند ، با چهره جد ی بود . در گذشته با من بر خورد پر از محبت داشت ولی آن بار مثلیکه گیچ شده باشد . دستم را گر فت که تکان بد هد و لی به زودی‌آنرا رها کرد و در حالیکه دور می شد بودم . ازان روز به بعد ، غم‌واندوه مانند خوره تنم‌را می‌خورد .

روز بعد سر ما مور پو لیس مرا صدا کرد :

((حالا می توانی بروی ، مکتوب هایت آمده است .))

دریکی از این مکتوب ها ، ا مـر شده بود که د ختر را باید به‌تبعید گاه های دور تر ببرم .

بسیار ناوقت !

خدا بر او رحم کرده بود ووی را نزد خودش خواسته بود !

... صبر کن این پا یان داستان نیست . در راه باز گشت، ما بـه يك ایستگاه میانه راه توقف کردیم.

وقتیکه وارد اتاق شدیم ، سما واری روی میز می جوشید . ازسروسامان اتاق معلوم میشد ، که زن پیر بـا سلیقه یی در آنجا موظف ا ست . خودش پیدا شد . او زن بـا ر يك، نظیف و ساده بود و سعی می کرد با هرکس رو یه خو ش دا شتـــه باشد ، و بقچه د لش نزد هر کس باز بود .

او یکرنگ قصه ز ند گیش را می‌گفت :

((ببین من خـانه میـراثی ر ا فروختم . کالا مالایم را جمع کر دم وحالا به سوی خانه کبو تر کوچکم روان هستم . از دیدن من چقـــدر حیران خوا هد ماند !

اگر راست بگویم از خوشی غش خواهد کرد . ممکن است مرا ملامت کند و لی با دیدنم همه چیز یا دش خواهد رفت . او از قهر ز یاد برایم نامه نوشت و دران گفت که هر گز پیشش نروم .))

مثل اینکه کسی به پهلویم‌ضربهٔ زده باشد . من با عجله به آ شپز- خانه رفتم از پا دو آ شپز خا نـه پرسیدم : ((این زن کیست ؟))

((کی بوده می تواند غیر ما در

((چپ باش ! سر و صدا نکن دخترك مرده است .))

ودخترك پادو که بار ها شا ه چنین حوادث اندوه بار بود، این‌با ناخود **آگاه دست هایش** را به هـ کوبید ، چیغ زد و دویده بیـرو برآمد . کلاه‌ام را بر داشتم وبیرو شدم . پیر زن هنوز هم با سرور شادی گپ مـی زد و صـدایش د گوشم طنین می انداخت . گفته‌نمی- توانم که چقدر د لم برای پیر ز سوخت و درد کرد .

باگیچی به راه افتادم و بسیـا بعد ایوانف با گادی به من ر سی وبه آن سوار شدم .

بخش ششم

... قصه همینطور بـو د سپس سرمامور جریان د یدنم را از خانه تبعیدی به بالا گزارش داد ودگرمنی که در کوسترو ما موظف‌بود به مقا های بالایی . این گزارش‌ها به‌بالا بالا ها ر فت و در نتیجه من‌ازترفیع ماندم . اگر راست بگویم من هرگز از آنچه انجام دادم ، باآنکه‌ازترفیع ماندم ، پشیمان نیستم .

باگذشت مدتهای زیاد ، هـنوز خاطره این دختر جوان از دفترذهنم بیرون نر فته است .

همین حالا که گپ‌می زنم او در برابر دیدگانم قرار دارد .

این چه معنی دارد ! کی می تواند آن‌را توضیح بد هد !

((آقا ، خواب نرفتی !))

خواب نبودم ... اندوه‌کلبه کوچك درانبوه جنگل فرو رفت و تصو یر غم آلود دختر مرده دردل تاریکـی وفریاد زوزوه تو فان، جان‌گرفت... یاد داشت :

ایـن دا ستان در مـارچ ۱۹۸۰ وقتیکه کورلنکو در زندان مو قـتی ویشنی- ولـو چك منتظر حر کت به تبعید گا هش در سا یبریا بود، نوشته شده است : این قصه‌رایکی

شگفتی های رنگ جهان

...ستور یونیسف در مورد معیوبیت اطفال

یونیسف برنا مه گسترده‌ایرا
ره جلو گیری از معیو بیت ها
ی معیو بیت های اطفال براه
ته است . این برنامه‌برمطالعه
توسط (کمیته بین المللی‌احیا)
ک سازما ن غیر دو لتی و در
ل معیو بین و معاونت تخنیکی
عالیت های یونیسف در این
تخصص دارد ، تهیه نموده
مده است .
در عین حا لیکه از اهدا ف
(سال بین المللی اشخاص
ب) حمایت میشود در فعا لیت
یونیسف تو جه خا صی به
مندی های اطفال معیو ب و
اده های شان مبذول خواهد
ت . سترا تیژی عملی‌جلو گیری
و ب شدن اطفال، یا کا هش
ثیر آن ، که از طرف هیئا ت
یوی یونیسف‌مورد تصویب‌قرار
ه ، میتواند برای کشور ها
ی بهبود استعداد ملی شان در
جلو گیری و مدا وای معیو بیت

۱ـ جلو گیری از معیو بیت های مدهش ملیو ن ها طفل ممکن بود .

۲ـ اطفا لیکه با نقص های جسمانی ، ذهنی ، عصبی، مصاب اند غالبا از تو جه اساسی‌وانگیزشی که همه اطفال در راه رشدوانکشاف خود به آن نیاز دارند محرومند .

۳ـ انقطاع پرو سه عادی انکشاف طفل ممکن است صد مه مد هشتری را نظر به آنچه معیوبیت بتنها یی مو جب میگردید برای‌طفل بار آورد .

٤ـ عوامل عمده صد مه ها ومعیوبیت ها عبار تند از غذای نا کافی ، مشکلات در مو قع تولد، بیماری های قابل جلو گیری، تصادمات و آلود گی میباشد که‌مخصو-

صا اشخاص بی بضاعت و آنانی‌که بخد مات بشری کمتر د ستر سی دارند به آن موا جه میگردد .

٥ـ بدنیا آمدن طفل نا قص‌یا وقوع معیو بیت میتواند بر تمام خانواده بار بیشتری تحمیل نماید. این مو ضوع میتواند استعداد خانواده را برای زندگی اقتصادی کاهش دهد و ممکن است آنرا در گرداب فقر غوطه ور سازد .

٦ـ صرف گاه گا هی برنا مه های بهبود زندگی کود کان‌وخانواده های شان از نگاه صحت ، تغذ ی، آمو زش اساسی، رهنمای خانواده و بهبود اجتماعی نقش ارزنده‌شانرا در جلو گیری و کا هش معیو بیت ایفا نماید .

۷ـ بصورت عموم در حصه مو جبات اساسی معیو بیت ، جلو-گیری ازان وامکانات احیای آ ن بی خبری حکمفر ما ست که در نتیجه آن خانواده ها و جوامع در سراسر جهان بی جهت اطفال خود رامعیوب ونا قص میگر دانند .

درباره‌مطبوعات جهان چه‌میدانید؟

قرار معلوماتی که نشریه رسمی «یونسکو» ... ...

درازترین ...
جهان

افتخار داشتن رکو...
ناخن دنیا نصیب «مور...
اهالی کلکته هند و ست...
موراری طی ۱۲سال ...
های دست چپ خو...
سانتی متر بلند کند د...
موراری طی ۱۲سال ...
نکرده است .

ستراتیژی ...

جهت مسا عی ...
وضع مو جوده بـ رنا ...
خواستار چندین سطح ...
بوده که عبارتند از : ...
۱ـ توسعه همه ...
جاریه صحی ،تغذی، ...
اجتماعی برای اطفال ...
شان در راه جلو گیر ...
مراقبت از معیو بیت ه...
آن و مدا وا واحیای ...

عشق چیست

ی زن و شو هر روان‌شناس
ی شکل ظاهر و عاشق
کردند برطبق ا ین‌آمار
بلند، شکل کوچك اندکی
روی جذاب هستند بیشتر
ر ها قرار می گیرند این
وش ذکاوت و شخصیت‌کمتر
ختر واقع می شوند و آنند
دام عاشقانه گسترده می‌–
مرد های عضله‌ای از این
بیشتری مواجه می شوند
که افراد هو شمند و با
یرا ورزشکا ر بود ن و
رای هر دختر ی جذ ا ب
.

که دارای پستان های‌بزرگ
جلب نظر مردی می پردازد
کشد مجله های زنانه ز یاد
کار است مرتبا قرار ملاقات
مقابل د ختری که پستانهای
در جلب نظر مردی دا ر د
لات مذهبی است و تاحدودی
ر است .
عشق این دو روان شناس
و غریبی هم آمده است مثلا

ن است و با سن بزر گ
شوهری ا ست که بتواند
حا کمیت داشته و به و ی
در مقابل دختری‌که باسن‌کوچك
ارد خوا هان مردی است که
امر کردن را نداشته باشد
ق بورزد جدی و پول درآور
بط بازنها خلق و خوی دمو –
باشد .
شق تاکید شده : د خترخوش
جوی مردی می پردازد که
ت و تر قیات ا ست وتمایل
های سیاسی و ا جتماعی

بدن ونحوه اندازه ترشحات
یدایش عشق بین یك پسر و
زند یك پسر یا یك د ختر
ه و تر بیت شده تصور می –

این هورمون در بدن مرد خیلی ز یادنیست ولی این را میدانیم که ((تستو سترون)) موجب تحریك جنسی مرد می گردد و لی نقش مهم تر و عجیب تر آن اینست‌که مرد را برای زن خواستنی تر می کند خواه‌زشت باشد یازیبا ا ما اینکار به چه صو ر تی انجام می پذیرد هنو ز بر ما کا ملا

روشن نیست که‌یك عقیده ز یست‌شناسی بر این است که هیپنو تیزه افسون میکند وبه همین جهت در مقابل مردی که این کشش را دارد چه زشت ، چه زیبا ، گا هی قدرت مقا و مت را ازدست میدهند .

در آز مایشی که‌روی میمون ها شده‌است معلوم گردیده که از د یاد هورمون ستستو وسترون میمون نر مو جب جلب غیر ارادی میمون ماده به سوی او می گردد و در مقابل وقتی از طریق جراحی غدد مو له تستو سترون میمون نر از بدن او خارج میگر دد دیگر هیچ میمون ماده‌ای به او اعتنائی‌ندارد. پس غده مذبور ب ه‌طور اسرار آمیزی موجب ایجاد کشش نامرئی بین نر وماده میشود .

یکی دیگر از مواد شیمیائی مو ثر ‌عشق وعاشقی ((فر مون)) است که انـو ع مختلف دارد و سبب بوی بدن می باشد. فرمون در مرد و زن و یا در تمام حیوانا ت نر‌وماده تولید می‌گردد واینك ثابت شده است که بوی ناشی از آن در به هیجان آوردن جنس مخالف در انسان نقش فوق – العاده موثری دارد .

البته کشف تاثیر فرو مون در نسا ن‌که دارای شامه بسیار قوی نیست و د نیا ی خارج را بیشتر از راه چشم درك می کند کار مشکلی است با و جود این ثابت شده است که زن ها بر خی بو هارا بهتر از مرد هادرك می کنند وخیلی اززن ها معتقد اند که بوی بدن مرد مخصو صا بوی ز یر بغل کاملا تمیز و شسته شده مرد برای شان یك بوی بسیارمطبوع و احساسات بر انگیز است دراین جا نیز میزان حساسیت شامه ز ن وسلیقه او را در نوع بو تعین کننده‌میزان علاقه‌ای که نسبت به یك مر د پیدا می کنند ویا لااقل در پیدایش این علاقه نقشی دارد. به همین جهت است که اخیرا عطر هائی در پاریس سا خته اند که بوی طبیعی بدن از آنها به مشام میرسد .

در گزارش عشق هم چنین ذکر شده‌است
عشق یك حادثه اسرار آ میز ا ست
در افراد مختلف حالات واثرات گو نا گو
دارد و غلط است اگر بخوا هیم در با
آنهابه طورکلی حرف بزنیم هر عشقی
رنگ و بوئی دارد و این مر بوط به حال
روانی طرز ترشح غدد بدنها وامواج نا مر
است که بین عاشق و معشوق رد و ب
می شود بعضی از مرد ها و بعضی از ز
هستند که بدون آ نکه از زیبائی خارق
العاده بهره مند شده باشند و یاشیك پوش
ترین و با سلیقه ترین مو جو دات با شد
مع‌الوصف به هر جا که قدم بگذا ر ن
چشم و نگاه جماعتی را به سوی خود م
کشانند و لبخند و تبسم دو ستانه بد ر
راه آنها می شود . این زن ومرد ها را
روانشناسی ((قطب جا ذبه)) می خوا
واکنون ثابت شده که این جما عت ازل
کیفیت جنسی و رفتار جنسی ، از نوع‌خا
وجنس بر تر هستند و بدون آ نکه خودش
تظاهر کنند این بر تری و جذبه در نگ
ورفتار آ نها ظا هر میشود و جلب تو ج
می کند .

بقیه صفحه ۱۹

اعتیاد بادویه مخدره...

حیات شان باستعمال ماری جوانا مبادرت

افراد باین ادویه خطر ناك صورت می گیردو علل اصلی اعتیاد بادویه مخدره که عبارت از فقر ، غربت و لگردی ، بیکاری ، فحشاء وغیره است از جامعه ریشه کن شده وجوانان

میتوانند با اطمینان در مورد داشتن شغل وکار در آینده از هر فرصت در تا مین اهداف مفید انسانی خو یش استفاده کنند . و از تسهیلات گوناگون مستفید گردند .

یك فکتور مهم دیگر در زمینه عبارت از تمرکز صنایع ، ادویه سازی و دواخانه ها در دست دو لت است که به مو جب آن تعمیم و مقدار تو لید ادویه مخدره‌محدود به نیاز مندی های طبی و علمی بوده و خرید

چنانچه درسال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ تحت پروگرام مؤسسه صحی جهان سیمینار هایی در مورد کنترول ادویه مخدره و جلو گیر ی از استفاده تر کیبی این ادویه در مسکو و جمهوریت های آسیای مرکزی اتحادشوروی

این امر به پیمانه بزرگ مر هون شرایط مساعد اجتماعی یی است که با تاسیس اولین دولت بزرگ کارگری جهان و پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر میسر شده است .

با ارتباط به مؤثریت اقدا مات علیه تعمیم ادویه مخدره باید گفت هر جا که کوشش جدی و هم آهنگ به سویه بین‌المللی در زمینه صورت گر فته و کشور ها ی

نتایج و تحقیقات کمیسیون نشان مید
تجارت غیر قانونی ادویه مخدره اخیراً در

کشور های غربی توسعه یافته قاچاق
از تکتیك های ماهرانه درمورد استفاده‌میک

اتحاد شوروی مهمترین کنوانسیون ه
مربوط به کنترول برادویه مخدره را ا
و تصویب کرده‌است . این کشور یك س
فعال را در امور کمیسیون ادویه مخدره
نموده ، پیشنهادات متعدد ، لوایح وفی
نامه های مهم در زمینه ارایه کرده‌است

طور مثال این کشور پیشنهادات س
مند در مورد کنترول جدی تنوع ادو
مخدره و منع تو لید هروئین و استعم

آن به مرجع مربوط ملل متحد پیش ک
که مورد قبول وتصویب نیز واقع شده

ولی متاسفانه با تر میما تی که بنا بر ا
کشور های غر بی و اساسا ایالات متح

طوفان برف

پیوسته بگذشته

در یك دقیقه تمام جاده از برف
شیده شد . اطرا ف در یك‌ظلمت
د رنگ تیره مستور گر دید که
خلال آن پاغنده های بر ف بـه
حله پایین می آمدند و گویا آسمان
درا بازمین یکجا ذوب نموده بود
«ولادیمیر» از جادهٔ منحـر ف
دید ونا امیدانه کوشش می کرد
را دوباره بیا بد . اسپ بصورت
ادفی وبدو ن هد ف پیش میرفت
در هر ثانیه یابا وزش دانه هـای
ب مصاد فمی شد ویا درگودال
ی پربرف فرومی رفت. کا لسکه
ی در هر دقیقه بدیگر رو می‌شد
لادیمیر» کوشش میکرد تاسمت
ــــی را بگلــــی کـــم
د . اما نیم سا عت گذ شت و
هنوز به جنگل کوچك «شادرینو»
سیده بود . ده دقیقهٔ دیگر نیـز
ست ولی از جنگل هنوز اثر ی
دار نگردید .
ولادیمیر» با گادی خود با لا ی
مزرعه پیش میر فت که ذریعهٔ
ال های عمیق پر بر ف قطع‌شده
طوفان بر ف از شد ت خـــود
ت وآسما ن رو شن نگر دید.
روبه خستگی میر فت وخودش
ودی که هر لحظه تاکمر دربرف

راست به راه پیمایی آغاز کـــرد .
اسپ خسته شده وبه زحمت قادر
به پیشروی بود . زیاده ازیك‌ساعت
بود که اوراه می پیمود ،«شادرینو»
باید دور نمی‌بود، امـا او پیشـ
میر فت وپیش میرفت وسطح مزارع
به آخر نمیر سید . همواره در اثر
وزش باد و بارید ن بر ف و ضمنا
گودال های عمیق ، کالسکه کو چك
بدیگر رو می شد واو در باره‌آن‌را
سر جایش بلند می کرد . لحظـــات
سپر ی می‌شد و«ولادیمیر» جـــدا
شروع به تشو یش ونارا حتی‌کرد.
آنوقت به یك سمت خود چیز
تاریکی را مشاهده نموده و به‌همان
سمت راند . هنگا می که نزدیکتر
شد یك جنگل کوچك را تشخیص
داد وباخود فکر کرد :«خدا را شکر
اکنون دیگر راه دور نیست .»اوبه
امتداد جنگل کوچك راند به ایـــن
امید که بزودی به جادهٔ آشنا بـــر
خواهد خورد ویا به دور جنـــگل
خوا هد گشت و «شادرینو» در عقب
آن قرار داشت .
بزودی جاده را یافت ودر تاریکی
در زیر درختان عریا ن زمستا نی
براهٔ خود ادامه داد . در اینجـــا
باد آنقدر به شد ت نمی وزید .

گردید . اسپرا قمچین کرد .حیوان
بیچاره اندکی سریعتر به دو ید ن
آغاز کرد. اما بزودی از مقاو مـــت
خود کاست وپانزده دقیقه بعد با
وجو د تمام مساعی«ولادیمیر» باقدم
های آهسته حر کت میکرد .
آهسته آهسته انبوه در ختـــان
کمتر گردید و «ولادیمیر» از جنگل
بیرون آمد . «شادرینو» در هیـــچ
جایی به نظر نمیرسید و اینك باید
نصف‌شب فرامیرسید. اشك‌در چشمان
«ولادیمیر» جمع شده بود واو بـــه
صور ت تصاد فی پیش میر فت .
فضا ی طوفانی اند کی آرا مگرفت
وابر ها از همدیگر پاشیده شدند.
درمقابل او دشتی مانند یك لحا ف
سفید موجدار گسترده شده بود ،
شب تقریبا روشن بود .اودرنزدیکی
مقا بل خود یك دهکدهٔ کو چـك را
مشاهده کرد که از چهار ویا پنـج
دهقانخانه تشکیل شده‌بود وبه‌همان
سمت روان گردید . در مقا بل‌اولین
کلبه از کا لسکه بر فی پایین پرید
به طرف پنجرهٔ آن دوید و تك‌تك
کرد. بعد از چند دقیقه کلکین‌چوبی
باز گردید وسر و کلهٔ یك پیر مرد
باریش سفید از میان آن نمو دار
شد .

وحشت زده مو های
ومانند یك انسانی ک
محکوم شده باشد ،
خیره گردید .
پیر مرد سوا ل ک
ـوتو ازکجا می‌آیی
«ولادیمیر» دیگر ع
که به سوا لی جوا ب
ـ آیا میتوانی برا
«شادرینو» اسپ تهیه
دهقان پیر جوابداد
ـ ما چگو نه میتوا
داشته باشیم .
ـ آیا میتوانم یك ر
باشم . من هر قدر پول
برایش میدهم .
پیر مرد در حالیکه
بست گفت :
ـ صبر کن، من‌پسر
میفرستم .او ترا رهنم
کرد.
«ولادیمیر» انتظار ک
هنوز یك دقیقه سپر ی
که دوباره تك‌تك زد .
شد وریش پیر مرد از
ظاهر گردید .
ـ چه میخوا هی ؟
ـ پسر ت چه شد ؟
ـ بزودی می آید . او م
خودرا می پوشد . آیا خ
پس داخل بیا وخود را
ـ تشکر ، فقط پسر
روان کن .
درب با صدا ی برو ی
ویك مرد جوا ن در حالی
در دست داشت بیرو ن
باطر ف راهٔ پربر ف اشار
به پیش افتاد .
«ولادیمیر» پرسید !
ـ ساعت چند است ؟
دهقان جوان جوابداد
ـ بزودی هوا روشن
«ولادیمیر» دیگر یك کل
هم نزد .
هنگامیکه به «شادرینو»
خروس ها آواز میدادند و
شده بود. کلیسا بسته

یلو ویچ»با یك کـلاه و
ی و «پراسکو یا پتروفنا»
وش خواب پنبه ای .
اده شد و« گاور یلا گا ـ
» خدمه رافرستادتاصحت
. یلو فنا» را پرسیده و
بیاورد که آیا شب را
ه است ؟ دختر ك خدمه
طلاع داد که اگرچه ما ـ
وب نخوا بیده است ،اما
ب است وهمین الا ن به
ن حاضر می شود.حقیقتا
حظه در ب باز گردید و
یلو فنا» داخل‌شد تا به
خود سلام بگو ید .
یلاگاوریلوویچ» پرسید :
ورد ت چطور اســت ،

جوا ب داد :
است ، پدر عزیز !
یا پتروفنا» گفت :
دیشب از بوی ذغا ل
ه‌ای .
را ب داد :
همینطور باشد ، مادر!
ن کدا م اخلا لی سپری
در شب «ما شا» مریض
یك نفر را به شهــــر
ا دوکتور ی بیــاورد .
ب های شا م رســید و
حا ل‌هذیان گو یی‌یافت
ی تب شدید ی بسر می
بیچاره دو هفته درا ز
وزند گی قرارداشت .
در خانه از همچو یك
جا مواقف نگردیـــد .
در شا م قبل تحر یـر
، همه سو ختانده‌شدند
ه از ترس اینکه خشــم
ب خودرا بر انگیـــزد
و چیزی گفت ، کشیش
، مسا ح برو تی وسر
که می بایست شا هدین
همه سکو ت کردند ،
ی حق السکو ت ،«تیـر
ران» هیچو قت، حتـی
سه و مستی نیز یـــك

بستراو دور نمی شد از جملات او چنین استنباط کرد و نتیجه گرفت که دخترش فو ق العاده عاشـــق «ولادیمیر نیکو لا یویچ» است و به این‌منا سبت عشق اساس این‌مریضی می باشد .

اوبا شوهر خود و بعضی همسا ـ یگان مشوره و مذاکره‌نموده‌وبالاخره به این نتیجه رسیدند که ذریعـــهٔ اسپ هم نمیتوا ن از این‌داماد فرار کرد و غربت وبی بضا عتی کـــدام عیبی نیست واینکه انسا ن باثروت نه ، بلکه با انسا ن زند گی میکند واز اینگونه پروبلم ها زیاد دیــده شده‌است .

ضرب المثل ها ی اخلا قی در مواردی که خود انسا ن راهٔ حـــل مشکلات را نیابد ، خیلـــی مفیـد واقع می شوند .

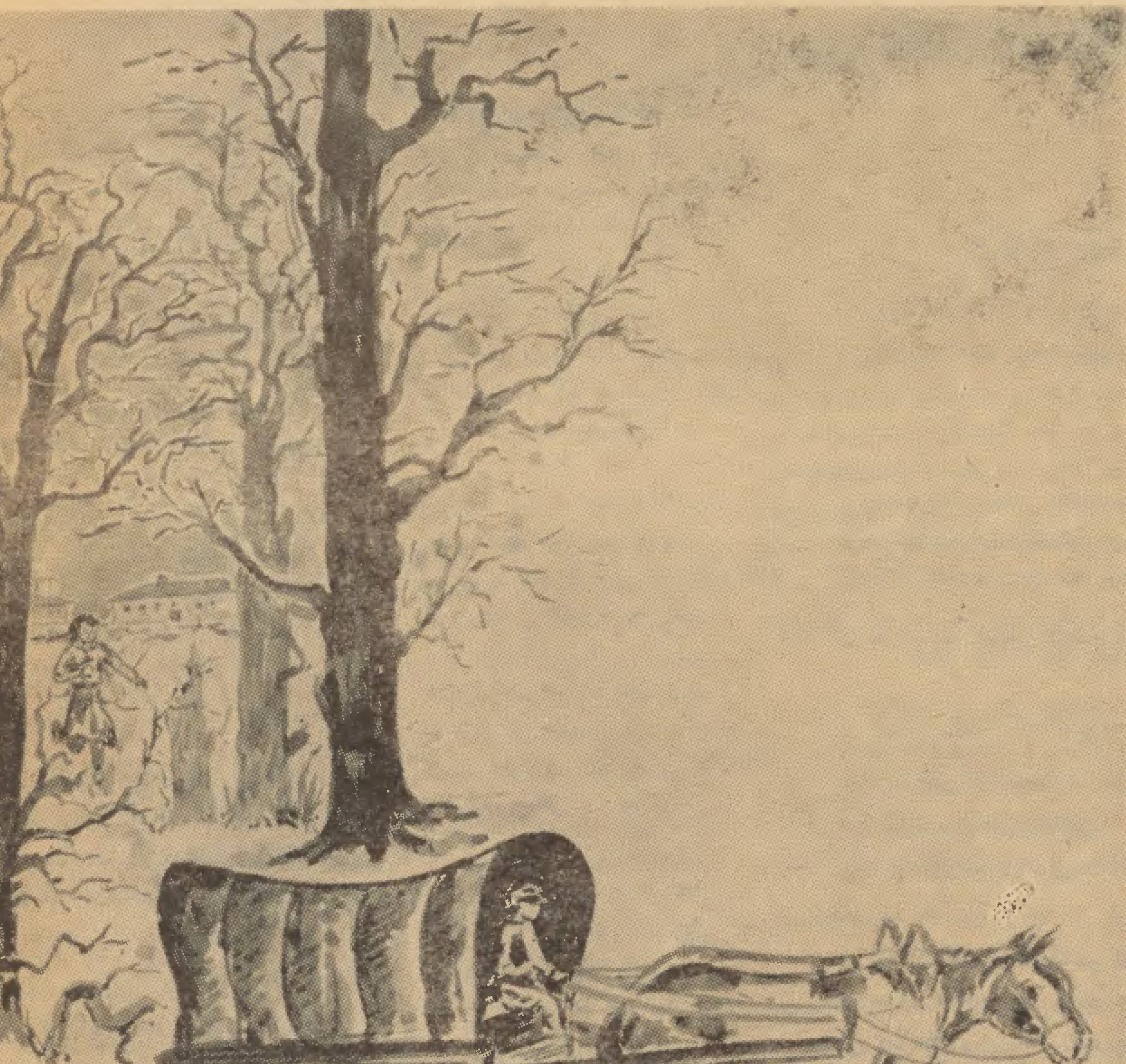
آهسته آهسته دختر ك دوباره صحت یا ب گردید . «ولادیمیر» را از مد ت‌مدید ی بدینطر ف دیگـر درخانه «گاوریلاگاوریلو یچ» ندیده بودند . او به نسبت همواره‌پذیرایی های خرا ب ترسیده بود و دیگـر در منزل آنها ظاهر نشد آن وقـــت تصمیم گرفته شد تانزد او بفـر ـ ستند واین خبر سعاد ت آمیز وغیر منتظره رابرا ی اوبد هند :«رضاییت والدین برای ازدوا ج»اما تعجـــب مالکین «نینا رادوفو» چقدر زیـــاد بود ، هنگا میکه در جوا ب دعو ت نامهٔ خود یك مکتو ب در هم وبرهم ونیمه دیوانه از او حاصل کردند . او در مکتو ب نوشته بود که دیگر قدم به خانهٔ آنها نخوا هند گذاشت

وخوا هش کرد که این بد بخت
فراموش کنند، مرد بدبختی را
یگانه راهٔ امید او مر گ است
از چند روزی فهمیدند که«ولادی
به خدمت سر باز ی لشکر باز
است . این موضو ع درسا ل۲
بوقو ع پیوست .

خیلی دیر جر ئت نکردند که
واقعه را به اطلاع «ماشا» که‌اک
صحت یافته بود ،برسانند . ام
چند ماه بعد « ماشا»نامش‌رادرلس
مجرو حین شدید جنگ« بورود
یافت واز هوش رفت . همه از
می ترسیدنه که او دوباره دچـ
تب شدید خوا هد گردید .

اما خوشبختا نه این بی هو
کدام نتیجهٔ وخیمی نداد .

ناتمام



رباعیات

سلیم شاه برزین

کابل که میان گل وآب افتاده است
حسنش ز جهان آفتاب افتاده است
از دیدن روی خوا هر او بز مین
بی چاره د لم در انقلاب ا فتاده است

• • •

خورشید ر خت بدید و نور افزا شد
مه از رخ خورشید جهان آ را شد
گل بر رخ مه پر تو حسنت دیده
بشگفت خدای بلبل گو یا شد

• • •

شیرین بزنی چو دست بر د ستك در
آواز برآورد داد از بند جگر
که ای جان جهان قفل مزن خانه‌عشق
من وا نشوم غیر تو بر شخص دیگر

• • •

در پیکر عشق ر یخت جان من و تو

راه تو به سوی چشمه نور افشان باد
راه تو چو روی صبحدم خندان باد
آن کوزه که در دست سفیدت باشد
بر تشنه دیدار تو جاویدان باد

• • •

بوی خوش خر بوزه ز پالیز آ مد
شیرین قد و لب شکر شکر ریز آمد
از حاصل عمر دل چه خواهی دیگر
بردرگه تو بخت سحر خیز آ مد

• • •

ای چشم سیه که چشم شهلا داری
باچشم سیاه خود تمنا داری
شستی تو مگر که چشم در چشمه عشق
کین دیده پر خمار و زیبا داری

• • •

بایاد ر خت قدم در عالم بزنم
از عشق تو خنده بر سر غم بزنم
من بی تو ازان خنده کنم با دیگران
تایك‌نفس جدایی بر هم بزنم

• • •

پر خوف ز راه عشق را هی نبود
سنگین تر از آه هجر آ هی نبود
از ترس جان به جانان دادن
در دهر بزرگتر گنا هی نبود

• • •

آنان که کند ندا بگوید به گذار
از شاعرم عا شقم دوست نواز

• • •

بی دوست قدم به دهر نگذارم من
بی دوست ره حیات نسپارم من
روزی که کشم نفس در عالم بی دوست
آن روز ز عمر خویش نشمارم من

• • •

هر کس به روی د هر تن پرور شد
بیگانه ز خلق خویشتن پرور شد
تنها نبود ره زن آمرغ بختش
اوره زن اقبال و طن پرور شد

• • •

بی سو زش دل در عالم اختر نشوی
بی مهر ووفا عزیز دلبر نشوی
این راه دراز و پر خطر گفت مرا

که ای لب برسان بر دل
کز تاقت تو رسید این ج

• • •

صد معجزه در بهار پر آ
صد ساز طرب به شاخ
بااین همه معجزات در رو
شادی بزرگ آدمی از کا

• • •

در هر گلخن ره حیات ا
در هر گرداب صد نجات ا
امید ر ها صد بلایت بکن
نومیدی تو راه ممات است

• • •

آب که زقله بد خشان آ
از دیده آفتاب سابان آ
تاچشم مه بد خشی را بو
سر را بزند سنگ غلتان

• •

آنان که بفرق کوه را هی
با آرزوی مهر گیا هی ج
از مرگیاح عشق چون بی

دشمن هوشیاری

صورت گـر نقا شم هر لحظه بتی سازم
وانگه همه بت ها را د ر پیش تو بگذا رم
صد نقش بر ا نگیزم بـا ر و ح درآ میزم
چون نقش ترا بینم در آ تشش ا نـدا زم
تو ساقی خماری یا د شمن هـوشیـاری
یاآنکه کنی و یران هر خانه که من سا زم
جان ر یخـته شد با تو آ میخته شدبـا تو
چـون بوی تو دا رد جان جا نرا هله بنوازم
در خانهٔ آب وگل بی‌تست خراب ا یـن د ل
یا خانــه در ای جـان تا خــانه بپردازم

« جــامی »

ه ۲۸

گئورگی دیمتروف

ت شخص خود بحیث یـك فــرد
فاع می کنم من از محتوا و مجموعهٔ
ود دفاع می کنم .
محکمه گفت از بیا نات گئورگی
شود که وی صرف به وضع حزب
بلغاریا تو جه داشته در حالیکه
دفاع از حزب کمو نیست آ لمان
است .
ب جواب داد :
ر نیس من بمثابه یك ا نقلابـی
ه نهضت ا نقلابی سراسر جهسان
. مثلا من بو ضع سیاسی ا مر یکای
م علاقه دارم با وجود آنکــه هیچگاه
ه ام شاید از و ضع سیاسی آنجا

ناروا وارد آورده اند ، مورد جزا قرار بگیرند وخساراتیکه بر آنها وارد شده ، جبران شود اما این همه پیشنها دات د یمتروف مورد قبول واقع نشد ومحکمه دیمتروف ویارانش را فقط بعلت (حفــظ دلایل کافی) بـرائـت داد و بدینصورت قصر خیالی سران دو لت آلمان که می خواستند خود را قهر مـا ن «نجات تمدن ارو پائی از خطر بلشویزم » وانمود کنند ، فرو ریخت .

دوران پس از محاکمه :

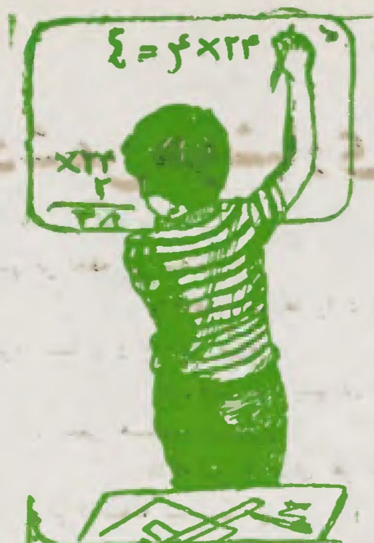
دیمتروف تبرئه شد ا ما از زندان رهایی نیافت ، جلادان فاشیست وی را بز ندا ن بر لین انتقال دادند ، همینکه بیمار بــود، هیچکس به تداوی وی اقدام نکرد ، باز هم سیل اعتراضات پیام ها بسوی آلمان سرازیر شد ، خود وی هم تقاضا کرد که او را به بلغاریا بفرستند و لی دو لت فاشیستی بلغاریا اعلام کردکه وی از تابعیت بلغاریا

شوروی تبعید کرد . مادر قهر مانش در ماسکو باپسرش ملحق گردید و مورد پـذیـرایــی گرم قرار گرفت .

جنگ دو م جهانی آ غاز یافت ، ا یـن جنگ د شوار ترین و خو نین ترین جنگی بود که جهان بخود دیده است . ر هــبری هتلری نابود سا ختن نظام سو سیالیستی و امحای فزیکی مردم اتحاد شوروی و به چنگ آوردن سرزمین‌ها و ثروتهای ملی آنرا هدف خویش قرار داده بود ، فاشیزم آ لمان با هیـات حاکمه کشور های ا مپر یالیستی می‌خواستند راه را برای بر قراری سلطهٔ خود برجهان هموار سازد .

در اواخر سال ۱۹۴۲ در نتیجه تلاش ها

جبهه میهنی بر قرار گردید .
باید یاد آور شد مبارزات مسل
بلغاریا علیه سر مایه داری و فا
واتحاد نا مقدس دو لت فاشیستی
و دولت فاشیستی هتلری درسال
۱۹٤٤ به اتحاد طبقه کارگر تحت
جبههٔ پدر و طن در راس حزب
بلغاریا شدت بیشتر یافت . مارش
قشون ر هایی بخش کشور شور
رومانیا ، در یای دانیوب و مرز
برضد فاشیزم هتلری جا نبا زانه
انداخته شده بود ،شرایط مسا ع
ونظا می خارجی را برای قیام نه
۱۹٤٤ مساعد گرد ا نید که در فر
به شکست قطعی رژیم بورژوازی،
وایجاد دو لت توده ای بلغاریا گر
ودر اثر این همه مبا رزات پیگیر ،
مردم بسوی ا عمار جا معه نوین
گردید .
در ۲۱ اگست ۱۹٤٥ ، که آلمان
سرکوب شده بود ،گئورگی د یمت
میهن عزیزش باز گشت و ز مام‌د
او سپرده شــد یکسال بعد ، همه
عمومی در جمهوری توده ای بلغار
گرفت و مراجعه به آراء عمومی ،
کمونیست بلغاریا در حدود ٥٥ ف
را بدست آ ورد و می توانست
حکومت را تشکیل کند ا ما در اثر
خرد مندانه د یمتروف یك حکو م
باشر کت جبهه ملی بوجود آ مد .
جهت صنعتی شدن و اعمار جا معه
پنجم حزب کمونیست که درآن رهب
خلق بلغاریا و مو سس جبهه پدر
دیمتروف به صنعتی شدن کشور و
شدن سو سیا لیستی ز راعت ا
تاکید ورزید ، به تدریــج ، روبه
نهــاد .
دیمتروف ، بیمار شد ، بنیه وی
تحلیل رفته بود ، برای معا لجه
رفت ولی بی ثمـر ، در روز نهم
سن ٦٧ سالگی ، چشم از جهان بس





اطفال امروز

کودکان امروز رسالتمندان فردا

کودکان امروز که به یقین مردان و زنان مسوول جوامع بشری فردا راتشکیل میدهند پس لازم است که والدین در مورد صحت وسلامتی و پر ورش رو حی و جسمی آنها توجه جدی نما یند زیرا اگر این نهال های کوچك و محتاج پرورش امروز تر بیتسالم تغذیه درست و صفا و صمیمیت نبینند واز تربیت درست خانوادگی واجتماعی بهره مند نگردند پی آمد و اثر تربیه نا درست د ر کرکتر و شخصیت آ ینده آ نها تاثیر منفی نموده و اجتماع فر دا و نسل های بعدیمارا نکوهش و سر زنش خواهدکرد .

اما اگر از اطفال امروز پر و رش جد ی ومراقبت خوب به عمل آید ونتایج بعدی آن مثبت ارزیابی شود ، قضاوت آیندگان نیز نیکو وارزشمند خوا هد بود .

ازین گذشته با حد اقل تو جه و عا قبت اندیشی می توانیم جا معه فر دا را سعادتمند ودلپذیر سازیم و یا با کمی بی توجهی و

وباارزش تهیه نمایند و انسان بودن ومکمل بودن رابه این خلاصه مینمایند ، بلکه باید بدانند که روشن بینی و ضمیر آگاه انسانها جوهر اساسی وشخصیت ذاتی آنهارا تشکیل میدهد وباید از همان آوان کودکی و نو ـ باوه گی کودك را چنان پر و رش و تر بیت دهند که باضمیر آ گاه و وجدان پاك دراعمار جامعهٔ شان بذل مساعی و ر سالتومسوولیت شانرا عمیقا درك نمایند برای درك ا یسن

موضوع در پهلوی تر
کودکان تعلیم بیا مو زی
مشعل سواد و دانش باخ
نمائیم و بر فا میل های
موضوع مطالعه وآموزش
ممکن سازند وبکوشند ت
مطالعه برای اطفال باشند
درك و گر فت و ذهنیت
بگیرند با یك ر هنمایی
خوب کو دکان در امر مط
و مطالعه را طــوری به
ذهن نشین سازیمکه مان
حتمی تصور نمایند . پس
که چنین ما دران و پدرا
رسالت خویش پیروز م
آمده اند .

این‌نظر و عقیده انسانی
می تواند که پد ران و م
خویش به دانش و جهان
مطالعه همیشگی علاقمند با
وظایف شبا روزی انجام د

واین نظر در مورد خا
صدق می کند که لااقل ک
ما میدانیم که جا معه قص
ما که اکثر یت والدین از
کافی ندارند و رنج همش

سوگند

سو گند بنام پاك تو ای مادر وطن
سوگند به قهرمــانی فرزند خوب تو
سو گند به نام نامی امالبلاد بلخ
سو گند به نام غزنه و پا میر پرشکوه
سو گند مرا به اشعهٔ زریــن آفتاب
سوگند به نور اختر شبگرد آ سمان

سو گند به حسن و صورت پر و یــن وکهکشان
سوگند به پتك و بازوی مردان کار گر
سو گند به دستهای پر از زخم برزگر
سو گند مرا به قا مت خم گشته چــون کمان
سوگند به پا برهنگی یی طفل بی پدر
سوگند به آب د یده آن مادر غمین

دن نان و لباس خیلی‌ابتدایی
ین اشخاص محروم ، رنج -
می توانست در موردکودکان
بیند یشد و جهل وبیسوادی
آ نها دور نماید .

نچه مطلب ا ساسی‌را می -
ی کو دکان ا ست که باید
شود و والدین مسوول اند
ت بادولت انقلابی شان درین
نمایند همان طو ر یکه دولت
ست وزندگی رابرای کودکان
و آ رزوی سعادت وپیروزی
فا میل های محترم نیزدرین
خویش را دردست انجـــام

ی که در شیوه آ مو زش و
ش از تجارب‌وشیوه عملکرد
فی ا ستفاده نمائیم و د ر
مر همت ببندیم وازنظریات
و روانشناسان حد اکثر
واز مطالعه آثار نو شته‌ها
د کان خود را غنی‌سازیم.

در شهر ها ز ندگی می-
ثار نشر شده ، تلویزیون،
ار سمعی و بصری‌بدسترس
واز آن مستفید می شو ند.
فالیکه ، در گوشه و کنار
ز یست دارند بایدحداکثر
، صورت گیرد که دریـــن
مخصوصا عناصر آ گــاه

خاص دارند . در د هات
حیط ا جتماعی جمعی میسر
کار و تلاش وا لد یـــن
ازد .

نوشته شد و آنچه گفتــه
آوری مختصر از یك ایده
اره تر بیت روانی ومعنوی
در اثر مطالعه پیشگا مان
عناصر مسوول راه حـل
در فر دای ز ندگانـــی



فاشیزم این کودك ملعون سرمایه سالاری‌نه تنها از کشتن وزجردادن جوانان وپسران‌دریغ نمی کرد، بلکه اطفال معصوم را نیز بی رحمانه به کام مرگ می سپرد و ازمرگ‌تدریجی ایشان لذت می برد .

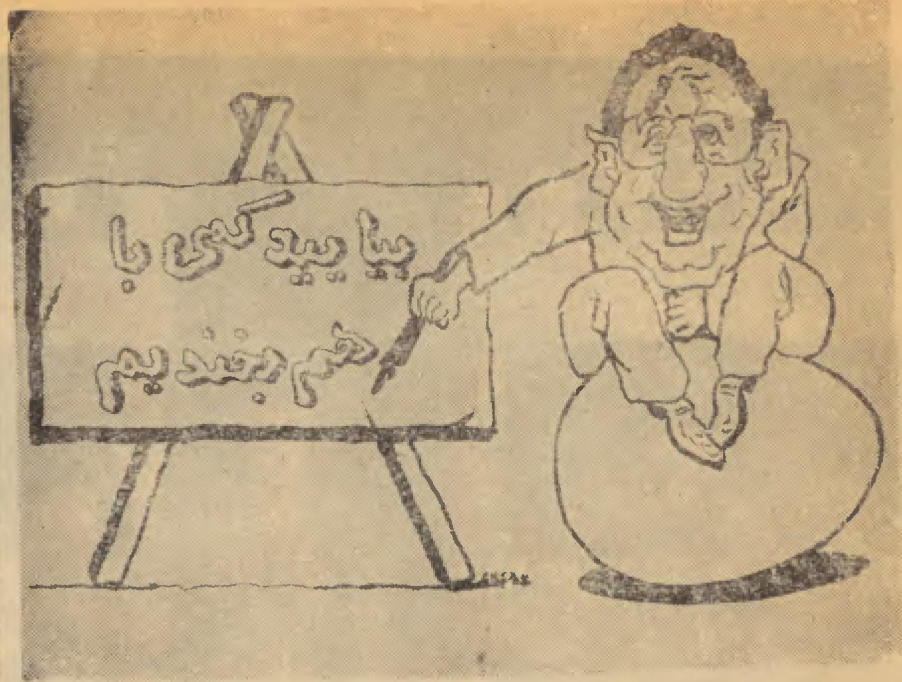
نامت را بخاطر داشته باش

جنگ جهانی وانسان سوز دوم نه تنهـــا

در کوره های آدم سوزی می سو ختند .

اردو گاه مرگ « آشویتس» در به کـــام کشیدن ا طفال وکودکان که اکثرا حتی نام های خود را فراموش می کردند شهره گشته بود وهزا ران طفل بی گناه درین زندان ها بی سر پرست و در حالت وحشتناك مـــورد شکنجه و عذاب قرار می گرفتند . آنگاهی

« نامت را بخاطر داشته باش »!



شاهد خوب

روزی شخصی را محکمه میکردند رئیس‌محکمه گفت :

ـآقا شما شاهد هستید وسو گند یاد کرده‌اید که‌آنچه رابچشم خوددیده‌اید شرح بدهید خوب حالا بگوئید که درچه‌تاریخی بدنیا آمده‌اید ؟

ـدراول ماه ثور ۱۳۲۰ ‎.. اما البته باچشم‌خودم ندیدم وبعداً اطلاع پیدا کردم که‌دراین روز بدنیا آمده ام .

در فکر ازدواج

دختری ایتالیایی روبه دوست خود کردپرسید :

– خوب تو بالاخره تصمیم نداری با آن‌پسر جوان ازدواج کنی

– نی جانم .

– چرا ... برای چی ؟

– برای اینکه پدرم میترسد مبادا ازخاطر پولم به‌ن اظهار علاقه
میترسد که مبادا خانواده یی درست و خوب‌نداشته باشد ... برا
که او کاراته باز است ... خودم هم ازآن‌هیچ ‌‌ ‌ ‌ج خوشم نمی آید وب

دوستش حرف اورا برید :

– بعلاوه چیست ؟

– بعلاوه‌اینکه او هنوز از من تقاضای ازدواج نکرده است !!



بدون شرح

وقتیکه بید
. بیل

«اسمیت» وارد اتاق د
ودید او روی تخت دراز
کرد :

– ادوارد ؟

– چراچه میگویید ؟

– بیدار هستی یانی

– چی میگی بگوگپ چ

– اگر بیدار هستی ، آن
قبلا برایت داده بودم پس

– نی ... «اسمیت» .
هستم وقتیکه بیدار شدم

من اورا خشک کردم

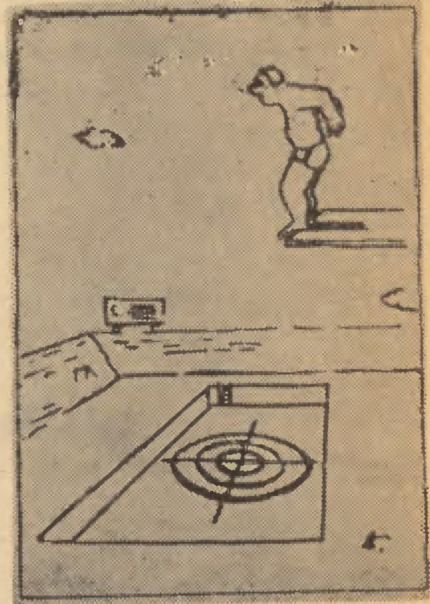
دیوانه نزد رئیس شفاخانه رفت وگفت:

آقای رئیس صاحب من دیگر هوشیار شده‌ام‌مرا آزاد کنید که‌به خانه خود بروم، رئیس لبخندی زد وگفت :

ـاز کجا بدانم که راست میگویی دیوانه‌گفت : دوساعت پیش شخصی راکه می‌خواست در آب غرق شود نجات دادم .

رئیس شفاخانه باخوشحالی توام باتعجب‌پرسید : خوب چه کاری را انجام دادی تااو از غرق شدن نجات پیدا کرد .

دیوانه گفت : هیچ آقای رئیس، گردنش‌درطنابی بستم واو رااز درخت آویزان کردم تاخشک شود !



بدون شرح

باید به‌موتر دیگر





بدون شر

در دیوا

نامزد خوش باو

جوانی که به مسافرت رفته بود ، تلگر
به دختری که دوستش داشت مخابره کـ
وپرسیده بود :

ـ آیا حاضر هستی با من ازدواج کنی
وضمنا پول جواب تلگراف راهم پردا
بود ... دختر برای دادن جـواب به اد
تلگراف مراجعه کرد وازمتصدی مربوط پرسی

ـ نامزدم پول چندکلمه تلگراف راپرداخ
متصدی تلگراف جوابداد :

ـ غیر از اسم وآدرس «ده» کلمه !

دخترکاغذی برداشت و صـورت تلگر
را نوشت :

ـ بلی ... بلـی ... بلـی ... بلـی
بلـی ... بلـی ... بلـی ... بلـی
بلـی ... بلـی !



بدون شرح

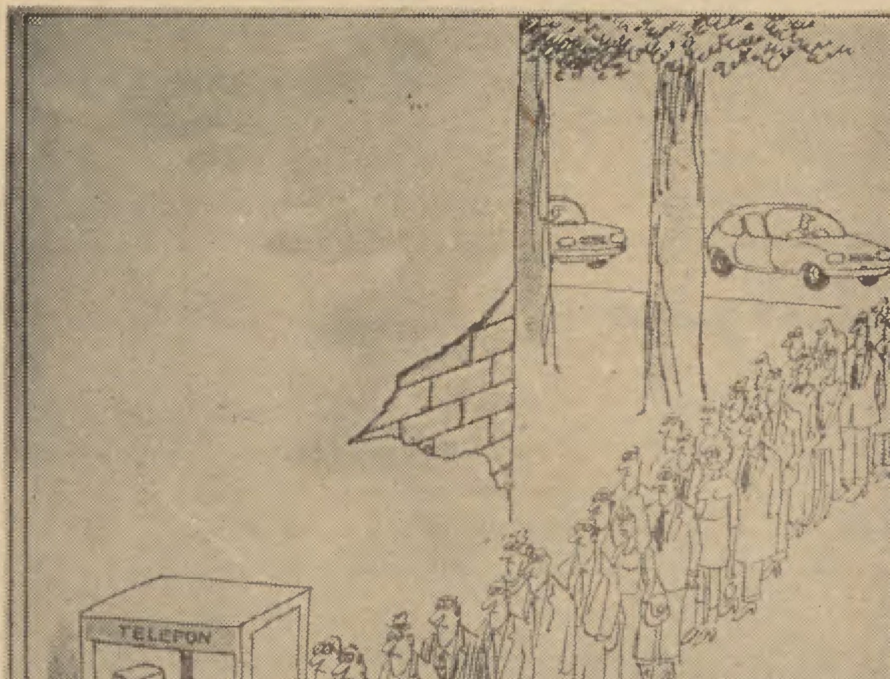
کیسه‌بر

کیسه بری را دریکی از محاکمه هـ
شیکاگو محاکمه میکردند ... پس از ختـ
محاکمه رئیس روباو کرد وگفت :

ـ توبپرداخت صد دالر محکوم هستی



بدون شرح





ن شرح

وشیار

دوان خودش را به‌پدرش
، بود رساند ودرحالیکه
به او کرد گفت :
ن میدانی دیروز شیـر
درم چی گفت ؟

ه من بده تـا برایـت

درجیب کردوگفت :
افغانی ... حالا بگوکه

ول را در جیبش می ـ
گفت :
شیر فروش به‌خواهرم
م جان ... برای امروز

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

نقش ادبیات متعهد در تکامل زندگی اجتماعی

در زمانی رسم معمول در بسا موارد چنین
وده که تکامل پدیده های هنری و منجمله
دبیات را بدون در نظرداشت تکامل ساختمان
اقتصادی جامعه در نظر میگرفته اند . واین
عقیده که دست اندر کاران فعالیت های ادبی
صرفا به‌کاوشگریهای زیبایی شناسانه آنهم
در ورای قانو نمندی تکامل اقتصادی جامعه
ی‌پردازند ، به‌سنت دیرین پاوسخت ریشه
ای تبدیل شده که پی آمد ناگواری داشته
واین‌گونه طرز نگرش ناسالم وبیمار گونه
وق‌العاده مضرو غالبا گمراه‌کننده بوده است.

قلم زنان ادبیات بورژوازی ، پیوسته تلاش
ورزیده اند که ادبیات و هر گونه آفرینش
دبی ، وسیلهٔ باشد برای ارضای نیاز مندی
های طبقات و اقشار صاحب امتیاز جامعه . از
همین رو ادبیات در مسیر تکامل قانونمندخود
ندك زمانی در اندرون جنگل انبوه ابهام به
شکلات فراوانی مواجه شده و آنگونه که
ی بایست باسیر تند وشتاب زده به سوی
ویایی و تکامل ، به پیش تازد ، نتوانسته
ست .

در جوامعی که مالکیت خصوصی بر وسایل
تولید ودر رابطه با شکل خصوصی تملك
وسایل تولید استثمار و بهر کشی انسان
از انسان بحیث یك پدیده عینی وجودداشته
باشد طبیعی است که برای ثبات وپایداری
موقعیت طبقاتی صاحبان خصوصی‌وسایل تولید
وجلوگیری از تسریع پروسه زوال استثمار

صاحب نظران ادبیات بورژوازی ، ظریفانه کوشش نموده اند تا ذوق مندان ادبیات را قسما متقاعد سازندکه گویا ادبیات هیچگونه رابطه ای و هیچگونه‌تاثیری به دیگرپدیده‌های زندگی اجتماعی نداردوخودمیتواندرچوکات‌قواعد وضابطه های مشخص مستقلا تکامل نماید . گاهگاهی چنین اظهار عقیده میشود که ادبیات تنها با اخلاقیات ومسایل صرفا روانی جامعه در ارتباط می تواند بودوازهمین لحاظ است که ادبیات بکار تکامل جوامع انسانی کاری ندارد .

پایه گذاران مکتب های ادبی رمانتیسم ، سمبولیسم ، سورریالیسم ، ناتورالیسم و گونه گون مکتب های ادبی دیگری ازین قبیل چون ادبیات را بحیث وسیلهٔ تامین منافع طبقاتی‌بورژوازی‌وتوجیه‌ابدیت وزوال ناپذیری سیطره سرمایه بکار گرفته اند ، نتوانستند از سیمای روشن ادبیات رسالت مند امروز منظره دقیقی ترسیم نمایند وبرمبنای طرزنگرش واقـــع بینانه به چهرهٔ ادبیات آینده ، به پایه گذاری مکتب ادبی دست بزنند که در رابطه با قواعد آن باروری و غنای هر چه بیشتر ادبیات همپای کاروان تکـامل زمان، میسر افتد .

مسلما که درین بحث فشرده و کوتاه ، که بدون تردید از نقایص فراوان به هیچ صورتی عاری نمیتواندبود، منظور نگارنده این نیست که ادبیات آنسو در کلیت مفهوم خود، درون پوسیده و خالی از هر گونه جنبهٔ مفید است، بلکه اینست که در سایهٔ سیاه و سنگین فرما نروایی سرمایه و استثمار انسان ازانسان ادبیات نتوانسته در باز تاب دقیقانه واقعیت های زندگی سهم فعال داشته باشد .

در جوامع سرمایداری
ماشین تبدیل میشودو هر
کالا را بخود میگیرد و سو
گران مقدم بر هرچیز دیگ
میابد ، تردیدی نمیتوان و
ادبیات نیز از شمار عنا
که بنابه اقتضای طبیعت
اقتصادی ، اجتماعی جامع
تسهیل نحوه بهره‌کشی قر
بوده نمی تواند .

از آنچه که گفته آمد
ادبیات بورژوازی ، ادبیاتی
نباید از زیان مندی تا ثیر
ادبیات پویا و متعهد امر
نداشته بـا شیم ، لازم
دام خطرناك ، گرایشی سر
ریالیستی معاصر است‌که
و مشکلات موفقانه عبور ک
متکامل امروز رسیده است

بحث های فراوانی که
ادبیات متعهد ورسالت من
ادبیات صورت گرفته بیان
بحیث یك‌پدیدهٔ اصیل هنر
باسایر پدیده های شامل
پیوند اورگانیك دارد ، ه
متشکله زیر بنای جامعه
وپیوند وديالكتيكی است
اگر بدون دخالت بیش

نامه‌یك ریاضی دان به معشوقه اش

ای قطر اطول لوزی وای شعاع‌دائره دلم،ازآنروز که قاعدهٔ متوازی الاضلاع پیشانیت رادیدم یك دل نه صددل عاشق ارتفاع آن‌گشتم واعتراف میکنم‌که ساینس‌بینی‌کشیده‌ات رادوست دارم وآرزویم رسیدن به‌کوتانژانت‌قلب توست .

محبوبم ، غباری که هنگام خرامیدن‌ات ازمجموع اقطار بیضی ته کفشت بلند میشود سرمهٔ الفای چشم من است ، بیا : وترمثلث‌صورتت را بنما تا ثابت کنم که مساوی‌است به مربع مجموع دو ضلع دیگر ...

آرزو دارم کسینوس وجودم را در پای‌سطح‌مقطع بینی ات بریزم ، بشرط آنکه پایهٔ وقت

ـت قبـل ازپیدایش انسان ن و طبیعـت تحـت تأثیر ته بەسوی تکامل پیش‌تازید س انسان طبیعت انسانی‌نبود ان طبیعت مادی نیز انسانی ارائه هیچگونه دلیلی می‌توان ونه پدیده های‌فرهنگی‌جامعه فعالیت اجتماعی انسان‌است• گسترش دامنهٔ فرهنگ جامعه گستره های زندگی اجتماعی ت ذاتی خلاقیت کار اجتماعی الکتیکی دارد و همیشه ودر ی پدیده های فرهنگی از کار اجتماعی مایه گرفته‌است• دبیات در خدمت توده های به ، قرار گیرد باید هنرمند ر ده های هنری اش را در د وهر آفرینش هنری‌وادبی ه باشد برای تسهیل شرایط ه بیشترمحصول کار اجتماعی ریالستیك و مردم‌گرابا قبول گیرای (کلکتویزم) بر فرد والیسم) همیشه در خدمت زحمت کش جامعه قرارگرفته معه را مساعدنموده است •در که برپایهٔ اسلوب ریالستیك فته باشد ، نویسنده‌کوشیده اش‌واقعیت‌های زندگی‌اجتماعی

د قهرمان اثرش را از میان های معمولی جامعه‌اش برمی‌ رمان به‌گونه اغراق آمیزی که کمترین وجه تشابهی ر جامعه نداشته باشد ودرین کلی ترین هدف نویسنده ، واقعیت های زندگی است واین یرندهٔهدف نویسنده در تدارك نه های تکامل زندگی اجتماعی

عهد در ادبیات نمیتواند با‌ ص طبقاتی همراه نباشد برای لتزام زدانی پذیرفتنی میتواند ده های زحمت کش جامعه را ز افراد ستمگر و طفیلـی فریده های هنری اش را در ع توده های زحمت کش مورد

یکی از صاحب نظران ادبیات متعهد عقیده اش رادر همین زمینه چنین بیان میدارد •

«هنر آئینه حقیقی زندگی است • ولی هرچه این آئینه به سوی فرد بگراید ، دریافت آن از واقعیت بیشتر محدود به مضمون های کوچك میشود. اگرهنرمتضمن ادراك جامعی از جهان باشد می‌بایست‌مفهوم‌عمومی ویاتعریفی صریح از زندگی برحسب تکامل تاریخی اش بدست دهد • »

طبیعی گرایی وشکل گرایی ، این هردو سبك ادبی کم مایه که دیر گاهی در ادبیات مورد استفاده قرار گرفته ، نیزنتوانسته اند از واقعیت های پذیر فتنی دریافت عمیق داشته باشند •

شکل گرایی (فورمالیزم) در طول تاریخ تکامل ادبیات موفق شده با ارائه فراورده‌های ادبی ، ماندگاری و بقای جاویدانه اش را تضمین نماید • هر گونه اثرادبی ای که مبتنی بر رعایت اسالیب سنتی این سبك بوجود آمده ، سطحی بی تناسب ، یك پهلو وبی تنوع بوده وهیچگاهی عطش خواننده را برطرف نه نموده است • چون درین گونه باز آفرینی ادبی، به‌تاثیرمتقابل وپیونددیالکتیکی وشکل محتوا و نقش تعین کنندهٔ محتوا توجه نشده در غالب آثار ادبی ای ازین دست ، محتوا بار سنگین شکل را بر دوش می‌کشیده لذا‌ا ن سبك ادبی از هر گونه خصوصیت خوب‌وقابل پذیرش عاری بوده است ، جنبه های ضعیف وبی مایهٔ این سبك ادبی را ، یکی از قلم زنان ادبیات راستین و هدف مند بدین سان باز گو می‌نماید •

«شکل گرایی وطبیعی‌گرایی هردو ازهرگونه دریافت عمیق عاری هستند ، در یافت آنها یا «ناآشنا وغریب» است یابی رمق وضعیف، و هموارہ سرد وبی احساس •»

نویسنده برج عاج نشینی که واقعیت‌های زندگی را ، متکی بر پندار وتخیل مشخص‌اش تحلیل وتجزیه می‌نماید وسرشت درونی‌پروسهٔ تکامل پدیده های زندگی را عمیقا درك کرده نمی‌تواند ومیل دارد که برمبنای پیشداوری شخصی خودش تصویرگر واقعیت ها باشد از آن راهی رفته است که برای نویسندهٔمتعهد وملتزم گزیدنی نیست .

نویسنده در پر تو شعاع نور افگن قوی ای استعداد هنری اش ، آن چیزهایی را می‌بیند که برای دیگران قابل رویت‌نیست و لذا باید نویسنده در یافتش‌رابه صورت مشخص‌ونمونه وار، درقالب تصویر هاو درسیمای کرکتر ها بگونه انعکاس دهد که نه فقط با واقعیت های عینی در تناقض نباشد بلکه سهولتی رابرای خواننده در تشخیص و شناخت واقعیت ها فراهم نماید • نویسندگان متعهد و ملتزم آثار ادبی ای ماند گار و فنانا‌پذیری از ین گونه بسیار آفریده اند که در اوج باروری وارزش هنری قرار دارد •

ادبیات متعهد به مثابه عنصر فعال پدیدهٔ های روبنایی جامعه ، همیشه درخدمت جامعه قرار داشته و مساعد ترین زمینه ها را برای تکامل وپویایی فرهنگ توده هافراهم نموده وچه بسا که‌این ادبیات رده‌بندی های مشخص طبقاتی رادر جامعه دارای ترکیب اجتماعی‌چند گونه، منعکس ساخته وراه مبارزه را برضد ستمگری هاو بی عدالتی های ناشی ازمالکیت خصوصی بر وسایل تولید نشان داده است• از همیـن جاـست کـه ادبیـات واقعگرای کهنه نشده است بلکـه پا بپای تکامـل قانونمند زندگی اجتماعی به سوی تکامل و باروری هر چه بیشتر به پیش می‌تازد •

گلخانهٔ دل

ز هجرت در گرفته لانهٔ دل
نشد روشن ز وصلت خانهٔ دل
ز برق آتشین سوز نگاهت
فروزان مجمری کاشانهٔ دل
بیا ساقی تو آن جام بلورین
ز نو رشعلهٔ مستانهٔ دل
نشد وا غنچه باغ دل من
چرابی لاله شد گلخانهٔ دل
ز کینه هر نگاهی باده خیزت

وجیزه‌ها

* فضیلت مرد ، ازسخن اوشناخته‌میشو
*بهترین دارایی نام نیك است •
* آنچه کوش زیاداست دشمن است .
* آنچه قبل ازمرگ آدمی‌رامیکشد نومیا
است •
*پاك رویی وبی ریائی بالا ترین درجـ
ایمان است •
*همنشین بدمانند تکه آتش است •
*نشانه‌خرد ، مدارا کردن بامردم است •
* بدترین عادت درونی است .
* بزرگی‌مردبه دانش اوست‌نه‌به دودمان
* بزرگترین گناه ترس است .
* احسان ، دلهارا تسخیر می کند .
* آنچه پیش ازمرگ آدمی را می کش
نومیدی است .
*بهترین عبادت خدمت به خلق است •
*زیبایی مرد در وقار اوست •
* دانش بزرگترین گنج است .
* شکیبایی ، میوهٔ درخت ایمان است .

گرد آورنده عبدالغنی (توخی)

* * *

سعادت دو جهان در رضای پ
ومادر است .

حکیم کسی است که دلها
مردمان را بحکمت صید کنـ

نیکی کردن مانند اصره کر
پول نقد است .

مردم با فهم را ملامتی کافیس
وابله‌را صد تازیانه کـم اسـ

کسی که پیش نرود عقب میر

چراغ علم با مدد سعی و کو
شش تا ریکی های جهل را ازمر
بر میدارد .

ارسالی : شکریه سعاد
متعلم صنف دهم لیسه آمنه فد

مدیر مسوول: راحله راسخ خ
معاون : محمد زمان نیکرا
آمر چاپ : علی محمد عثمانز





نبه ۲۶ ثور ۱۳۶۰



شماره

سلسل





